ژوندون

مجله هفتگی

شنبه ۵عقرب ۱۳۵۲

شماره(۳۲)

مسوبین روز نامه انیس و مجلهٔ ژوندون حلول عیدسعید فطر رابحضور قاید بزرگ‌ملی،بناغلی محمدداؤد، اعضای کمیتهٔ مرکزی جمهوری، اعضای کابینه، اردوی غیور افغان وکافهٔ هموطنان گرامی ومسلمانان جهان تهنیت‌میگویند.

محمدنذیر هیروی‌فلم
«اندرز مادر»

(رجوع به‌ص ۱٤)

بناغلی محمدداؤد رئیس دولت وصدراعظم بعدازادای نمازعید سعیدفطر،

برای رفاه وآرامی کافه ملت مسلمان افغان وترقی وتعالی عالم اسلام دعا فرمودند

بناغلی محمد داؤد رئیس دو لت و صدراعظم بساعت نهونیم قبل ازظهر روز جمعه ٤ عقرب نماز عید سعید فطر رادر مسجد ارگ ریاست‌جمهوری ادا نمودند.

قاید ملی ومحبوب مابعد از ادای نماز برای رفاه وآرامی کافه‌ملت‌مسلمان ونجیب افغان درپرتو نظام جمهو ریت جوان ماوهمچنان ترقی و تعالی‌عالم اسلام دعافرمودند .

در ادای نماز پارهبر بزرگ ما بناغلی محمدداؤد ، دوکتور محمدحسن شرق معاون صدارت عظمی ،اعضا ی کابینه ،صاحبمنصبان اردوی‌جمهو ری ،ولوی عبدالبصیر رئیس تمیز، کابل بنارووال وپشتو نستانی های‌مقیم کابل اشتراک داشتند.

بناغلی محمد داؤد پس ازادای نماز بهقصر گلخانه تشریف برده ودرآنجا ذواتی راکه برای ادای نماز آمده‌بودند بحضور پذیرفتند.

آنها مراتب تبریکات شان ر ا بالترتیب بحضور قاید ملی‌عر ض کردند.

خبرنگار ان باختر اطلاع میدهندکه هزاران نفر از شهر یان وا هالی نواحی کابل ساعت ۹ ونیم قبل‌ازظهر نماز عید سعید فطر رادر مسا جد جامع شهر اداء نموده وبرای بقای جمهوریت کشور وسعادت ملت افغان تحت زعامت رئیس دولت وصدر اعظم بناغلی محمد داؤد دعاکرد ند.

خبرنگاران باختر آزانس عـلا وه میکنند که‌مردم متدین ماحلول این‌ایام متبرك را باشور وشعف زایدالو صفی استقبال نمودند.

همچنان مردم سراسر کشور نما ز عید را در مساجد جامع وعید گاه‌های ولایات کشور اداء نموده تر قی‌وتعالی مملکت رابر هبری زعیم محبوب‌مـا بناغلی محمدداؤد ازخداوند ا ستد عا کردند.

نامه نگار ان باختر از ولا یـات اطلاع میدهند که‌مردم و طن پرست‌ما پس از آنکه نماز عید سعید فطررا اداکردند. باصفای‌نیت‌که زاده‌طبع‌رده‌مان مسلمان ماست با همدیگر مصا فحه وبغل کشی نموده این ایام خجسته‌را بهمدیگر تبریك گفتند.

والی ها بعد ازادای نماز تمنیا ت نیك رئیس دولت وصدر اعظم را بـه مناسبت عید سعید فطر به‌اهالی‌ابلاغ کردند. (ب)

قاید ملی ما بناغلی محمد داؤد بعداز ادای نماز عید سعید فطر بـاعده یی از اعضای کابینه‌وپشتونستانی‌های مقیم کابل در حال صرف چای دیده میشوند .

متن پیام بناغلی محمدداؤدرئیس‌دولت و صدراعظم بمناسبت عیدسعید فطر

خواهران وبرادران نهایت‌عزیز!

عید سعید فطر رابشما مردم خـدا پرست ،متدین ووطن دوست ازصمیم قلب تبر یك‌میگویم .

بر گزاری ماه مبارك رمضان‌نه‌تنها برای ملت افغانستان بلکه بـر ای جمله مسلمانان مظهر تواضع‌تسلیمی به‌خالق بی‌نیاز واحترام عمیق باوامر خداوند بزرگ است.

برادران وخواهران گرامی ، بـاید بخاطر داشته‌باشند که‌در پیشگاه‌خداوند بزرگ ماوشما بمقابل برادران‌گرسنه فقیر وبر هنه‌خود مسؤولیت ووظا یف سنگین داریم.

ماورلقای فداکارما بخداوند بزرگ سوگند یادکرده ایم تارمق آ خر ین زنا گی درتجسس وپیداکردن راهاییکه بتوان بدبختی ها،فقروبیچارگی مردمان مارا حتی المقدور ازبین بردارد سعی‌و کارخواهیم‌کرد.

ماسعادت وآرامی خودرا تنها د ر پیرامون سعادت وآرامی اکثریت‌مردمان وطن عزیز خویش سراغ کرده‌میتوانیم زیرا سعادت‌وآرامی ماپیوند ناگسستنی بسعادت وآرامی اکثریت مـردم‌ما و سربلندی افـغانستان تز یز مـا دارد.

درخاتمه یکباردیگر عیدسعید فطر رابهمه مردمان افغانستان و برا دران پشتونستان وهمه مسلمانان جهـا ن تبریك گفته امیدواریم صلح پایداری درممالك برادر عرب بر قرارو‌همچنان مردم فلسطین ازین ورطه بدبختی‌نجات یابد .

زنده وجا ویدباد افغانستان

پاینده بادجمهوریت

به اراده نیك رئیس دو لت به احترام حلول عیدسعید فطـر د ر حدود ۳۳۷۱ نفر محبوس ازحبس رها گردیدند .

یك منبع صدارت عظمی روز۲عقرب متن فرمان ریـاست جمهوری راکـه باثر اراده نیك وبشر خواها نه‌بناغلی محمد داؤد رئیس دولت عنوا نـی صدارت عظمی صادر شده بـه نشر سپرده است .

طوریکه به مشاهده رسیده اکثـر محبوسین که در محابس بسرمیبرند فیصله های صادره درباره او شا ن

بقیه درصفحه ٥٤

مجلس عالی وزراء پالیسی کلتوری دولت جمهوری افغانستان را تصویب کرد

پالیسی کلتوری دولت جمهو ری افغانستان که توسط وزارت اطلا عات وکلتور طرح وتسوید گردیده بودروز اول عقرب درمجلس عالی وزراء بـه تصویب رسید.

یك منبع وزارت اطلاعات و کلتور گفت که پالیسی کلتوری افغانستان خط مشی فرهنگی راتثبیت نمـو ده و طرز العملهای وزارت اطلا عات و کلتور را داخل جو کات معیـن قـر ا ر میدهد.

منبع افزود که این پالیسی تمـا م جنبه های فعالیتهای اطلا عاتی وکلتوری حکومت جمهوری افغانستان را حا وی بوده ووظایف ثقافتی وزارت اطلا عا ت وکلتور راتنظیم مینماید.

متن پالیسی کلتوری دولت جمهور ی افغانستان

پا لیسی فرهنگی افـغـانستان یا پالیسی کلتوری

حفظ وانتقال میراث فرهنگی جامعه باتوجه به ارزش های مثبت کلتوری که تحولات علمی وتخنیکی ورو حیـه همزیستی مسالمت آ میز ساز گـا ر باشد .

آماده ساختن مردم برای سهم گیری آزادانه ومدبرانه در حیات کلتو ری جامعه .

مساعد ساختن ذهنیت مردم برای پذیرش تحول مثبت سیر تکا مـل بشری .

پروراندن ذوق بدیع مر دم تـا بدینوسیله ازپدیده های هنری وجنبه های زیبا شناسی حیات کلتوری لذت ببرند.

بقیه در صفحه ۵۲

دعوت رئیس دولت به افتخار هیات نظامی اتحادشوروی

ازطرف شاغلی محمدداؤد رئیس دولت و صدراعظم دعوت شامی بروزاول عقرب به افتخار هیات نظامی اتحادشوروی درتالار وزارت امور خارجه ترتیب شده بودکه درآن دکتور شرق معاون صدارت، شاغلی محمدنعیم، اعضـای کابینه، منصبداران ارشداردو ومامورین عالیرتبه وزارت امورخارجه وسفیر کبیر آنکشور متعین کابل، اشتراك کرده بودند قرار یك خبردیگر هیات نظامی اتحاد شوروی بریاست مارشال سوسکالینکو کرنیل سیمانوویچ معاون وزارت دفاع آنکشور بدعوت وزارت دفاع ملی بکابل آمده بودقبل ازظهرروز ۳ عقرب عازم کشورش گردید .

تورن جنرال غلام حیدرقوماندان قوای مرکز وعده دیگر ازصاحبمنصبان ارشد اردو، شاغلی پوزانوف سفیرکبیر اتحاد شوروی در کابل برای وداع باهیات درمیدان هوایی حاضـر بودند .

دولت جمهوری افغانستان همکاری های دایمی خودرا برای تحقق اهداف عالی موسسهٔ ملل دوام خواهد داد

مدیریت اطـلا عات وزارت ا مور خارجه خبرداد که به مناسبت سالگره بیست وهشتم تـا سیس ملل متحد تلگرام تبریکیه از حضور نبا غلـی محمد داود رئیس دو لت وصدراعظم عنوانی دکتور کور ت والد ها یـم منشی عمومی ملل متحد به نیویار ك مخابره شده است .

درین تلگرام ضمن ابراز مجـدد پشتیبانی کامل دولت جمـهور ی افغانستان از موسسه ملل متـحد و اساسات منشور آن به دکتوروالدهایم اطمینان داده شده است که افغانستا ن همکاری هاو مساعی جدی و دایمـی خود را برای تحقق اهداف عا لـی آن موسسه جهانی دوام خواهد داد .

محکمه اختصاصی گدامهای دولتی تاسیس گردید

محکمه اختصاصی گدام ها ی دولتی جدیدا تاسیس گردیده است .

یك منبع قضایی وزار ت عد لـیه اطلاع داد که نظر به اهمیت مو ضوع وکثرت دوسیه های مربوط گدام های دولتی باساس پیشنهاد ریاست ذاتیه اضایی ومنظوری شورای عالی قضا اخیرا این محکمه دایر و شروع بکار کرده است .

(ب)

نمایشات هنری هنرمندان تاجکستان اتحاد شوروی درکابل نندارى توسط وزیر اطلاعات و کلتور افتتاح گردید

نمایشات هنرمندان جمهـور یـت تاجکستان اتحادشوروی شب ۵ عقرب در کابل نندارى توسط پوهاند دکتـور نوین وزیر اطلاعات وکلتور افتتا ح شد .

دکتور محمد حسن شرق معـا و ن صدارت عظمی ،اعضای کابینه، مامورین عالی رتبه عسکری وملکی وبر خی از سران گوردیپلوماتیك مقیم کابل باخانم های شان ازنمایش هنرمندان شوروی دیدن کردند.

قبل از آغاز نمایش پوهاند دکتور نوین طی بیانیه ازمناسبات دوستانـه عنعنوی بین افغانستان واتحاد شوروی تذکار داد .

همچنان شاغلی کریم قربانوف رئیس هیات هنرمندان اظهارخوشی کرد ازاینکه هنرمندان شوروی برای نخستین بار هنگامیکه رژیم جمهوری درافغانستا ن استقرار یافته یـك سلسله نـمایش های هنری را اجرا مینمایند.

هیات هنر مندان بیست و یك نفری جمهوریت تاجکستان شوروی که تحت پرو گرام کلتوری بین افغانستان و

بقیه در صفحه ۵۴

پوهاند دکتور نوین درپایان نما یشات به هنر مندان تاجکی دسته های گـل اهـدا مینما ید .

بین افغانستان و هند موافقتنامه مشترک باستانشناسی امضاء گردید

موافقتنامه مشترك باستان شناسی بین افغانستان وهند ساعت یك وسی بعد از ظهر روز ۲ عقرب تـو سط پوهاند دکتور نوین وزیر اطلا عا ت وکلتور وشاغلی مهتا سفیر کبیرهند در کابل منعقد گردید.

طبق این موا فقتنامه هیات باستان شناسی هند درساحات مجاز بگر ا م وفراه برای مدت پنج سال به حفر یات وتحقیقات تـا ریخی خـو ا هـند پرداخت .

حفریات به اجازه دولت جمهو ری افغانستان در نقاط حوز ه های مذ کور صورت میگیرد.

نظر به موافقتنامه تمام مصا ر ف تحقیقات مشترك باستان شناسی ا ز طرف مقامات هندی تادیه میگـردد . همچنان حکومت هند موافقه نموده تا چهار تن محصلین افغانی را دررشته باستان شنا سی تحـت تـر بیـه بگیرد.

بقیه در صفحه ۵۳

دورنمای صلح

محمد بشیر رفیق

آیا اوربند ستزلزل کنونی صلح را در پی خواهد داشت؟

چار مین جنگ عربها واسرائیل در حالیکه وارد سو مین هفته خودشده بود با تصویب فیصله نامه اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا در شورای امنیت ملل متحد ظاهرآپایان یافت .

اگرچه تقاضای اوربند ازطرف مصر واسرائیل به فاصله چندساعت قبول شد وقرار بود ساعت ۱۹و۲۰ ۳۰ میزان طرفی اوربند را مراعات کنند اما با تعرض و تجاوز مجدد اسرائیل اوربند در جبهه داخلی سینا و جبهه جنوب چند بار نقض گردید و سوریه دو روز بعد در اثر اصرار سادات اوربند را پذیرفت در حالیکه طی این دو روز اسرائیلی ها حملات شدید زمینی و هوایی خود را در سوریه و مخصوصا برای تصرف کوه‌هر موند که مو قعیت ستراتیژیکی مهمی دارد ودر جنگ اخیر دو باره به تصرف سوری ها درآمده است ادامه دادند .

در متن فیصله نامه شورای امنیت ملل متحد که از طرف ایالات متحده امریکا و اتحاد شوروی به شورای امنیت پیش شد درماده اول ازطرفین نزاع تقاضا شده‌است تاهرچه‌زود تر ودر ظرف کمتر از ۱۲ ساعت تمام فعالیت های نظامی خود را پایان‌داده

ودر مواضعی که روز ۲۱ اکتوبر ۱۹۷۳ در اشغال داشتند باقی‌بماند ماده دوم از طرفین تقاضا میکند تا

فورا بعد از انفاذ اوربند فیصله نامه ۲۴۲ مورخ ۲۲ نومبر ۱۹۶۷ را

در معرض اجرا قرار بدهند .

فیصله نامه در ماده سوم میخواهد که فورا و متعاقب اوربند مذاکراتی

تحت اثر یك مرجع قابل قبول بین طرفین به منظور استقرار یك صلح عادلانه و پایدار در شرق میانه آغاز گردد .

این فیصله نامه بقول اکثر ناظران سیاسی باز هم‌مانند فیصله نامه۲۴۲ دارای ابهام زیاد است ، زیرا در حالیکه در ماده دوم فیصله نامه ذکر گردیده که اسرائیل باید فورا فیصله نامه ۲۴۲ سال ۱۹۶۷ شورای‌امنیت را در معرض اجرا بگذارد در ماده سوم مذاکرات را بصورت فوری وبلا فاصله بعد از اوربند توصیه میکند و معلوم نمی شود که کدام تقاضا باید زودتر جامه عمل بپوشد تخلیه سر زمین های عربی ازطرف اسرائیل که در سال ۱۹۶۷ اشغال کرده است و یا آغاز مذاکرات؟!

تاتحریر این یاد داشت‌هنوزجنگ های شدیدی بین عرب هاواسرائیل در سوریه و دو طرف کانال سویز جریان دارد و مصر ادعا میکند که اسرائیل اوربند را به منظور آور دن فشار پیوسته نقض میکند چنانکه مصر باز تقاضای تشکیل شورای امنیت را کرد و شورای امنیت‌مجددا از طرفین نزاع خواست که فیصله نامه اخیر را مراعات‌کنند در حالیکه هنوز آثار وعلایمی وجود ندارد که تطبیق کامل این فیصله نامه‌که در

وزرای نفت کشور ها ی نفتخیزعرب درکویت پیرامون «سلاح‌نفت» در جنگ شرق‌میانه مذاکره کردند

پریز یدنت نیکسون باوزرا ی‌خارجه٤ کشور عرب ملاقات کرد سپس اظهار داشت درمورد چگونگی‌رسیدن به‌صلح درشرق میانه باآنها اختلاف نظر دارد

انورالسا دات

حسن البکر

حافظ الاسد

...درشرق میانه

از تانکهای اسرائیلی که سربازان سوریه به غنیمت گرفته است

عکس العمل کشورهای عربی پیرامون اوربند موجوده

هنگامیکه «انورالسادات» رئیس جمهور مصر (نفر دوم از سمت راست) درمرکز فرماندهی قاهره همراه با جنرال اسماعیل وزیر دفاع و (شاذلی) لوی درستیز مصر موقعیت نظامی اعراب را مورد بازدید قرار میداد.

واقع در ساحه عمل قرار دادن فیصله نامه ۲۴۲ مورخ ۲۲ نومبر ۱۹۶۷ شورای امنیت را تقاضا میکند آغاز شده باشد .

بعلاوه در ارسال سلاح ومهمات جنگی امریکایی به اسرائیل علی الرغم اوربند و تقاضای اکثر نمایندگان حاضر درشورای امنیت که ازایالات متحده امریکا وشوروی خواسته بودند تا ارسال سلاح را به طرفین دعوا قطع کنند اوضاع رادر شرق میانه بیشتر قرین بحران میساز د. بعضی از خبر نگاران معتقد اند که امریکا به اسرائیل اطمینان داده ست موضعی را که از خاك عربها مانند شرم الشیخ باریکه غزه و غیره میخواهد میتواند در تصرف داشته باشد. در حالیکه عربها هیچگاه به واگذاری این قسمت از خاك خود به اسرائیل قناعت نخواهند کرد .

بعلاوه سوال فلسطین و احقاق حقوق مردم آواره فلسطین که هسته نزاع اصلی را بین اسرائیل وعربها تشکیل داده اصلا درین فیصله مطمع نظر قرار نگرفته است و بهمین نسبت سازمان های مبارزان فلسطین فیصله نامه جدید را نه پذیرفته وگفته اند که به جنگ علیه اسرائیل ادامه خواهند داد در حالیکه اسرائیل تقاضا میکند همه طرفین دعوا باید فیصله نامه حاضر را قبول کنند!!

وقتی مصر اوربند راقبول کرده جهان عرب با شگفتی آشکار عمل مصر را تلقی کردند . اگرچه باسفر کاسیگین به قاهره و مذاکرات مسکو بین کیسنجر ولیونید بریژنیف همگان می دانستند که دورهبر قدرت فیصله نامهٔ دایر بر اوربند به شورای امنیت تقدیم خواهند کرد و لی در قبول آن از طرف مصر تا حدی شك و تردید وجود داشت و ناظران عربی عقیده داشتند که مصر بعداز مشاوره با سوریه و سایر دول عربی داخل جنگ مانند عراق و عربستان سعودی وحتی لیبیا نظر خود را پیرامون این فیصله نامه ابراز خواهد کرد بنابران قبول اوربند از طرف مصر درست چند ساعت بعد از تقاضای شورای امنیت پایتخت های کشور عربی را با شگفت فراوان مواجه ساخت عراق بلا فاصله آن را ردکرد زیرا عراق فیصله نامه ۲۲ر۲۴۲ نومبر ۱۹۶۷ را نیز نه پذیرفته بود قذافی از روش مصر انتقاد کرد وقبول فیصله نامه موجوده را گناه بزرگ به جامعه عرب دانست کویت نیز فیصله نامه حاضره را مردود شمرد الجزایر و مراکش سکوت اختیار کردند وخلاصه جهان عرب از قبول این فیصله نامه از طرف مصر آنهم به سرعت و بدون مشاوره های لازم با هم پیمان های خودش

صفحه ۵

قذافی

ملك حسین

ملك فیصل

ایدی امین

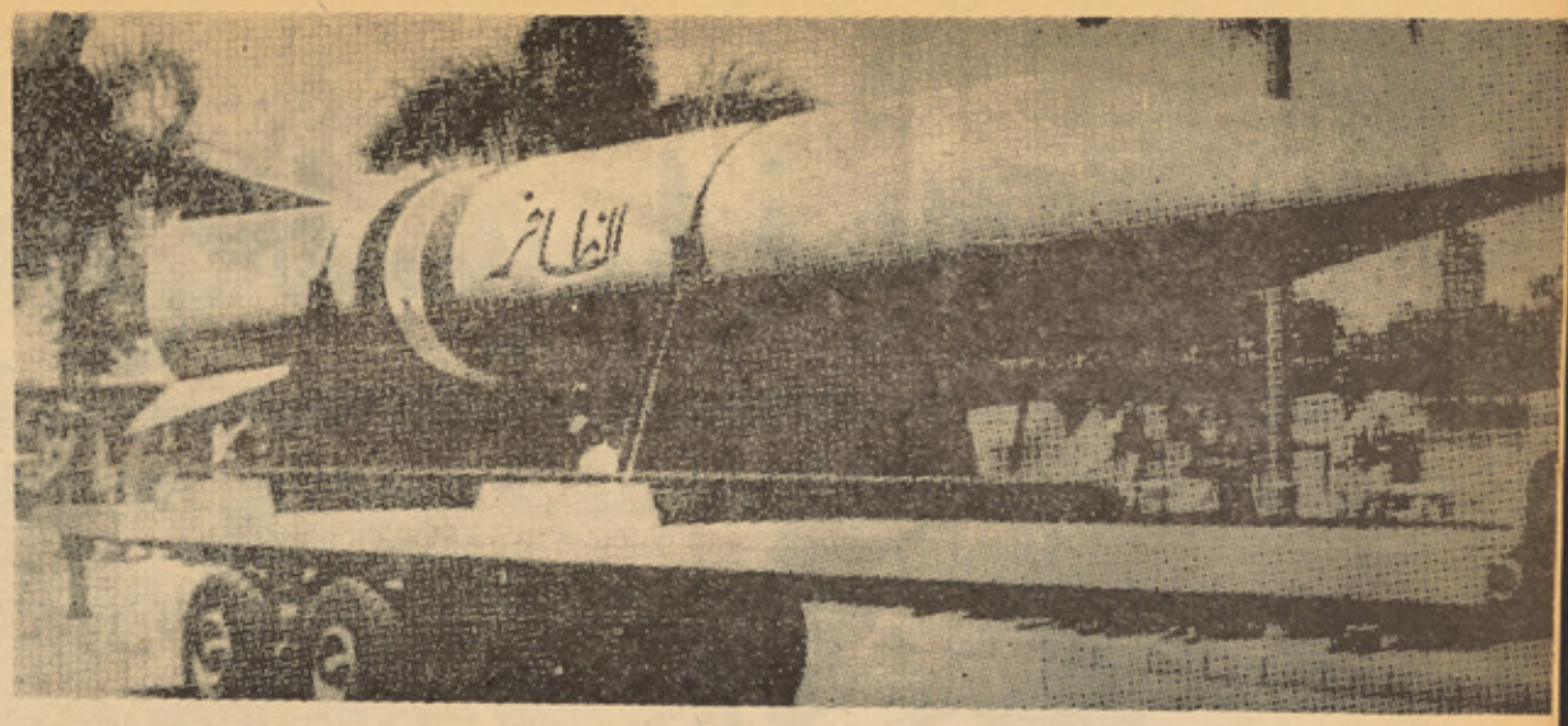

راکت های الظافر مصر میتوا نـد از فاصله ۳۸۰ کیلو متری هدفهای خودرانابود کند.ولی‌هرگزاین‌راکت های مخرب درجنگ چهارم اعرا ب واسرائیل مورد استفـا ده قـــرار نگرفت.

عدم رضایت خود را آشکارا بیـان داشتند و لی سادات برای اقنـــاع زعمای عرب و در جریان گذاشتـن آنها نمایند گانی به برخی ازپایتخت های عربی فرستاد .

با آنچه گفته آمد عجالتا هـــنوز معلوم نیست که آیا تخلیه سر زمین های عربی از طرف اسرائیل آغـاز میگردد ؟ و مذاکرات با اسرائیل چه شکل خواهد داشت ؟ زیرا با قبول مذاکرات مستقیم با اسرائیل عربها وجود اسرائیل را بحیث یك کشور در سر زمین فلسطین قبول میکنند وباز معلوم نیست که اسرائیل در مقابل این امتیاز بزرگ که ۲۵سال در آرزوی آن بود چه عکس العملـی نشان خواهد داد .

دراسرائیل راجع‌به‌اور بند چه‌عقیده‌دار ند؟

بر خلاف‌آنچه در روز نامه هـــا محافل خبری جهان شایع گردیدکه اسرائیل در جنگ چارم غافل گیر شد حقایق طور دیگری است برخی از نامه نگاران در تماس های کـــه با زعمای اسرائیل‌داشته در یافته‌اند که هم اسرائیـل و هـم امریکـا از تدارکات عربها برای جنگ خبـــر داشتند منتهاتاریخ آن رانمیدانستند دو روز قبل از جنگ چارم سازمان های جاسوسی سیا و اسرائیل‌پیهم اطلاعاتی کسب میکردند که سوریه ومصر کاملا خود را برای جنگ‌آماده کرده است چنانکه یك شب قبل از جنگ چارم رئیس ساز مان‌جاسوسی اسرائیـل ساعـت چار صبح بـــه موشی دایان اطلاع داد که حمله مصر وسوریه هر لحظه انتظار برده‌میشود دایان همان وقت باتیلفون مخصوص موضوع را بـه اطـلاع گولـدا مایر صدر اعظم اسرائیل رساند واوهمان روز سفیرامریکا را احضار کرد واین مطلب را باوی مطرح نمود و جالب این بود که سفیر امریکا معلو ما ت بیشتر درین مورد داشت .

درست یك روز بـعد بود کـــه محافظان بارلو در حالیکه خـود را برای تجلیل عید آماده‌میگردیدندکه جنگ آغاز یافت .

بقول بعضی از نامه نگا رانغربی آغـاز وانـجام جنـگ چارم مـردم اسرائیل را به دو دسته معین مجزا دیگران بدست آورند زیرا چنیـــن قدرتی که با غصب خاك و مال‌مردم دیگر صورت بگیرددیر یازودمضمحل میشود واثری از آن باقی نمی ماند گروه مخالف‌جنگ وتو سعه جوی‌در

سربازان تازه نفس مصـری که‌وارد سینا شده اند خاك وطن شانرا می‌بو سیدند وبه نبرد ادامه‌میدادند.

ارتفاعات گو لان بشدت از طرف‌نیروهای سوریه نگهبانی میشود .

صفحه ٦

ساخته است .

یك دسته طرفدار ختم منازعـــه ۲۵ ساله باعرب ها و آغاز یك‌زندگی آرام می‌باشند و لی دسته دیگـــر هنوز هم آرزودارند بر خاك‌اسرائیل افزوده شود وباتجاوز سر زمین‌های جدیدی را در تصرف در آورد.

ـملت یهود در دوره نازی هانسبت به ضعفی که داشت چنان تلفاتـی برداشت که تاریخ مانند آن را بیـاد ندارد در واقع این تلفات که ناشی از ضعف آنها بود درسی به آنهاداد که باید همیشه قوی و نیرو منـــد باشند اما آنها فرا موش کردند که این قدرت را نمی توانند با تصرف سر زمین های دیگران و در خـــاك اسرائیل با این فلسفه بـه مبارزه جنگجویان وتو سعه طلبان مـــی پردازند واین پیکار در کدر زهبری اسرائیل تاثیر زیادی وارد خواهـد کرد . مخصوصا کـه اسرائیـل در پایان جنگ چارم « اگر واقعااوربند موجوده را پایان این جنگ بدانیم » با سر افراشته بر نگشته است‌بلکه امروز همه مردم در اسرائیل‌میدانند که‌این کشوز شکست پذیر است و اگر منازعه خود را باعرب ها حـــل نکند ودر جنگ دیگری ولو چندسال بعد درگیر شود با منابع سرشاری که عرب ها دارند موجودیت‌اسرائیل بخطر خواهد افتاد .

وژندون

تصرف گولان از طرف اسرائیلی‌هابقدری مشکل بود که افسرا ن اسرائیلی اعلام کردند دستر سی‌به‌دمشق غیر ممکن است واین یک سرباز سوری است که جان خودرا دراین راه فدا کرده است.

آیا اوربند موجود صلحی در پی خواهد داشت ؟

جواب این سوال هنوز خیلی مشکل است زیرا از گذارش‌موجوده نمی توان به‌یك صلح پایداردرشرق میانه امید وار بود وحتی نمی توان بدرستی پیش بینی کرد که‌اسرائیل قرار بدهد زیرا امریکا کماکان بر قدرت نظامی اسرائیل می افزایدواین کار اسرائیل را در تخلف از فیصله نامه های ملل‌متحد جدی‌تر میسازد وراستی مایه تعجب است که چگونه امریکا از یك سو فیصله نامه ایرا تدوین میکند که تخلیه اراضی عربها

عساکر اسرائیل دریك وضعی که زیر بمباران سوریه قرار گرفته‌اند می‌روند تا خودرا درپنا هگا هی برسانند.

مفاد فیصله‌نامه ۲۴۲-۲۲ نو مبر شورای امنیت را مطابق آنچه عربها از آن تعبیر میکنند یعنی تخلیه‌کامل وبدون قید وشرط سر زمین های اشغال در سال ۱۹۶۷ درساحه عمل را از طرف اسرائیل تقاضا میکند واز جانب دیگر بنام توازن قوا بازهم اسرائیل رااز لحاظ نظامی تقو یت می‌نماید. این رابه اصطلاح خو د

تانك های عصری مصر ی درین جنگ نقش عمده ایرابازی کردند این عکس ازیك تانك مصر ی‌د ر سینا است .

امریکایی ها باید «دبل‌گیم» نا مید واینکه ازین کار آنها چه منظوری دارند باید در قدم اول اتحادشوروی آن را درك کرده باشد زیرا فیصله

واین منطقه وضع خیلی حساس تر از ویتنا م‌دارد مخصوصا که کشور های عربی تصمیم گرفته اند از نفت نیز بحیث یك حربه سیاسی علیه

این تانك اسرا ئیلی بعداز گر یز آنها دریك منطقه گولان بجا مانده است

نامه موجوده را هر دو کشور پس‌از مذاکرات مفصل ومطـول و مشاوره های زیاد تدوین کردند ؟

ولی امریکا این بار باید بداند کـه ادامه نزاع در شرق میانه درشرایط امروز هیچگاه به نفع آن‌کشورنیست واین منطقه وضع خیلی حساس تر ازویتنام دارد مخصوصا که کشو ر

هنگامیکه یك کشتی را کت‌انداز راکتـی را بسـوی یـك کشتـی اسرائیل فیر می کند.

ژوندون

شماره ۳۲ شنبه ۵ عقرب ۱۳۵۲ مساوی ۲۲ شوال المکرم ۱۳۹۳ مطابق ۲۷ اکتوبر ۱۹۷۳

عید سعید فطر

در دفتر معامله ما خلاف نیست
امروز عید ماست که روزحساب ماست
«صایب»

امروز دومین روز عید سعید فطر است که درپایان یك ماه صیام وقیام همگانی بساط شادمانی رادرفامیل های ماگسترد . ایـــن نخستین عید مذهبی ماست که درزمان استقرار نظام نوین وباشکوه جمهوری به پیشواز آن شتافتیم وشکرانه حق بجاآوردیم .

درفلسفه وجودی اعیاد مذهبی وملی ما این اصل مسلم بشری نهفته است که درچنین ایام متبرك ضمن ابراز شادمانی وبجاآوردن مراسم لازم بیادآن انسانهایی باشیم که درحول و حوش مازندگی دارندووضع اقتصادی نابسامان شان به آنها اجازه نمیدهد عیدرنگینی داشته باشند . اندیشه واقدام درراه بهبود وضـــع آنان مخصوصا دراین فرصتی که نظام نویـن ماچنین زمینه ای رافراهم کرده است درواقع برداشتن گامی درجهت وظایف اسلامی وانسانی ماست . کلمهٔ «عید» که مفهوم (باز گشت) رامیرساند درحقیقت فرصت مراجعه به کارنامه های مادرطول مدت بین اعیاد است ومابابد درروز های عید باخویشتن محاسبه نمائیم که تا چه اندازه درتسکین آلام بینوایی سهم گرفته ایم تاچه حد اشك یتیمی را ازرخساره اش زدوده وتاچه پیمانه ای درراه رفاه هموطنان خویش قدم برداشته ایم ؟

آیامادراین فاصله زمانـی توانسته ایـم خدمات خالصانه ومؤثری برای وطن ووطنداران خویش انجام دهیم ؟

ماوقتی درایام عید بدوستان خویش حلول عیدراتبریك میگوئیم ودعامیکنیم کـــه عبادات شان مورد قبول درگاه احدیت واقع شود بایداین اظهار محبت واین ابـراز شادمانی رااز صمیم قلب وتوام با حسن نیتی انجام دهیم که انگیزه نیکو کاری ها وسر آغازهم جهتی مادر مبارزه بادشمنان ماست .

مادرحالیکه حلول عید سعید فطررابه پیشگاه تمام هموطنان گرامی وکافه مسلمانان جهـان تبریك میگوئیم امیدواریم خوانندگان عزیز وخانواده های گرامی ما باین روحیه از عیـــد فطر استقبال نمایند .

په ګډ کوشش دعالی اهدافو په لور

«مونږ اوزمونږ فداکارو ملګرو په لوی خدای لوړه کړیده چه دژوند تروروستی سلګی پوری دهغولاروپه لټه اوموندلو کښی هڅه او کاروکړوچه زمونږ دخلکو بدبختی، فقراوبیولی لهمنځه یوړلای شی .»

ددولت درئیس او صدراعظم اوز مونږد ملی مشر ښاغلی محمدداؤد دهغه پیغام یوه برخه ده چه دکمکی اختر په مناسبت له رادیو افغانستان څخه بروډکاست شوه .

لکه چه دډولت درئیس په دووتیرووینا ګانوکښی اشاره شویده ، زمونږ دولس داکثری ډلی دژوند سطح په ډیره ټیټه درجه ولاړه ده اوپه ټیره بیامحرومه طبقه دبیسوادی ،ناروغی فقراودژوندانه دناوړو شرایطو سره لاس اوګریوان دی . په ټیره بیادتیرو لسوکلونو په موده کښی دغه شرایط لاپسی خپله ریښـه وخځلوله، دژوندانه لګښتونه پورته لاړ اوددغو ټولوشرایطو په تیاره کښی په خلکو باندی دژوند ساحه محدوده شوه .

البته دهغو ټولو موانعو اومشکلاتو له منځه وړل چه دیوی هوساامترقی ټولنی دجوړولو دپاره زمونږ دجمهوری نظام دعالی اهدافو په لاره کښی پراته دی، دلږی مودی په ترڅ کښی ناشونی کاردی اودکلونو دپاره دفکر اوعمل کاراوفعالیت حوصله ایجابوی . خودهغه تصمیم لهمخی چه ددولت رئیس اوددوی رښتینوملګرو دغواهدافو ته درسیدو دپاره ټینګ دی اوددغه تصمیم ترشادولس پوره ملاتړاوکلکه همکاری ملګری ده په یقین سره هیله کولای شوچـه دغه مشکلات به زمونږدایمان اودعزم اوارادی ،کاراوعمل اوګډو کوښښونو په برکت ژرله منځه لاړشی اومونږبه دخپل ملی مشریـــه لارښوونه اودخپلووطن پالونکواوزیارایستونکو خلکو په مرسته پردغومواتعو اومشکلاتـــو بریالی اوسو .

صفحه ۸

صرف تحولات انقلابی واقعـی کشور را قادر خواهدساخت استقلال ملی خـو یشرا تحکیم نماید وبا اطمینان بیاری خداوند بزرگ (ج) در شاهراه ترقی اقتصادی واجتماعی گام نهد.

محمد داؤد
رئیس دولت وصدراعظم افغانستان

نامه به مدیر

مدیر محترم مجله ژوندون :

چند روزپیش درشهر جوانی رابادو کودك که همراهش بود دیدم . جوانی که هنوزسنش از ۱۴ ویا ۱۵ سال تجاوز نمیکرد .

اویك سیگرت رادرکنج لب مانده وباشتیاق وعلاقه زیاد دود میکرد .

دودکردن سیگرت آن دوکودك راکه همراهش بودچنان بخودجلب کرده بود که بوضاحت ازچهرهٔ شان درآیندهٔ قریب میل سیگرت کشیدن خوانده میشد، برعلاوه ازظاهرش معلوم میشد که درآمد ویامعاشی هم ندارد که ازپول آن برای خود سیگرت بخرد .

پس شمافکرکنید که این عمل بعضی از جوانها که بای خودنمایی این کارهارامیکنند وازعواقب ناگوار آن خبرندارند وغمی ترسنده، چه لطمه بزرگی به صحت واقتصاد خود وارد میسازند .

این عمل نه تنها یك سیدبزرگ در مقابـل نمویی جسم جوان بوده ازنمویی عادی جسم جلوگیری بعمل می آورد بلکه بصراحت گفته میتوانیم برای اجتماع و خدمات اجتماعـــی اشخاصیکه جسما وروحا خوب رشدکرده باشند ضرورت است البته نقص اقتصادی سیگرت هم هیچ تشریح لازم ندارد وهمه میدانند که پول راخاکستر ساختن است .

واضح ومعلوم داراست که نیروی جوانان درجامعه بشری بسیار قابل اهمیت بوده وهمین نیروی جوانان است که جامعه راتحول داده بسوی پیشرفت وارتقاء سوق میدهد .

پس حالاکه رژیم نوین جمهوری برای اصلاح جامعه درهرلحظه سعی ومجاهدات زیادی بخرج میدهد چه خوبست اگر جوانان مابعوض کشیدن سیگرت دراستحکام بنیه اقتصادی مملکت از راه های ممکنه بکوشند .

وازنقص بزرگ جسمی ومالی که دامن گیر اکثرجوانان ماست جلوگیری بعمل آورند .

زیرااکنون وقت آن رسیده، که هرکسس بایدبه اصلاح خود وجامعه خود کوشیده تمام نیروی خودرادرجامعه که نیازبه زحمت کشیدن وکارکردن دارد، درپرتو نظام نوین مصرف کند نه آنکه آنرابیهوده وهدر مصرف نماید.

آرزومندم حرف هایم مؤثرواقع شده درین حصه همه مسؤولان امورزیادتر وعمیق ترتوجه کرده ازورود سیگرت های قاچاقی وزیادشدن آن دربازار جلوگیری نمایند .

چه بفکرمن ارزان بودن سیگرت نیز باعث آن میشود تااطفال وجوانهای مابه سیگرت عادت کرده، خودرا واقتصاد خودرا درمعرض خطر قرار دهند . بااحترام

م ، ع – پناه

ژوندون

ژوندون

ژوندون مجله خانواده‌ها
ژوندون هرهفته بامطالب
ومضامین علمی وهنری
منتشر میشود.
باخواندن ژوندون هـر
هفته بر دا نش خـــو د
بیفزائید .
اشتراك ژوندون درشش
ماه دوم‌سال بنفع شمـــا
است.

نویسنده: هبا

...واما عید ما

هرملت ازملل جهان معمولا روزهایی را بنام عید وطنی وقومی می شناسند واز آن بابرگذار نمودن مراسم باشکوه تجلیل بعمل آورده وکوشش میکنند آنچه ازخاطرات ناگوار واندوه بار درطول یکسال درخوددداشته‌باشند درپرتو عید بفراموشی بسپارند .

انسان همچنانکه برای رهایی ازناملایمات زندگی وکدورت های ناشی ازحیات یکنواخت باید درحدود امکان تنوعی درامور مربوط بزندگی وحتی درشغل وپیشه خود ایجاد نماید . هکذابایستی بخاطر مقاومت یافتن دربرابر شداید وناگواری های بیشمار زندگی فرحت وتراوتی در نفس وی بوجود آیدتااین شکوفائی نفس انسان رادرمقابل سختی ها استقلا وپیروزی بخشد

ازهمین جاست که انسان ها ازهمان ادوار کهن ایامی را مورد اعتناو بزرگداشت قرار داده وآنرا عید میخواندند، برآن رنگ تقدس وعظمت میدادند، وآنرا منبع فیض وبرکت میدانستند وزیبایی خاصی برآن می افزودند.

هنگامیکه اسلام وارد دنیای بشریت گردید این عیدها وایام مخصوص رامورد مطالعه قرار داد وآنچه راکه باتعالیم عالی وانسانی اسلام سازش داشت بحال خود گذاشت وآن نوع عیدی راکه بامصلحت سنجی وهدف بزرگ اسلام مطابقت نداشت ابطال کرد واز میان برداشت .

هنگامیکه اسلام بتابش خود درجهان شروع کرداعراب آن وقت روزهایی رابعنوان عید تخصیص داده وروز عید زافرصت تفاخر به قومیت ونژاد وتبارز امتیازات خاص هر قوم وقبیله برديگری میشمردند وهر طایفه در آراسته ساختن بازار مخصوص بخودش تلاش بخرج داده وبدین ترتیب آتش هم چشمی رابیش ازپیش دامن میزدند، چنانچه اعراب دورهٔ جاهلیت درترتیب بازار های قبیلوی ازکمال افراط کارگرفته روزهای عید رادرآنجا به قمار ، صرف مشروبات الکلی و دهها مفاسد منافی کرامت انسانی استقبال مینمودند وهیچگونه مرز وسرحدی برای عیاشی ولجام گسیختگی ایشان وجود نداشت ، موقعی که حضرت پیامبر «ص»بزرگوار اسلام‌وارد مدینه گردید این احتفالات آنان رابنام عید نپذیرفت وبرای نجات دادن آنها ازین نابسامانی های ضدانسانی راه سعادت بخش دیگری رابه ایشان تعیین فرمود .

این اعراب دوروز راعید میگرفتند و چون دربرابرپرسش پیامبر وآسلام«ص»واقع‌شدند پاسخ دادند که ماباین دوروزرا درزمان جاهلیت برای تفاخر وعیاشی قبایل مختلف تخصیص داده بودیم سپس آنحضرت (ص) ایشان را مورد خطاب قرار داد وفرمود :

«خداوند (ج) دوروز بهتر دیگر رابجای آن دو روزبرای شما تعیین نموده است‌که‌عبارت ازروز عید قربان وروزعید رمضان است .

عید مسلمانها :

عید های مسلمانان عید قومی ووطنی‌نیست. روشنی نیست که ساخته وپرداخته بشر ویا اختراع عقول واحساس آنان باشد، بلکه عید دینی واسلامی است‌که شریعت اسلامی آنرا برای ملت اسلام مقرر نموده است

بزرگترین دلیل برای دینی بودن عید های اسلامی آمدن روزهای عید بدنبال فرایض وعبادات حتمی است، چنانچه می بینیم عید رمضان به تعقیب انجام فریضه روزه وعید قربان بدنبال عبادت حج برگزار میشود

اسلام علاوه ازین عید های سالانه ، روز های دیگری رانیز درهرهفته سال بنام روز عید معرفی کرده‌که عبارت ازروز های متبرک وسعادت بخش جمعه میباشد .

بدین اساس که عید های مسلمانها عید دینی واسلامی است ، هراندازه تجلیل و بزرگداشت درمورد عید درصورتیکه فاقدصیغه دینی واسلامی باشد، درحقیقت ارزشی نداشته ودورازصفات عید های اسلامی بحساب می‌آید.

عیدفطرکه هم اکنون مادرسایه‌برکات ونعمات آن مسروریم، یك فرحت ومسرت عاجل بوده واما مسرت بزرگ همانا روزملاقات آفریدگار جهانیان است، روزیکه نامه اعمال روزه دار رابکف راست اوبسپارند ، روزیکه دروازه های جنت هاونعمات جاویدان بروی روزه دار گشوده گردد وبرایش گفته شودکه:«بخورید وبنوشید وآسوده باشید بپا داش اعمال‌نیکی که درروزگار قبل ودرزندگی از خویش نشان داده اید » .

وسروری عظیم تروزی است که ندایی بدینگونه‌ازجانب خالق‌کاینات‌بگوش‌روزه‌داران برسدکه : «ای بندگان من ! امروز خوفی‌متوجه شمانبوده وشمااندوهگین نباشید . . شما و ازواج تان داخل جنت شوید ... شما از هر گونه نعماتی که خواسته نفس وچشم باشد بطور جاویدان مستفید میشوید واین جنت پاداش کردارنیك واعمال راستین شماست»

پیامبر عالیمقام در روز عید ارشاداتی میفرمود که اینك آنچه بفکر مامی‌آید اجمالا نام می بریم :

اول- صبح پیش ازحرکت جانب عیدگاه ومسجد، افطار میکرد ودیگران رانیز بافطار

بقیه در صفحه ۵۰

شخصیت های بزرگ اسلامی رامعرفی میکند

بقلم : قاری عینی

حضرت عبدالله بن عمر (رض)

این شخصیت بزرگ اسلامی پسر خلیفه دوم اسلام حضرت عمربن خطاب‌رض‌میباشد.

نام اصلی شان عبدالرحمن بوده سپس به عبدالله معروف گردید .

درسال ۱۴ قبل از هجرت در مکهٔ معظمه چشم بدنیا باز نموده در حال طفو لیت درآنجا باپدرش بدین اسلام مشرف گردیده وهمچنان در هجرت از مکه بمدینه با پدرش یکجا رهسپارشد .

مادرش بنام زینب بنت مظعون پسرحبیب شهرت دارد .

ابن عمر (رض) بیشتربابن‌عبدالله‌بن‌عمرقریشی عدوی ویکی مشهور است.

زمانیکه جنگ به وقوع پیوست سن ابن عمر (رض) خیلی کوچك بود ارادهٔ شر کت رادرین جنگ نموده و لی‌پیغمبر اسلام‌نسبت صغر سنش اجازه دخول در پیکار بوی ندادند ولی در اشتراك شان به جنگ احد که‌سن‌شان به‌چهارده سالگی رسید ه بود اختلاف است.

درسن پانزده سالگی در غزوه خندق اجازه اشتراك برایش داده شده سپس در تما می غزوات اشتراك نمود.

ابن عمر (رض) دارای دانش و فضیلت زیاد بوده چندتن از اصحاب در مورد آن‌چنین ابراز عقیده میکنند .

۱- جابر (رض) میگوید کسیکه از میان مادنیا وآخرت راکمایی نموده عمر و پسرش عبدالله (رض) میباشد .

۲- میمون بن مروان وطاوس (رض)میگویند احدی راپر هیز گارتر از ابن عمر (رض)ودانا تراز ابن عباس رض ندیدم.

۳- نافع (رض) میگوید ابن عمر رض تا زمانیکه بیشتر از هزار انسان را آزاد نکرد بدرود حیات نگفت .

روزی عبدالله بن عمر (رض) که مصعب غروه و عبدالله بن زبیر رض همراه بودند بالای سنگی نشستند وهر کدام چیزی آ رزو کردند عبدالله بن زبیر رض گفت من آرزو دارم که‌عالم باشم مصعب رض گفت‌کاشکی درعراق امیر می‌بودم ومیان عایشه رض و طلحه رض حکم صحیح می کردم عبدالله بن عمر رض گفت من تمنا می کنم که مغفرت‌شوم بعدا همه تمنای ابن عمر رض راپسند ید ند وبه‌فضیلت آن اعتراف کردند.

نافع میگوید هنگامیکه به ابن عمر ر ض عجب وغرور بدیدن بعضی از اموالش وا رد میشد فورا بخداوند (ج) رجوع وتوبه میکرد وگاهی همه صدقاتش دریك مجلس با لغ به سی هزار در هم میر سید .

پوره ۸۶ سال زندگی نموده، ۶۰ سال تام متصدی امور افتا بود درجمع آوری آ ثا ر رسول خدا(ص) حریص بوده به تعداد ۱۸۳۰ حدیث را روایت‌کرده است که‌شیخین‌به۱۷۰ حدیث آن اتفاق داشته بخاری ۸۱ حد یث اسلم ۳۱ حدیث رابطور انفرادی از وی‌روایت نموده اند.

ابن عمر رض از استعداد وافر، ذ کا وت فطری و هو شیاری بهره وافی داشته تمامی استعداد و قوتش رادر حفظ نقل و قف‌احادیث وتحصیل فقه بخر ج رسا نید ابو جعفر رض دربارهٔاومیگوید: احدی‌از اصحاب‌درجمع‌آوری وامانت داری احادیث پیغمبر اسلام بمر تبهٔ ابن عمر رض نمیرسد .

این شخصیت بزرگ اسلامی را نسبت کثرت دقت وبافکر بود نش به چیدالحد یث مسمی گردند باوجود آنکه مد ت ۶۰ سال‌تام رادر امور افتا سپری کرد و نسبت به‌قلت فتوی اورا به‌جید الفقه مسمی نکردند .

امتیاز ابن عمر رض نسبت به دیگران در دقت نقل وکثرت دانش بوده نه بکثرت استنباط وفرت فتوی . این شخصیت‌اسلا می در حقیقت موسس وبنیان گذار مدرسهٔ حدیث بشمار میرود که مردمان مدینه وامام ما لك احادیث زیادی از او اخذ نموده اند این شخصیت مهم اسلامی درسال ۷۳ هجری در مکهٔ معظمه بعداز ادای مراسم حج بسن ۸۶ سالگی وفات نموده درزی طوی(مقبرهٔمهاجرین) مدفون گردید وخاطرات فراموش نا شد نی ازخود بیادگار گذاشت.

صفحه ۹

بمناسبت بیست‌وهشتمین سال تاسیس:

موسسه ملل متحد کانون آ

متن پیام بمناغلی محمد داودرئیس دولت وصدر اعظم افغانستان بمناسبت بیست و هشتمین سالگره تاسیس م.م

در این موقعی که روز تاریخی سازمان ملل متحد در کشور های عضو توسط مردمان صلحجو و آزادی خواه تجلیل میشود میخوا هم مراتب تمنیات نیك خود ، حکومت و مردم دولت جمهوری افغانستان را برای موفقیت وپیروزی کامل سازمان ملل متحد جهت تحقق پرنسیپها وغایه های عالی سازمان جهانی که‌درمنشور آن منعکس شده اند ابراز نمایم .

افغانستان به‌حیث‌عضو صادق‌ووفادار سازمان ملل متحد از بدو عضویت خویش در راه تامین اهداف عالی سازمان جهانی مانند تحکیم صلح‌و امنیت بین‌المللی، مساوات بین کشور های آزاد و دارای حاکمیت ملی، پشتیبانی از حق خود ارادیت‌مردمان تحت استعمار وسلطه اجنبی ،رعایت واحترام حقوق بشری و همکاری بین‌المللی با سازمان ملل متحد از هیچ گونه همکاری ها ی ممکن مضایقه ننموده است .

سازمان ملل متحد در طول بیست‌و هشت سال عمر خویش با وصف نارسایی های آن برای جامعه بشری مصدر یك سلسله خدمات قابل‌ملاحظه شده است که‌جزء تاریخ پر افتخار این موسسه جهانی خواهدبود . از جمله موفقیتها ی شایانی که نصیب سازمان ملل‌متحد شده یکی آن‌عبارت از حصول آزادی برای یکعده زیاد کشور های قاره های‌بزرگ افریقا وآسیا میباشد که در نتیجه تلاشهای دوامدار سازمان جهانی میسر شده است .

مردم افغانستان سازمان ملل متحد راکه موثر ترین وسیلهٔ پایدار ی صلح وامنیت وهمکار ی بین ملتهای جهان میخوا نند تقویت روز افزو ن آنرا آرزو میکنند ومساعی و تلاشهای سازمان جهانی رادر راه استحکام صلح وامنیت جهان ، رفع کامل استعمار وسلطهٔ اجنبی ، تقویه روابط همکار ی وتفاهم بین‌المللی ومساعدت های سازمان ملل متحد ومو سسا ت اختصاصی آن را به‌کشور ها ی روبه انکشاف بنظر تقدیر وتحسین‌می‌نگرند.

نارسایی ها وعدم موفقیت‌ملل‌متحد دربرخی موارد مهم ناشی از آن بوده است که متاسفانه بعضی کشورها ی عضو منشور ملل متحد را نا دیده گرفته وهم به فیصله‌های موسسه بین‌المللی وقعی نگذا شته اند . این کشور ها بنا برعدم احترام واطاعت ازمنشور ملل متحد و رعایت تطبیق فیصله های متعدد آن مکررا مورد تقبیح ونکوهش اکثریت قاطع کشور های عضو قرار گرفته اند .

چنانکه مخالفت اسرائیل ،افریقای جنوبی، حکومت اقلیت وغیر قانو نی رودیشیا ی جنوبی وپرتگال بافیصله های متعدد اسامبله عمومی و شورای امنیت ملل متحد مثالهای بر جسته این کشور ها هستند که‌اعضای‌سازمان جهانی نیز میباشد.

بایست خاطر نشان کرد که‌مردمان جهان هنوز به تحقق اهداف بنیادی منشور ملل متحد مبنی بر ایجاد شرایط صلح وسعادت جامعه بین‌المللی که‌توسط آن سویه زندگی همه‌مردمان جهان مطابق باکرامت بشری‌تضمین شود نایل نشده‌اند . بر عکس عدم توازن متداوم در توزیع ثروت و قدرت بین‌کشور های انکشاف یافته و رو با نکشاف بمشاهده میرسد که موجب اندیشه ونگرانی عمیق مردمان واقعبین وعدالت پسند جهان شده است ، رابطهٔ مهم میان صلح‌جهانی وعدالت اجتماعی بین المللی را نمی توان نادیده گرفت بنابر آن لازم است مساله انکشاف اقتصادی و اجتماعی مبارزه مشترك همه کشور های جهان محسوب شود .

تا آنجاییکه این مساله به سازمان ملل متحد تعلق دارد مردم افغانستان امیدوار اند که کشور های‌عضوخاصتا کشور های غنی موضوع انکشاف اقتصادی واجتماعی اعضای فامیل جامعه ملل متحد را در روشنی عدم موفقیت دهه اول انکشاف ملل‌متحد که موجب مایوسی کامل مردمان کشور های محتاج و روبانکشاف شده است برای تحقق اهداف ستراتیژی مربوط دهه دوم انکشاف ملل متحد که سال سوم آن قبلا آغاز شده است اقدامات مقتضی اتخاذ خواهند نمود .

بقیه در صفحه ٥٤

اقدام بتاسیس ملل متحد

١٤ ـ اگست ١٩٤١

ایالات متحده امریکا وانگلستان را جمع به‌اصول اولیه صلح‌که بعدا بنام‌منشوراتلانتیك معروف گردید، موافقه نمودند .

اول جنوری ١٩٤٢

بیست وشش ملت تعهد کردند کشور های محور راشکست بدهند ومنشور اتلانتیك راقبول نمایند دراین اعلامیه (عبارت ملل متحد) برای نخستین بار استعمال شد. بیست‌ویك کشور دیگر بعدترقبولی خودرا درقسمت این اعلامیه اشعار داشتند

٣٠ـ اکتوبر ١٩٤٣

دراعلامیه مسکو، چین ، اتحاد شوروی ، انگلستان وایالات متحدامریکا موافقه کردند برای حفظ صلح یك موسسه بین المللی بسازند .

اگست ـ اکتوبر ١٩٤٤

کنفرانس دمبارتن اوکس که درآن چین،اتحاد شوروی، انگلستان وایالات متحد خطوط خارجی پیشنهاد های ابتدایی رابرای یك سازمان بین‌المللی بوجود آوردند .

اپریل ـ جون ١٩٤٥

پنجاه ملت در کنفرانس سانفرانسسکو اشتراك نموده منشور ملل متحد راتسویه و تصویب نمودند که بتاریخ ٢٦جون امضا شد. بولند که نتوانسته بوددرکنفرانس اشتراك کند، منشور رابعدا امضانمودوبه این ترتیب یکی ازاعضای نخستین ملل متحد گردید .

٢١ـاکتوبر ١٩٤٥

منشور ازطرف چین، اتحادشوروی،انگلستان وایالات متحد، واکثریت امضاکنندگان آن تصویب گردید ملل متحد بتاریخ ٢٤اکتوبر بوجود آمد واکنون روزملل متحد در سر تاسر جهان درهمین تاریخ تجلیل میشود .

اهداف واصول

منشور اهداف ملل متحد راطور آتی بیان میکند :

ـ حفظ صلح وامنیت بین المللی .
ـ انکشاف روابط دوستانه بین ملل .
ـ تامین همکاری بین‌المللی درحل مسایل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی‌وبشری بین‌المللی وتشویق احترام به حقوق وآزادی های‌اساسی بشر .
ـ اجرای وظیفه بحیث مرکز هم آهنگی اقدامات ازحصول این اهداف مشترك .

منشور همچنان اصول اساسی راکه ملل متحددروی آن تاسیس گردیده تعریف میکند .

این اصول عبارت ازهفت وجیبه عمومی‌است که هردولت عضو وخود سازمان رابطور عموم باهم مرتبط میسازد .

ـ تمام دول عضو مستقل ومساوی میباشد.
ـ وجایب خودرا مطابق منشور باحسن‌نیت ایفا میکنند .
ـ منازعات بین المللی رااز طریق مسالمت حل وفصل مینمایند .
ـ ازتحدیدیااستعمال قوه خودداری میکنند.
ـ به‌ملل متحد هرگونه کمك میکنند .
ـ ملل متحداطمینان حاصل مینمایددولتی‌که عضوملل متحد نمیباشند نیز مطابق منشور رفتار کنند .
ـ ملل متحد درامور داخلی کدام کشور مداخله نمی نماید .

سرمنشی های م.م

تریگولی

هامر شیولد

او تانت

والدهایم

آرمانهای جهان

عضویت ملل متحد برای تمام دول صلح دوست ممکن است بشرطی‌که تعهدات مندرجه منشور راپذیرفته وطبق قضاوت این سازمان تعهدات مذکوررا بخوشی ایفا کنند

عضویت ملل متحد به پیشنهاد شورای امنیت وتصویب مجمع عمومی حاصل میگردد اکنون ملل متحد ۱۳۵ عضو دارد .

ارکان عمده ملل متحد

ملل متحد شش رکن عمده دارد .

۱ـ مجمع عمومی .
۲ـ شورای امنیت .
۳ـ شورای اقتصادی واجتماعی
٤ـ شورای قیمومیت .
٥ـ محکمه بین المللی عدالت .
٦ـ دارالانشاء .

۱ـ مجمع عمومی

مجمع عمومی رکن عمده ملل متحد میباشد که به بحث می پردازد ودرآن تمام اعضاء تمثیل میشوند . مجمع مذکور بطورمنظم جلسات سالانه خودرا تشکیل میدهدودر صورت لزوم به جلسات مخصوصی می پردازد

وظایف :

مجمع عمومی میتواند هرسوال موضوعی را که درمنشور ذکرشده یابه صلاحیت هاووظایف هر رکن ملل‌متحد ارتباط میگیرد ، مطرح کند. مجمع بطورخاص میتواند برموضوعات آتی بحث کند :

ـ اصول عمومی همکاری برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بشمول خلع سلاح .

هر سوالی که به صلح وامنیت بین المللی مربوط باشد بغیرازمنازعه یاوضعی که درهمان وقت ازطرف شورای امنیت تحت بحث قرار گرفته باشد .

مسایل مربوط به حقوق دول :

ـ مسایل همکاری بین المللی در ساحات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تعلیم وتربیه وصحت

مجمع عمومی درملل متحد دارای موقعیت مرکزی میباشد .ارکان‌دیگر راپورهای‌خودرا به مجمع مذکور تقدیم میکنند مجمع عمومی اعضای جدید رابه پیشنهاد شورای امنیت می پذیردوسرمنشی ملل متحد رامقررمیسازد. همچنان بودجه سازمان راتصویب میکند و فیصله مینمایدکه هرعضو چقدر حق العضویت بپردازد .

رای دهی :

هردولت عضودرمجمع عمومی یك رای دارد ولی میتواند به جلسات تاپنج نماینده بفرستد مجمع درمسایل عادی ازطریق اکثریت آراء سادهواعضای حاضرودرمسایل‌مهم‌به اکثریت دوثلث به فیصله میرسد .

۲ـ شورای امنیت

شورای امنیت ازهمه بیشتر مسئول حفظ صلح وامنیت بین المللی میباشد

این شو را از پنج عضو دایمی‌و ده عضو غیر دا یمی مر کب است

اعضای دایمی عبارت اندازچین، فرانسه، اتحاد شوروی، انگلستان وایالات متحد امریکا اعضای غیردایمی برای دوسال از طرف مجمع عمومی انتخاب میشوند .

مؤسسات مختلف سازمان‌م.م‌در نقاط مختلف کشور ما پروژه های امداد دارند.

چون حفظ صلح وامنیت بین‌المللی مستلزم مراقبت دایمی واقدام فوری است شورای امنیت طوری تشکیل گردیده که بتواند همیشه کارکند .

وظایف شورای امنیت :

ـ شورای امنیت هرمنازعه یاتهدید به صلح رامطالعه نموده برای حل مشکلات سفارشهائی مینماید .

ـ شورامیتواند ازاعضای ملل متحدبخواهد برای متوقف ساختن تجاوزعلیه دولت متجاوز ازتعزیرات اقتصادی وتدابیر دیگری‌کاربگیرند که درآن استعمال قوهٔ مضمر نمیباشد

ممکن است علیه یك دولت‌متجاوز به‌اقدام نظامی بپردازد .

ـ شورای امنیت مسؤول طرح پلانها برای تنظیم تسلیحات است .

ـ راجع به شمول اعضای جدید، تعویق عضویت بعضی واخراج اعضای سابق ملل

بقیه در ص ٥٤

علایم اختصاری سازمان‌های اختصاصی ملل متحد

از گل احمد (زهاب) نوری

این مرد در هشتاد و پنج سالگی هنوز جوان است

● فتح محمد نیروی جوانیش را حفظ کرده چشمانش خوب می بیند و با تلاش خستگی ناپذیر کار میکند

● نجاری قسمتی از ساختمان های امروزی ثمرهٔ کار اوست

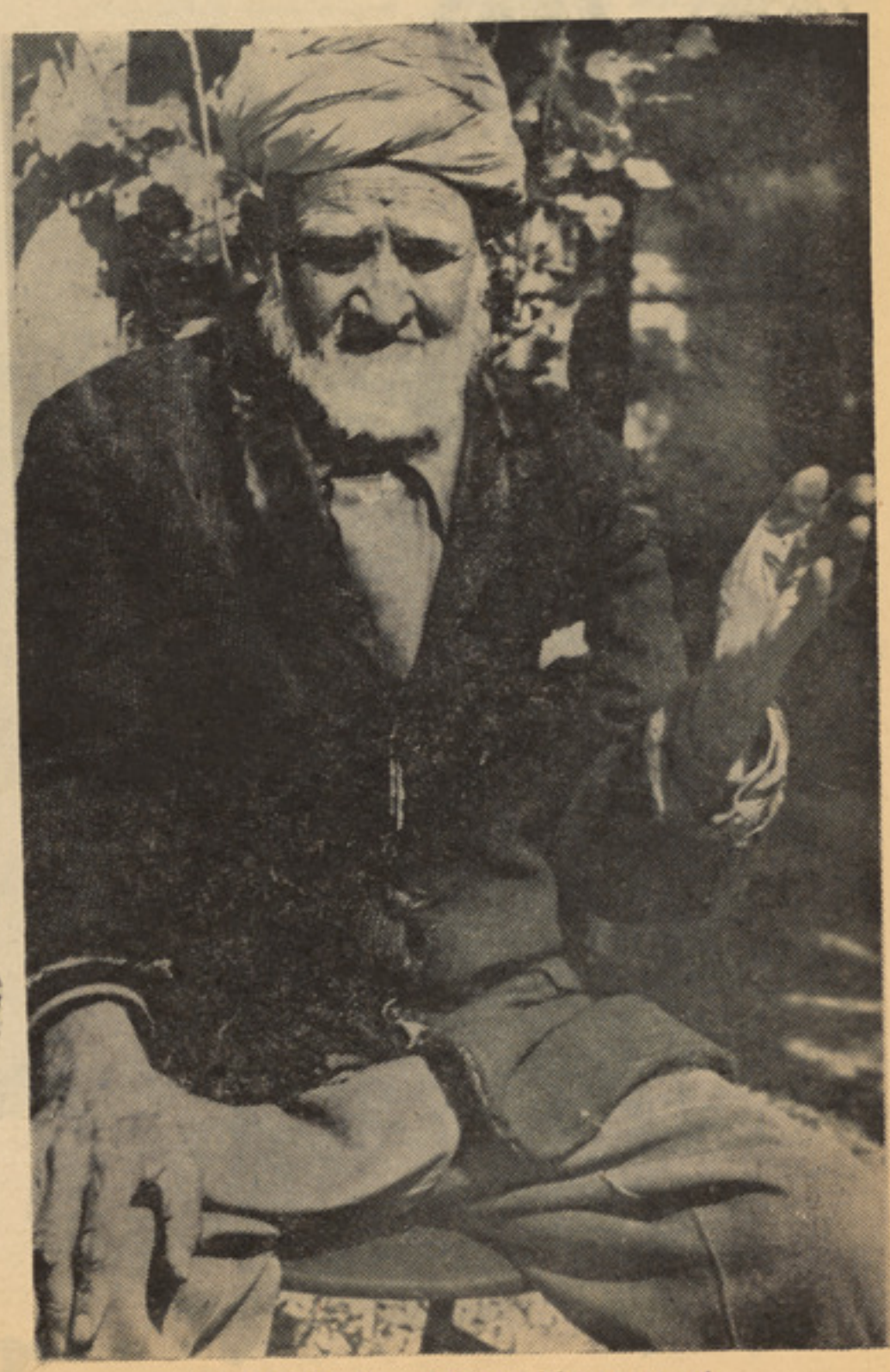

فتح محمد به‌کاهره عکاسی خیره شده است .

صدای تیشه واره با آوازماشین های نجاری در هم آمیخته و بر فضای کار گاه عظیم نجا ر ی می‌پیچد، از ورای هوای گرد آلود، چهرهٔ کار گران کمی خیره به نظر میرسد همه باصدای بلند حر ف میز نند، تا از لا بلای صدا ها ی دیگر شنیده شود ولی (او) این صدا ها را کمتر میشنود، گو شها یش نیروی اول خود را از دست داده‌اند نگاهم آهسته بروی دستا نش میلغزد، می بینم دو دوست لا غر و استخوانی اره و تیشه‌را چنان‌ببازی گرفته که انسان بحیرت می افتد... این دست‌هاکه دیگر تازگی‌وشادابی یی در آنها دیده نمیشود، ما نند دو دست نیرو مند و جوان ازچو ب خشك وبی قواره هر چه دلش بخواهد میسازد ....

اوقدی کو تاه دارد وریش سپید کوتاهی بر چهره اش سنگینی‌میکند دو چشم کو چك و لی قوی و روشن از لابلای چین و چروك رو یش،جلب نظر میکند، اگر کسی او را نشناسد فکر میکند که این مرد هنوز د ر دوران شباب است و باهمان نیروی جوانی کار میکند... در حقیقت اینطور نیست او پیر مرد یست هشتاد و پنج ساله که هشتاد وپنج بهار زیبا و هشتاد و پنج زمستان سرد را سپری کرده و تقر یباً قرنی را پشت سر گذاشته است .

اما هنوز نیروی جوانی اش ر ا حفظ کرده... چشما نش خوب می بیند، دلش چون جوانان شاد است وبا تلاشی خستگی نا پذیر کا ر میکند...

تیشه اش فضا را شکا فته و میخواهد که چو بی را تراش کندکه آهسته دستم را بر شا نه اش میگذارم ... چشمان کو چك و پر نو رش بسو یم دو خته میشود ولبخندی بر لبا نش نقش می بندد..

لحظه‌یی بعد باهم بگو شه بی میرویم و به گفتگو میپر دازیم.

هشتاد و پنج سال قبل دردا منه خواجه صفای کابل درفا میل‌نجاری چشم به جهان کشوده ونامم را «فتح محمد» گذاردند .

خودش میگو ید:

هنوز کودك هفت سا له یی بیش نبودم که پدرم دست مرا میگر فت ومرا باخود به کار میبرد، دران زمان تعداد نجا ران شهر از صد نفر بیشتر نبود ... من که هنوز دست هایم قوت برداشتن تیشه رانداشت در پهلوی پدرم کار میکردم وتا امروز هنوز این کارم دوام دارد...

سخنش را قطع کرده میپر سم:

– هنوز این قوت را دارای که چون جوانی کار کنی ؟

جواب مید هد :

– بلی... دستها یم ما ننجوانی ها قوت دارند...

خلیفه فتح‌محمد نجار از کودکی به کار ش شروع کرده و با کارانس گرفته، در بیست سا لگی از دواج کرده و در سی سا لگی او لین فرزندش بدنیا چشم گشوده است.

این‌مرد کهنسال میخو ا هد تادرباره گذشته ها حرف بز ند... گذشته های دور... او خیلی حرف میزند... بااظهار هر کلمه لبخندی برلبانش میشگفداز گذشته های نجاری درکابل ... از گذ شته های خودواز خیلی چیزی های د یگر

معلوم نیست خلیفه فتح محمدبادوربردن دستان خود حجم چه چیزی را میخواهد به‌خبرنگارمانشان بدهد؟

سخن میزند ... خلیفه فتح
یگوید:
درکابل قدیم نجار خیلی کم بود
اگر آنها رابد قت میشمر د ند
باید تعداد شان از صدنفر بیشتر
میشید... البته منظور م نجار
خوب است... نجارانی که می
دانستند درآنزما نمردم را ازکار
خودراضی بسازند آنوقت ها همه
نجاران برای حک ومت کار می
کردند وفقط روز های‌جمعه ورخصتی
به‌کار اشخاص انفرادی می
پرداختند ..من درآن سا لها که
روز جوان بودم روزیك (رو پیه)
بخواه داشتم وبااین پو لهمه چیز
زندگی خودرا تهیه میکرد م... در
قدیم خیلی ارزانی بود .. مابا یك
(روپیه) گوشت ،برنج ، آرد وسایر
احتیاجات خودرا میتوا نستیم تهیه
کنیم...
اودرباره نجاری ها ی قد یم
میگوید:
درقدیم مانند امروز کار نجا ری
ساده وآسان نبود .. در آنوقت ها
همه دروازه ،کلکین ، الما ری ،
مسطح اتاق‌وسایر اشیا ی شان را
طوری فرمایش میدادند که بر
بالای آن‌صد هاگل وبر گ‌واشکال
دیگرکنده وحك شده باشد ..مردم
کار نجارانی رامی پسند ید ند
که‌بتواند هزاران شکل ونقش را
برد روازه یاکلکین بکند ...
برای ساختن یك دروازه روز ها
در خم‌وپیچ خطو طیکه بالای‌آن‌رسم
میکردیم سر گردان بودیم تا شکلی
رابالای آن‌بکنیم ... آنو قت ها
مثلا یك دروازه ازیك تخته چو ب
ساخته نمیشد بلکه بیست تا سی
پارچه‌بالای هم، دروازه یی‌راتشکیل
میکرد درحالیکه امروز یك تخته،
دروازه یی‌را میسازد .
میپرسم:
بین نجاران‌قدیم‌ونجا ران‌موجوده
به‌نظرت چه‌تفاو تی مو جو د
است؟
جواب مید هد :
-نجار های قدیم که تعدادشا ن
خیلی کم‌بود، بادست خود در خت

چوب است ورنده و دستان آزموده فتح محمد .

رااره‌میکردند ، تخته میبر ید ند،
رنده میکردند وباز حمت زیاد ی‌وبا
ریزه کاری های بسیار، از آ ن
چیزی میسا ختند ...اما امر وز
بیشتر کارها راما شین های‌بر قی
انجام میدهد ونجار ها هم آن‌صبر
وحوصله سابق راندارند که بر
تخته یی نقش ها بکنند وریزه کاری
هابکنند ....
خلیفه فتح نجار خاطرات تلخ
وشیرین فراوانی از زند گی‌اش
دارد او د ر قصبر مو جو ده
صدارت کار کرده واو لین منازل‌و
عمارات عصری شهر را به قو ل
خودش مسطح کرده است وی
که‌درین سن وسال هنوز از ساعت
(۸) صبح تا(۵)عصر بدون خستگی
درمو سسه افغان مبل وتر کا نی
فابریکات جنگلك کار میکند ، هنوز
دوش بدوش همکاران جوان خود
فعالیت دارد.
رئیس مو سسه نجا ر ی
جنگلك در باره او میگو ید:
این مرد بانیروی عجیبی وبا ذوق
وسلیقه یی خاص به کارش ادا مه
میدهد وماهمه از اورا ضی‌هستیم.
حالا لحظه یی هم به زند گی
خصو صی اوبر میگردیم ...
پیرمرد کمی بسویم خیره میشود.
غمی گنگ بر چهره اش راه مییابدو

هیروی فلم اندرز مادر و حرفهایش

● اودرخارج کشوردر رشته تیاتر تحصیل کرده است

● محمدنذیر: هنرپیشه فلم بایدکامره فلمبرداری رادوست داشته باشد

درکشور ما که فعلا سرگرمی عمدهٔ مردم را سینماتشکیل میدهد روزانه هزاران نفر بادیدن فلم های مختلف ازکشور های مختلف خستگی کار روزانه را رفع می کند .
در بیشتر سینماهای کشوراز سالیان دراز کار روزانه را رفع میکنند .
فلم های هندی نمایش داده میشود درضمن فلم‌های روسی، فرانسوی، ایتالوی، امریکایی انگلیسی وگاهگاهی فلم های ممالك همجوار ایران وپاکستان راهم سینماهای کابل وولایات به نمایش میگذارند .
طبعا بادیدن فلم هاتماشاگران باهنرپیشه های سینما ازهرکشوری معرفی میشوند و هنرمند سینما بخاطر وسعت سا حه سینما بیشترازسایرهنرمندان معروفیت حاصل میکنند.
درکشور ماعطش شدیدی برای بوجود آمدن فلم درخودکشور احساس میشد، هم‌تماشاگران فلم انتظار داشتند تافلم های ساخته شده در کشوررا تماشا کنند وهم یکعده ازهنرمندان ما که‌آرزو داشتندفعالیت هنری‌خودرا در عالم سینما آغاز کنند طرفدار تهیه فلم های افغانی بودند . تهیه فلم برای مایك ضرورت است، ضرورت بخاطراینکه بدینوسیله خلاء هنری ناشی ازعدم تولیدفلم درکشور پرمیشود وهم استعداد هایی‌که میتوان ازآنها هنر پیشه سینما ساخت کشف شده مطابق ذوق شا ن درین رشته هنری تربیت میشوند واز جانبی فلم تولیدی خودما میتواند نمایشگر محیط خودماباپروبلم هایش باشد وهم ازفرارقسمتی ازاسعار بخاطر توزید فلم جلوگیری میشود.
ضرورت ساختن فلم به همین چند نکته خلاصه نمیشود ، حرف های دیگری هم است که بعلت رعایت اختصار ازآن صرف نظر میکنیم وحالا سخنانی چندرمورد «بچه فلم» تقدیم میکنیم .
درمیان اکثر طبقات اجتماع ماکه بیشتر فلم هنری دیده اند وقتی‌که ازفلم نام برده میشود اولترازهمه بفکردوچهره می افتند ... «دخترفلم» و«بچه فلم» که عبارت ازهمان هیرو وهیرو ئین فلم باشد .
چون درفلم های هندی این مطلب که وجودبچه فلم ودخترفلم راواجبی پنداشته‌اند وصرف نظرازینکه موضوع فلم چگونه باشد ، حتما جوانی است‌که عاشق دختری میشود و دختری است‌که به آن جوان دل می بازدواین دونفرسرتاپای فلم درعین حالی‌که داستان فلم راتعقیب میکنند ، میخوانند ومیرقصند ، بچه فلم‌جنگ می‌کند وبا «نیرو خارق العاده»ای که دارد هفت هشت نفررا لت وکوب میکند . بعدازطی یك سلسله ماجراها که سبب‌جدایی دخترفلم وبچه فلم میشود سناریست آنهارا بهم میرساندوفلم با«کامیابی» بپایان میرسد .
باین یك نواختی اکثر تماشاگران ما بمجردی‌که نام فلمی رامیشوند فورا می پرسند «بچه فلم» کیست ... دخترفلم کیست ..؟»
بهرحال ازین حرفها میگذریم، فلم افغانی اندرزمادر بروی پرده سینماآمد، این فلم با استقبال زیاد مواجه شد، البته درمورد فلم بصورت عمومی تبصره‌ای درشماره گذشته داشتیم .
نام هیرو و هیروئین فلم افغانی دهن بدهن میگشت . اتفاقا نام نذیرتااندازه ناآشنا تر است زیرابرای اولین باردرین فلم فعالیت هنری خودرا آغازکرده است ومحبوبه جباری که‌درشماره های بعدی بااوصحبت خواهیم‌کرد ازطریق داستانهای رادیو ونمایشنامه های مرکز کلتوری امریکا هنرخودرا به مردم نشا داده است . خواستم محمدنذیر هیروی فل یابقول بعضی ها «بچه فلم» افغانی راازنزدیك ببینم . اورادر خانه اش ملاقات کردم . محم نذیرجوان خوش قیافه وخوش اندامی است که **همیشه لبخند بانمکی بلب دارد.** شمرد وآهسته حرف میزند. وطوریکه ازحرف هایش فهمیدم امیدواری فراوانی به‌انکشاف هنر فلم سازی درافغانستان دارد .
اودر پانزده سالگی به‌لندن رفت وچندسال درآنجا باقی ماند . درآنجا کارمیکرد ودرس میخواند . بعداز مراجعت بوطن مدتی در موسسات مختلف وازجمله درشرکت هوایی آریانا به‌کار مشغول شد .
ازنذیر خواستم تادرباره خودش چیز ی بگوید، اودرحالیکه لبخند میزد گفت :
– ازخودم چه بگویم ... درحدود ۲۶یا۲۷ سال دارم ، سه سال قبل ازدواج کردم و... میان حرفش میدوم .
– شنیدم درخارج ازدواج کرده‌اید .
پاسخ میدهد .
– بلی ... من درسوریه بایك دخترسوری ازدواج نمودم .
می پرسم :
– درکدام رشته هنری تحصیل نموده‌اید ؟
میگوید :

نذیر و محبوبه در صحنه ای از فلم اندرز مادر

نذیر«هارون» وقتی که نامه(شیما)رامیخواند.

– بعدازازدواج به هندرفتم درشهر بمبئی شامل «اکتورز اکادمی» شدم، درین اکادمی هنر تمثیل روی سنیج تدریس میشد . من درآنجابه کارنظری وعملی درتیاتر پرداختم .

نذیرسکوت میکند واز قیافه‌اش میخوانم‌که منتظراست سوال دیگری مطرح کنم. میگویم.

– باافغان فلم چگونه تماس گرفتید وچگونه شمارا برای نقش هارون دراندرز مادر انتخاب کردند؟

میگوید :

– من به هنرتمثیل ازدیر زمانی علا قه داشتم ... باوجودیکه میدانستم فلم های اولی بدون عیب نمیتواند تهیه شود بازهم‌بخودم جرات دادم تادرهمین‌گام‌های نخستین سینمای کشور همراه وهمگام شوم ... گذشت زمان وکسب تجربه وتکمیل وسایل میتواند باعث آن شود که‌در آینده‌فلم‌های خوبی‌بسازیم‌ولی من نخواستم ازاشتراك وهمراهی در مراحل ابتدایی دوری بجویم وبترسم .

زیراکسی که اسم هنرمند راروی خود میگذارد ویامیخواهد هنرمندشود، بایدازخود گذری وشهامت داشته باشد وازمشکلا ت نترسد،من باصراحت لهجه بشما میگویم که ازنقش خودم وبازی خوددرین فلم راضی نیستم، زیرا میخواستم بهتربازی کنم ولی چه میشود کرد ...؟

با وسایل‌دست داشته ومدت‌کمی که‌این فلم تهیه شد ومشکلات فراوانی که سرراه ما قرارداشت فقط توانستیم همین فلم راعرضه کنیم . این‌که مردم ماازآن استقبال کردند وآنراپذیرفتند مربوط میشود به وطنپرستی شان وبزرگواری آنها .

درجواب سوال شمابایدعرض کنم که علاقه مفرط من به هنرباعث آن شد تاداوطلب بازی درفلم گردم، همان بودکه افغان فلم نظر به درخواست خودم مرابرای ایفای نقش «هارون» درین فلم برگزید .

پرسیدم :

– شماچه نقش هایی راخوش دارید بازی کنید ؟

لبخندی زده پاسخ داد :

– در «اکتورزاکادمی» من رشته کمیدی را انتخاب کرده بودم ودرین رشته بیشتر مؤفق بکار هنری خوداما به بدهم‌هر نقشی راکه‌به‌من بودم ولی اگردرآینده بازهم ازمن بخواهند بسپارند میکوشم تاجائیکه ممکن باشد مؤفقانه

درینجا هارون‌آگاه میشود که دختری مجروح شده‌است

⬅

بازی کنم ... ایتراهم بنویسید که دروقت «ونتازفلم بسیاری قسمت های تمثیل من در فلم قطع شده بودوقتی که روی پرده فلم را مشاهده کردم دیدم بسیاری قسمت هاکه‌پوره فلمبرداری شده بودقیچی شده است که علت آنرا نفهمیدم ، گذشته ازآن چون تهیه فلم قرار‌بودباعجله صورت گیرد وقت آن میسر نشد تادرمورد بازی هرصحنه فلم تمرینی داشته باشیم . گرچه بشاغلی علیل خیلی زحمت میکشید ، بازهم وقت‌کم برای شوتینگ وکمبود وسایل دست وبال اورا بسته بود ،

درضمن هنرپیشه مادرفلم زیاد مکیاژ نمیشدند درحالیکه مکیاژ درفلم ضروری‌است.

ازمحمدنذیر پرسیدم :

بقیه در صفحه ۵۸

هارون در شفاخانه شیما رامی‌بیند و . . .

⬅

مادری،
یک گرده‌اش را بدختر بیم

دخترعزیزم ... ! من گرده‌ام را بتو میدهم ، جرأت داشته باش همه چیزدرست میشود !

عمل جراحی دختر ومادر ساعتها دریك کلینك ورون طول کشید و درخلال مدت جراحی گرده یك‌مادر ٤٣ساله‌بنام انجیلا انتو لینی به دختر ۱۳ ساله اش الیزا پیو ند زده شد .

این‌یگانه شا نس برای دختر ك الیزای جـوان دست‌خودرا در دست بودکه بتواند به‌زند گی اش ادامه دهد.

انجیلا انتو لینی بامحبت زا ید الوصفی به‌الیزا د ختر ۱۳ سا له اش تسلی میداد :

طفلکم جرات داشته باش، همه چیزروبرا میشود .)

بااعتماد واطمینان کا مل

بستن دوباره زخم ٤ ساعت دوام‌کرد وبا ختم‌آن‌هیجان فرو نشست.

مادر ٤٣ ساله اش گذ ا شت‌دختر متوجه است که‌این عمل جرا حی بلاواسطه سر نوشت آینده و ی‌را تعیین میکند .یك گرده ثا بت

مادر باید درو جود دختر پیو ند گردد. گرده‌های الیزا از روز تو لد نقصی داشته و به صورت غیر طبیعی کوچکتر مانده است‌که همین خردی گرده ها ناراحتی عمری را همزمان باخطر برای الیزا دا شته مادرحتی یك‌لحظه هم در دادن گرده خودبه دخترش تعلل نکرد. پس ازاتخاذتدابیر لازم طی یك مدت طولانی عمل جراحی بالای ما درو دختر دریك شفاخانه ویرو ن‌انجام شد.

ساعات تعیین کننده سر نو شت برای‌مادر ودختر

انتقال گرده ازمادر به دختر در سه مرحله صورت گر فت.

۱ـ د ا کتر ا سیستا نت پروفیسر پیرو کنفو رتینی درعمل جراحی اشتراك داشتند .

پروفیسر موصو ف طی سا ل اخیر بیش از ٤٠پیوند های کلیه راانجام داده است برداشتن کلیه ناجور قسمت اول عمل جرا حی را احتوا میکند (تصویر طرف چپ) عضو ازقسمت مجرای ادرارجدا میگردد. درعین اتاق جراحی اعدا کننده گرده‌ازطرف یك تیم دگر جراحان عمل شده، گرده سالمش بیرون آورده شد .

ارشس بخشید

کلیه سالم باید فورا شسته و آلودگی های خون ازروی آن پاك شود وسپس سر دگردد .

این مرحله جراحی هیجان انگیز ترین قسمت پیوند بشمار میرود عمل‌جراحی باید دراسرع وقت تمام شود وآنگاه طرف راست الیزا دوباره جهت مرحله پیوند باز گردید.

پرو فیسر کنفو رتین کلیه‌سالم رادرعوض گرده ناسالم الیزاپیوند میدهد.

صرف بستن دو باره‌زخم ٤ساعت دوام کرده ، با ختم آن هیجان نیز فرو می نشیند زیرا الیزا نجات یافته است.

ورق بزنید

حالا ما در و دختر لبخند میزنند زیرا عمل جراحی بموفقیت پایان یافته

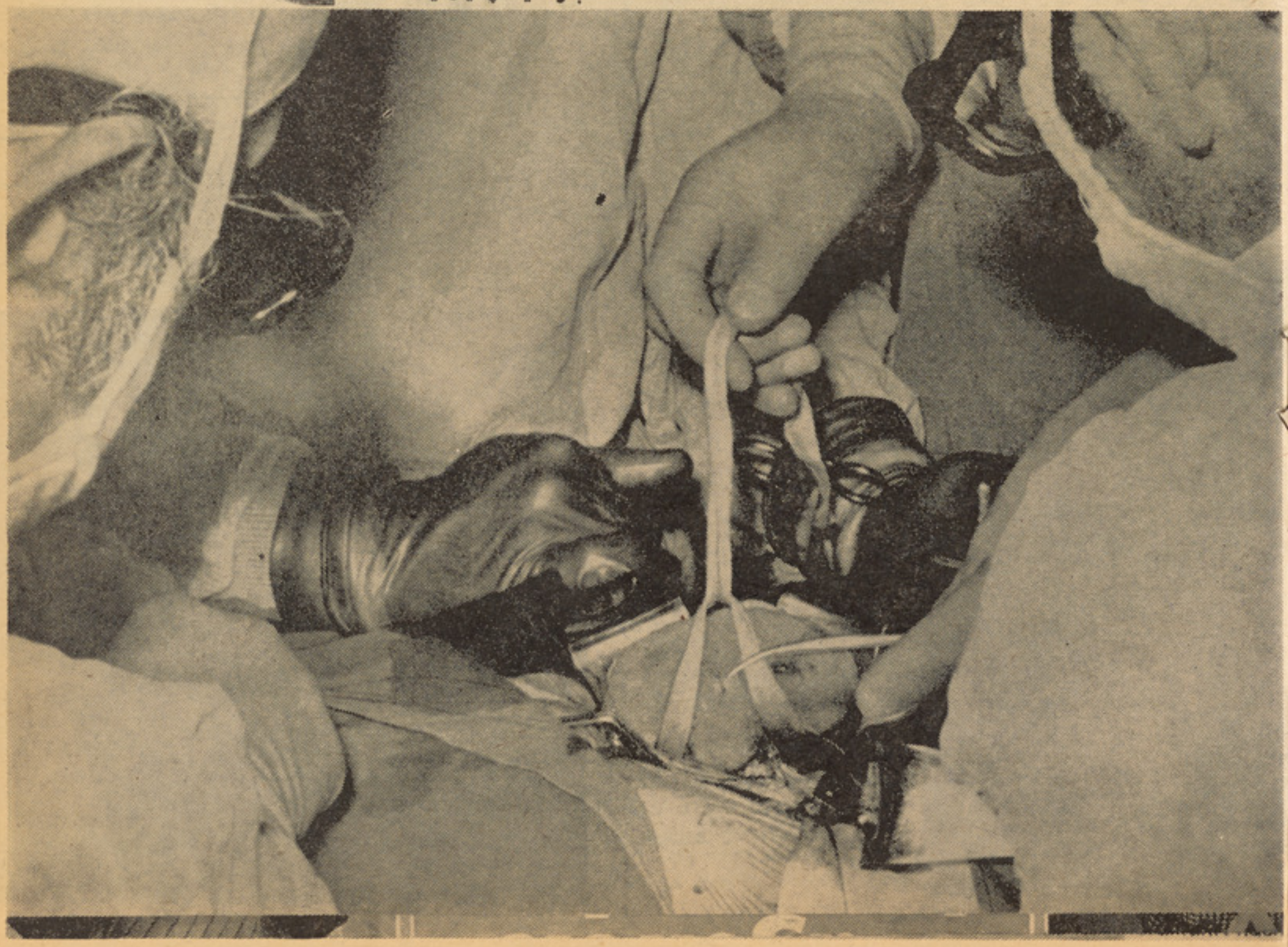

گرده سالم بیرون آورده میشودتابعوض گرده دخترك پیوند شود .

مادر فدا کار دست دخترش رادر دست گرفت وفشرد، به‌او اطمینان داد که حاضر است‌گرده خودرابوی ببخشد، مادر در حقیقت به دخترش زندگی دوباره‌می‌بخشید.

محل بازشده شکم الیزا را د و با ره بخیه میز نند پایان یك مبارزه ۷ساعته بمقا بل مرگ . پرو فیسر در ختم عمل جراحی مجدداً اظهار داشت: گرده مادر دربدن دختر بصورت کا ملا بی‌عیب کار میکند .

تیم داکتران تما م‌ز حمت‌و مشکلات کار رافرا موش کرد ه،از غرور بسیار برخود می‌بالند واز روی‌رضا یت‌خاطر لبخند میزنند .

جرائت فدا کاری انجیلا انتو لینی تقدیر گردید وقتی او برای پیوند گرده خودبه‌بدن دختر ش حا ضر شد اظهار داشت من‌به الیزازندگی بخشیدم ومن باید آنچه باشم که‌به

اعاده سلامت وزندگی دختر شس غلطنبود .

الیزا اکنون خنده ها یشرا ا ز سرگرفته ومی تواند از مادر شس درشفاخانه عیادت کند هر د و ی شان برای مدت ۲۰ روز د ریك اتاق قرنطین نگهدا ری شد ندآندو دراسرع وقت به قصبه و برو نا صحیح وسالم بر می گردند و به زندگی عادی شان ادامه مید هند.

عملیات باموفقیت بپایان ر سید، مادر خوشحال وراضی دخترش را بوسید .

اوتازه بخشیده شده است .

مادر ودختر شکرانه حق بجا ی آوردند که‌عمل جراحی مو فقا نه انجام شد وآنها توانستند به زندگی ادامه دهند .

مادر باامید واری فراوا ن دخترش الیزا راپس ازانجام‌موفقانه عمل جراحی می بوسد امید وی به

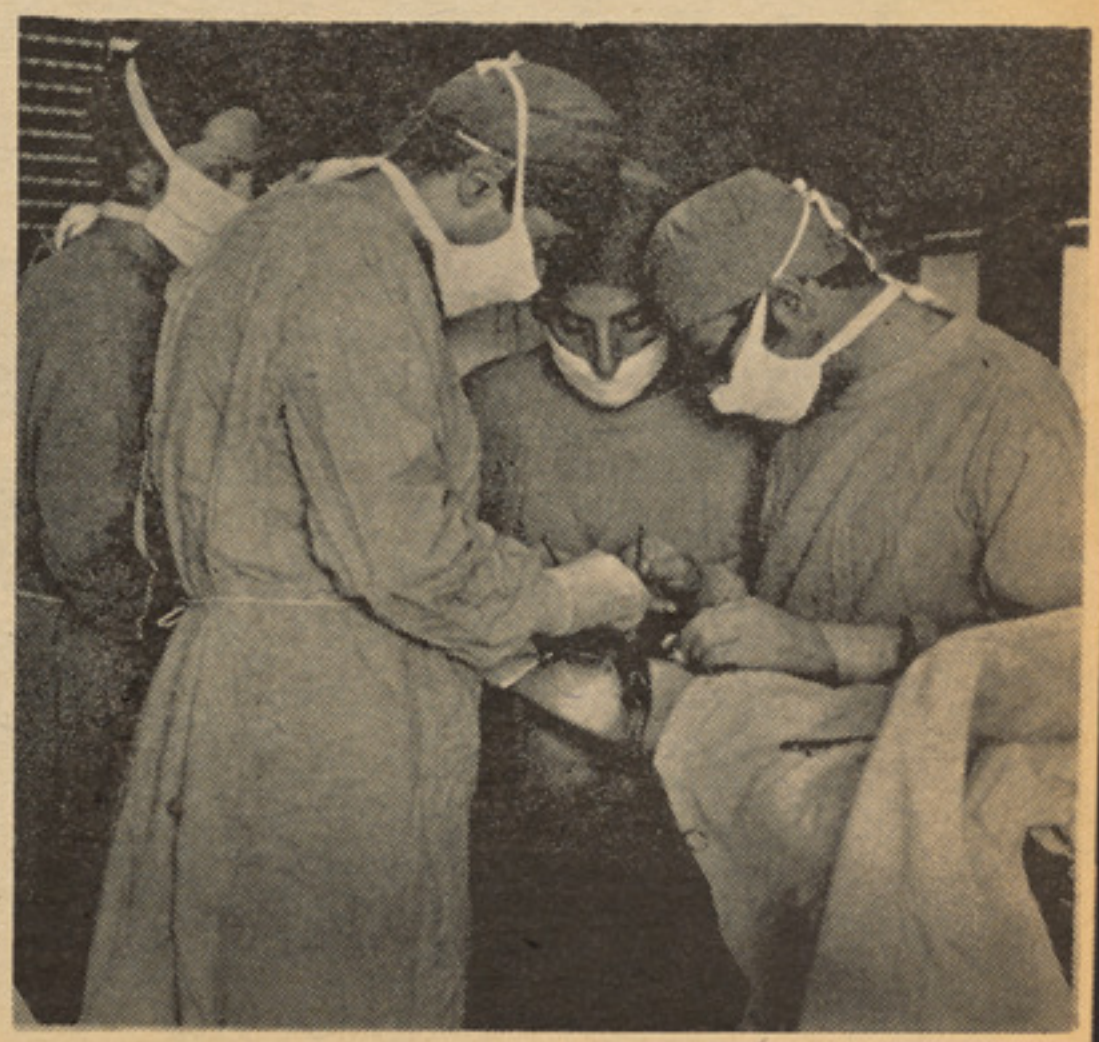

تیم دکتران تلاش خودرا کردند، این تلاش به‌موفقیت انجامید، بعداز موفقیت داکترها لبخندی ازغرور برلب داشتند .

سویدن در برابر سرقت بی سابقه زمان

● چهارتن گروگان ۳۱ ساعت رادرچنگ دزدبانک دروحشت مرگ آوری سپری کردند

دزد بانکنوتهارا مسترد میکند زیرانوتها کاملا جدید میباشد .
قسمت اخیر

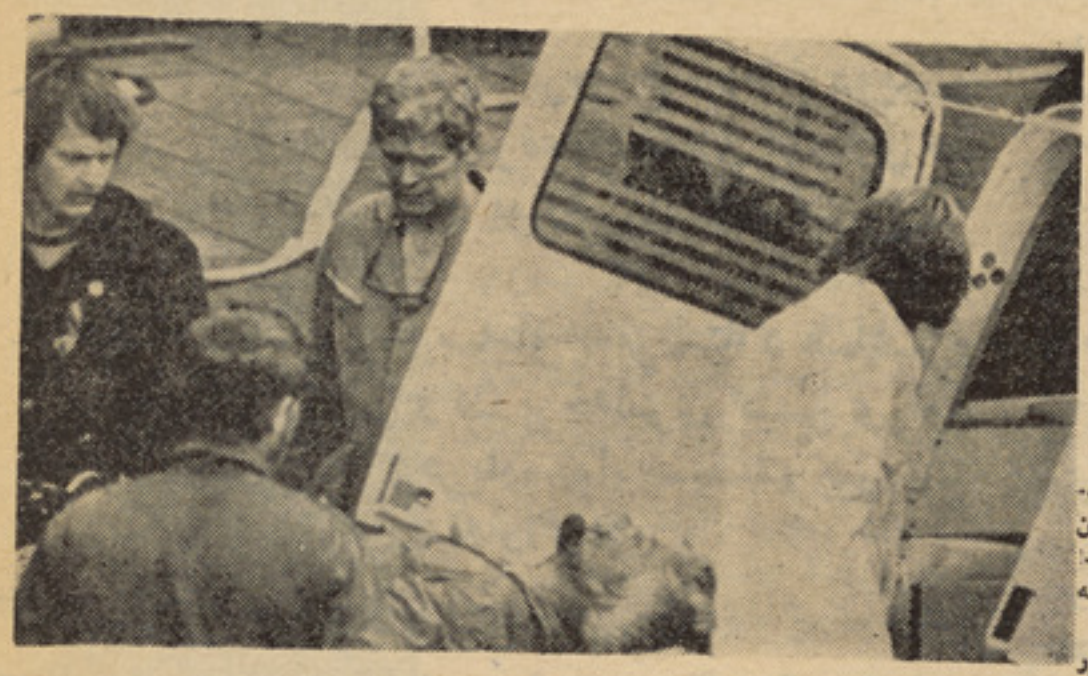

امبولانس پو لیس در اثنای فعالیت.

درفاصله کوتاه هال کسه هابه صـــورت یك گدام مواد درمی آید . تمام وسایل ازقبیل سامان برش ویلدتنگ، چکش های کمپرکوری سمیه های چوبی، ماسکهای ضدگاز وکلاه‌های فولادی بداخل بانك آورده میشود . گروگان هاودزدان دریك اتاق بی کلکین محاصره‌شده وهیچگونه ارتباطی بادنیای خارج ندارند وبه آنهافهمانده شده‌که هروقتی پولیس بخواهد ازطریق تیلفون باآنها تماس میگیرد. درساعت ۱۰رهبر گروپ محاصره تیلفونی باکلارك‌الوفسن تماس گرفت محاصره شده‌گان تقاضای خوراك ومشروب رانموده ، همچنان یك مبرزکیمیاوی برای رفع حاجت خواستند . تقاضای شـان ازطرف پولیس ردشد. این حرکت پولیس هم شامل تاکتیك جدیدی میباشد که پولیس در پیش گرفته است . امرگروپ پولیس میخواهد هردودزد از گرسنگی به تنگ آمده موافقـه بدارند تاخوراك ازطریق یك سوراخ که در سقف اتاق احداث خواهد شد فروریخته‌شود. پولیس درنظر دارد به‌این ترتیب موافقه‌سارقین رابرای برمه‌کاری سوراخ جلب نموده بعدا ازطریق همین سوراخ به‌بمباردمان اتاق خزانه باگاز اشك آوراقدام بورزد .

درحوالی ساعات شام آمرتیم پولیسان‌مامور گرفتاری دزدان بانك به نامه‌نگاران جراید اظهار میدارد: من امیدوارم که سارقین بـــه تدریج متوجه میشوند که به‌چه وضع عار ی ازهرگونه امیدی مواجه میباشند .

دودختر دربازی‌جنایتکاران اشتراك میورزند.

دودخترجوان گریستین والیزابت طوریکـه پسانتر معلوم میشود روزاول رادر اتـــا ق تاریك خوب مقاومت می‌کند وبین آنهاودزدان یك مقدار صمیمیت خاص ایجاد می شـود . آنهابسیار باقاتل پولیس ودزد بانك یـــك نقش ماهرانه بازی‌کرده درباره آینده شـــان صحبت می کنند .

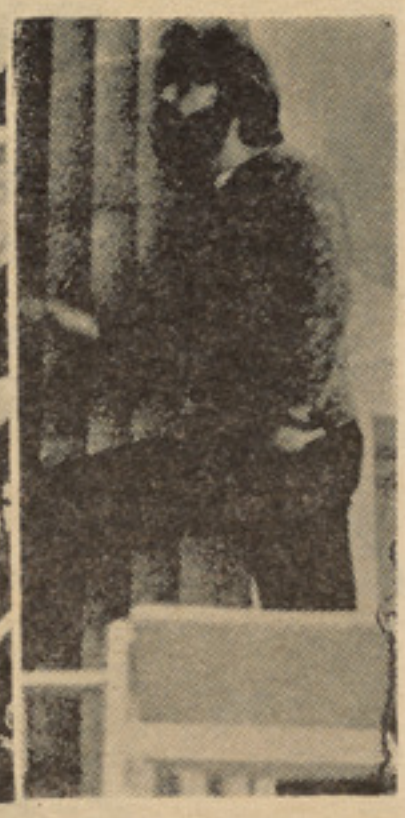

درمقابل بانك شهر ستکهولم موتر های‌پولیس جمع شده اند سلاح توزیع میگردد

پولیسان واسکت های ضدگلوله به‌تن میکنندوجنگ اعصاب علیه دزدان بانك آغازمییابد .
آیا آرامش ایجاد خواهد شد تا دختر هااستراحت کنند ؟

درشعبه غرفه های بانك کلارك الوفسون‌ازیك پنجره ترتیبات پولیس‌رادربیرون تماشا میکند دزدبانك اولسن رهایی دوستش راکه‌درزندان بسرمی بردرعوض برگرداندن ۵تن ازگروگان هامطالبه می‌کند الوفسون از سال۱۹۶۶به اینطرف بعلت کشتن یك پولیس در زندان بسر می برد .

امابریگیت لوند بالد ۳۱ساله‌که‌تاسرحدمرگ ترسیده است هیچ حرف نمی زند. صرف به شوهرودوطفلش‌کارین وسوزان می‌اندیشید.

صرف سوین زیفشتروم یگانه گروگان مرد میباشد که هروقتی سارقین احساس گرسنگی می‌کنند، میله سرد ماشیندار راروی سینه‌اش قراردادە مجبورش میسازند باالتماس وزاری تقاضای ارسال خوراك رابنماید .

وضعر وحی محاصره شده‌گان باگذشت هر ساعت خرابتر میشود. زیرافضله‌انسانی‌راکه ازخوددفع کرده ودریك باطله دانی انداخته اند، بوی بد وتعفن ازآن برخاسته‌فضای‌اتاق کوچك راکثیف میسازد. برعلاوه گرسنگی‌و تشنگی وبیدارخوابی وخستگی‌دزدان وگروگانها راتضعیف می‌کند .

عصرروزچان ایریك اولسون دزد بانـــك موافقه میکند سوراخی درسقف ایجاد کرده ازآن جاخوراك برای آنهاپایین بریزد. پولیس فوراباچکشهای کمپرسوری دست به‌کار شده درسقف اتاق خزانه یك سوراخ به‌قطر۳۰سانتی متراحداث می‌کند .

پولیس پشت دروازه فولادی اتاق خزانه یك میکروفون حساس را چسپانده ازطریـق آن تمام حرکات وصداهای داخل خزانه راثبت می کند .

وقتی صدای برمه برقی وچکشهای کمپر سوری برمی خیزد، فریاد وحشت خانمها نیز شنیده میشود. اولسون یکمقدار مواد منفجره راجلوسوراخ گذاشته منفلق میسازد. اما به اثرآن به‌کسی صدمه نمیرسد .

ایریك اولسون فریاد میزند : «شرایـــط من همانست که گفته‌ام . بگذارید باسه‌میلیون پول ودوگروگان ازینجابروم .»

پولیس گازتخریب کنندهٔ اعصـاب را از طریق سوراخ داخل اتاق کرده به خبرنگاران میگوید درظرف ۱۵۰ ثانیه گازتاثیر خودشرا میکند وهمه آنهاییکه در داخل اتاق خزانه هستند بیهو ش خواهند شد. اما۱۵۰ ثانیه سپری شده پولیس به‌ناکامی نقشه های خود اعتراف مینماید .

روزدوشنبه آمرتیم نجات اعتراف میکندکه نقشه هایش ناکام مانده است . دزدان و گروگانها ۶۰ساعت راگرسنه میمانند . پولیس تصمیم میگیرد دوسوراخ دگرهم درسقف ایجاد کند. ماشین های برمه بصدا درمی آید . یك مرتبه ایریك اولسون میله ماشیندار را در یك سوراخ گذاشته فیرمی کند ودراثر آ ن دست وصورت یك برمه‌کارزخمی میشود .

پولیس اجبارا شیشه های ضدمرمی روی سوراخ هامیگذارد. پولیس علاوه ازین‌تصمیم میگیرد دروازه اتاق خزانه راتوسط ویلدتنگ برش کند. اماولسون اخطارمیدهدکه گروگانها رامقابل دروازه ومحل برش ویلدتنگ قـرار خواهد داد. این تهدید پولیس راازبرش‌دروازه منصرف گردانید وگاز اشك آورراز سوراخ هابه داخل اتاق پرتاب کرد. اگرچه دزدان اخطارداده بودند . که اگرپولیس گاز اشك آوراستعمال کند، آنهاگروگانها رابا رشمه به دستگیر سیف‌ها ازحلق بیاویزندکه هرگـاه بیهوش شوند ، فروغلتیده غرغره شوند .

اماپولیس کارخودرا میکند ودرساعت ۲۱ و ۱۷دقیقه ایریك اولسون ازداخل اتاق فریاد میزند : «دروازه هاراباز کنید . من تسلیم میشوم .»

ایریك اولسون اول ازاتاق خزانه خـارج میشود وبعدازآن دوستش کلارك الوفسـن ومتعاقبا سایر گروگانهابخارج بیرون‌می‌آیند.

طب،

ددماغی ناروغانو خدمـ

● دغه ډول ناروغان هره ورځ ددماغ دوینو دبهیدو دخطر سره مخامخ دی اوددوی د ژوندی پاتی کیدو یوازنی لار عملیات دی.

● دمخصوصو وسایلو په مرسته د ماغزه دمتاثره شوی رگ برخه لیری کیږ ی اود دماغ دوینو دجریان ټول سیستم بیر ته خپل عادی حالت ته راگرځی .

ددماغی رگو نو دنارو غیوتدا وی، داعصابو دجرا حی یوه نوی څا نگه ده په دغه ساحه کی کوم زیات بریالیتوبونه چه لاس ته راغلی دی ، دشو روی اتحاد دنا متو پوه الکسا ندر ارو تیو نوف اودده دملگرو دکو ښښ ثمره ده اروتیو نوف دنړی دعصبی جرا حیو دټولنو افتخاری رئیس او په مسکو کښی دعصبی جرا حیو دبوردنکو دمو سسی آمر دی .

دهغو طبی چارو یوه لنډه بر خه چه نوموړی پخپل انستیتوت کښی سرته رسولی دی، په لاندی ډول معر فی کیږی .

ددماغی رگو نو دوینو ناروغی له بده مر غه زیاته پراخه ده. دغه ناروغی زاړه او ځوانه ډله تهدیدوی .

زمونږ له څیړنو څخه څرگندیږی چه دوینو در گونو بدلون ته یوا زی داور گا نیزم دزړښت نسبت نشو ور کولای. دغه نارو غی ز یاتره په هغو خلکو کی لیدله کیږی چه دژوند په لومړی مر حله کی دی دنارو غی علت یادر گو نو ذاتی نیمگړ تیا ده یاد ناروغ پیژندنی بدلون دی .

دغه نارو غان هره ورځ ددماغی وینو بهیدودخطر سره مخامخ دی او ددوی دژوندی پاتی کیدو او درو غتیا دتا مینولو یوازنی لار عملیات دی.

دغه عملیات دطب دپاره له ډیرو مشکلو عملیاتو څخه پیژندل شو یدی په لو مړی مر حله کښی ددماغ په جسمی بدلون سره یو شمیر نو ری نارو غی ملگری وی . ددماغ حجر ی دهرهغه تجزیی په مقابل کښی حساسیت لری چه دوینو په جر یان کښی پیدا کیږی .

حتی دوینو په ذخیره کښی یولنډ توقف چه له شپږو څخه تراتو د قیقو پوری اوږد شی دماغزه دانساجو دنه جبران کیدو نکی خرا بوالی سبب کیږی .

دوهم داچه په اکثرو پیښو کښی مونږ دوینو درگو نو له داسی بدلون سره مخامخ کیږو چه دعملیاتو په وخت کښی تر جرا حی مکرو سکوپ

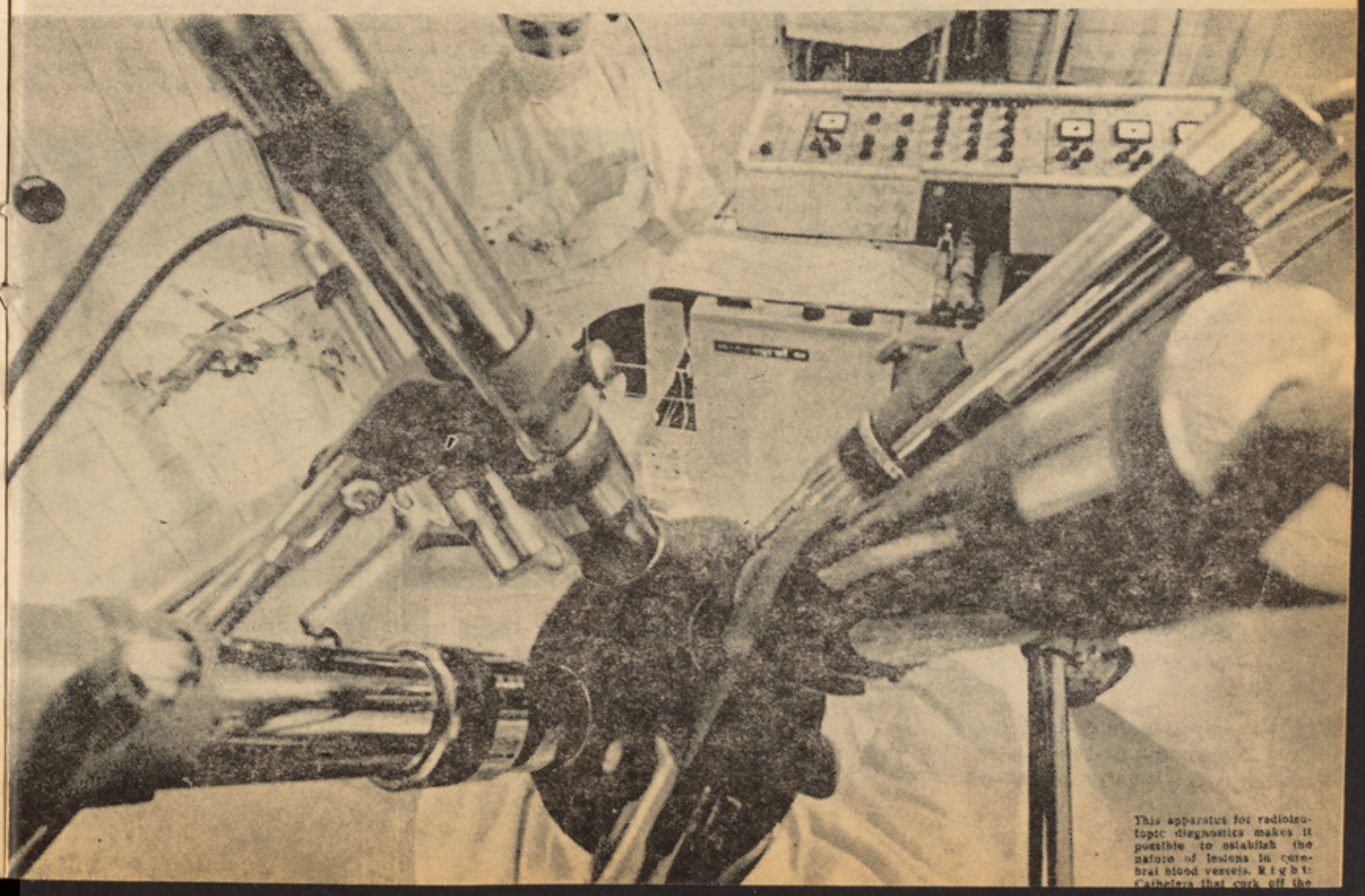

This apparatus for radioisotopic diagnostics makes it possible to establish the nature of lesions in cerebral blood vessels. Right: Catheters that cork off the

دوینو رگونو ته‌دجراحی دچړی‌دنژدی کیدو نه‌پرته عملیات په‌بریالی ډول سرته رسیږی.

مت ته‌چمتو کیږی

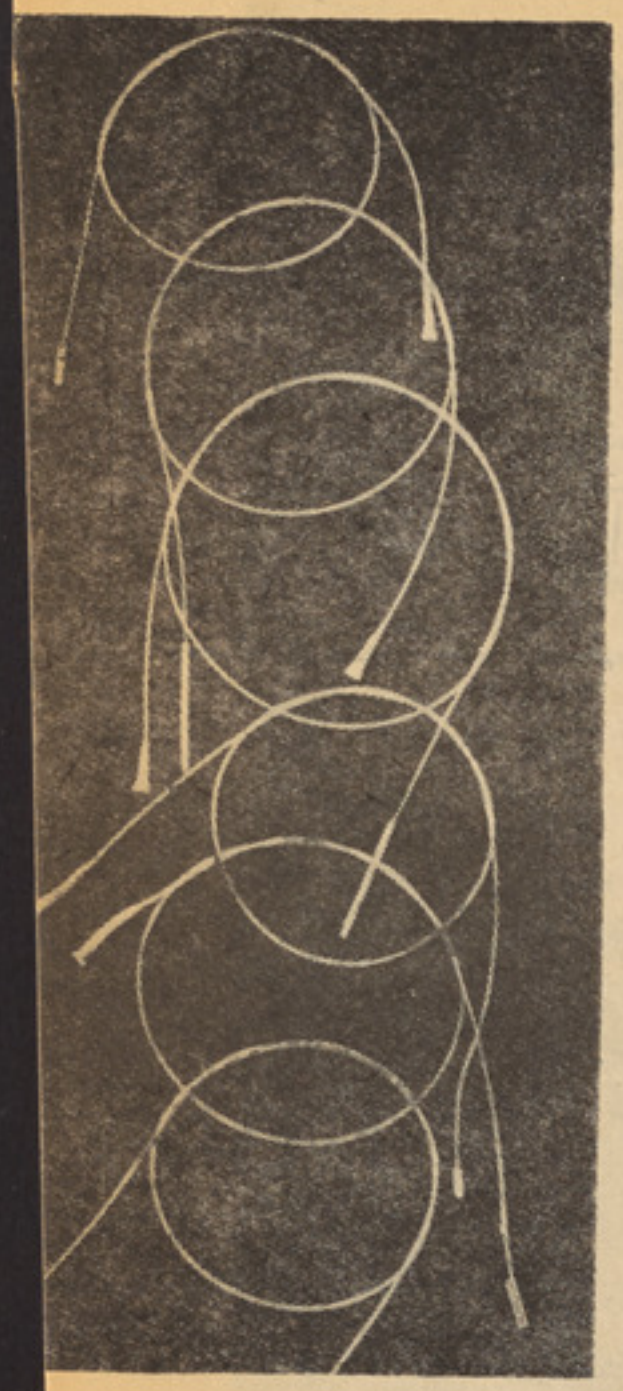

لاندی پیژ ندل کیدای شی . په دماغی رگونو باندی عملیات دز یاتو گړیو دپاه ژوره څارنه ایجا بوی. په دی معنی چه دزیات تخنیکی مهارت اواسا سی پو هی په سر کی دجراح ډاکټر باید دپوره فزیکی قدرت‌خاوند وی .

ښایی داخبره دتعجب وړ ښکاره‌شی خوپه هر حال ددماغ په رگو نوباندی دعملیاتو سر ته رسول ډیری ناز کی مرحلی لری اود جراح له‌خوا د زیات قدرت او ډیری حوصلی درلودلو ضرورت ایجابوی. اودا پخپله ددی

حقیقت تائید وونکی دی چه دد ما غ درگو نو جراحی، دعصبی‌جراحی‌یوه ډیره نوی څانگه ده. زمونږ د عصبی نارو غیو په څانگه کښی ډیر ز وړ ډاکټر تر اوسه‌لا ٤٠ کلن نه دی‌شوی اوډیر ځوان ډا کتر ٣٤ کلن دی .

په‌دغه څانگه کښی زما ملگری ډاکټران دخپلو کارو نو سره ډیره علاقه اود لچسپی‌لری . ددوی‌له‌جملی څخه دری تنه دجراحی ما ستری حاصله کړیده . په‌دوی کښی ډا کتر فیودور سر بینکو دبی‌وینه طر یقی له‌لاری داینو ریزم رگونو دمعا لجه کولو مخترغ دی . په دی بر خه کښی به‌زیاته رڼا واچو له شی .

اینو ریزم‌درگونو زیات‌خلا صیدل دی چه ناروغ ته ددماغ دو ینو دتوئیدو او مرگ خطر متوجه کوی. ددی دپاره چه دغسی یو ناروغ ته نجات ور کړی شی ، لازمه ده چه دوینو درگ متاثره شوی برخه لری کړی شی او ددماغی وینو دجر یان

ټول سیستم بیر ته عادی حالت ته راوستل شی . دټولو امکا ناتو سره دډیره خطر ناکه ده چه‌د جرا حی چاره هغه برخه تشخیصه کړی چه اینوریزم یادرگ پراخو الی پکښی موجود وی .

ددغو مشکلاتو دلیری کو لو دپاره د«فیودور سر ینکو» په مشر ی دډاکټر انو یوه ټیم ،بی‌وینه لاندنی عملیاتی طریقه منځ ته راوستله :

یولا ستیکی تیوب دلوی رگ له لاری متاثره شوی رگ ته ننه ایستل

کیږی ، ورو سته ددغه تیوب په څنگ کښی دو ینو مخصو صه بندوونکی آله چه له اومه لا ستیک څخه جوړه شو یده داخلیږی. دغه‌آله دمتاثره شوی رگ دوینولار بندو ی ددغو عملیاتو په وسیله چه دو ینوپه رگونو کښی‌دمانع‌کیدو نکو عناصرو دحرکت دخارنی‌دپاره پیچلی‌دستگاوی ایجابوی .

متاثره شوی رگونه لری کیږی دبشر ماغزه دانسان دنور غنو پەشان بو یی جبرا نوونکی ذخیری

لری، حتی دډیری زیاتی اغیزی په صورت کښی ناروغ دکار کولو دپاره خپل قدرت او ظر فیت‌بیر ته ترلاسه کولای شی .

که چیری دانسان دماغزه ناروغی پخپل وخت تشخیص او دعملیاتو یا تداوی له لاری معالجه شی ، خپل عادی وظیفه بیالاس ته راوستلا ی شی .

مونږ پخپل‌کلینیك کی څه‌دپا سه سل عملیات سرته رسولی دی، په داسی حال کښی چه د هغونارو غانو

په‌دغو دوو عکسو نو کښی د ناروغ دماغ چه‌دا یکس دوړانگی په‌وسیله اخیستل شو ید ی، له تداوی نه پخوا او وروسته ښودل کیږی .

ددغه دستگاه په وسیله چه د تشخیص دقیقی آلی لری، دد ما غ دوینو په رگونوکښی‌زیان رسیدلی برخه تثبیت کیدای شی ..

ددغو نلو نو په‌وسیله دمتا ثر شعاور گونو دو ینوجریان بندیږی او عملیات آسانه کو ی.

ټول شمیر چه‌دمختلفو عصبی‌ناروغیو له‌کبله عملیا ت شویدی ۱۵۰۰

نه‌زیات شوی دی سر بیر ه په‌دی ددغو عملیاتو په نتیجه کښی دنومورو نارو غانو ز یاته برخه‌پخپلو کورونو کښی په‌عادی ژوند پیل‌کړی اوخپلو هغو وظایفو ته راستانه‌شویدی چه پخوایی سر ته رسو له .

په دی ډول دما غزه او عصبی ناروغیو معالجه داوسنی نړی دطبی دبشر ماغزه دانسان دبدن دنوروغړو دتامین او له دغو نارو غیو څخه‌دد ه دروغ پاتی کیدو دپاره له پخوا څخه

زیاته هیله پیدا کړ یده او ددغو نارو غیو دمصئوو نی تدا وی دپاره زیاتی تخنیکی او فنی پیشبینی‌کیږی.

دنیای خنده آور و غمگین نیل سایمن

● تفکیک بین تراژیدی و کمیدی که دارای فواصل زیادی ازهم می باشد: درحقیقت یك خط باریك است.

● سایمن همانقدر که درتیاتر معروف است درفلم به‌شهرت نرسیدوفقط یك‌فلمنامه‌اش مورد توجه واقع شد.

من هیچ نوع موضوع خنده‌آوررابیا د
م که درآن اندکی ملال‌مخلوط‌نباشد.قبلا
میکردم که‌موضوع خنده آور چیست؟
ن سوال میکنم موضوع تاثر آور چیست
ور میتوانم آنرا وحی‌آمیزبیان کنم؟»
نیل سایمن

ه‌چیز خنده آوراست ؟
ك پارچه آلوده شده پای در روی،لغزیدن
روی پوست کیله. چشم های قیچ‌هویت
ویاحرکات مضحك !
ی اینها هنوز هم امروز خنده آورانـد
هابعد از مولیر برادران مارکس وعصر
ی چاپلین . وماهنوز هم به آنهـــا
یم .البته موضوع متعلق به‌آنست کـه
عملیه پرتاب پای در سر وروی قرار
ه باشیم .
آنکه زندگی مابیشتر مغلق شده وپروبلم
زندگی ماعظیم ترشده است بیدار ی ماهم
ان پیمانه بیشتر منظم است . این نوع
لات بطور غیر مستقیم باعث ظهور یـك
طرافت وبذله گویی مغلق که در آ ن
ه هانسبت به تراشیدگی ها بزخم هـا
ت میشوند گردید.
فکیك بین دو سر حد احساسات‌تراژیدی
ی که دارای فواصل زیادی از هـــم
ر حقیقت یك خط باریك و سفت است.
ت حاصله در یکطر فه خط که متعلـق
ضوع گذشت وقت است اتفاق‌میفتد.
یچکس نمیتواند در ین راه به طرافـت
سایمن گام زند. وی یك درامه نو یس
مو فـق امروز در امریکا بوده وبطور
میداند این خط تا کـدام اندازه باریك
.

نسبت به هرکس دیگر درین‌راه‌مخاطره
قدم‌میزنم چه‌درامه های امروزفقط درامه
. ومتضمن کارجدی . کمیدی های‌دیگری
میبینم کمیدی های خالصی اند بدو ن
جدیت در عمق آن . من اجزای‌هردورا‌با
نط میدهم زیرا زندگی خودش‌مخلوطیست
وخوشی.
چیز برای‌نیل سایمن خنده آور است .
یت خشو و ببرو کرات ها مفاهیم‌مکمل
یك جمله خنده آوراند . حتی بیکاری
های زر حی ،سالخوردگی ،الکولیزم
ی نکات تکان دهنده دارند.

بطور خلص درامه‌نویس ٤٥ ساله خندهرا
رادر خود زندگی میابد . واگر در طا هـر
زندگی آنقدر ها خنده آور نیست انسان باید
عمیق تربه جستجوی آن بپردازد که سایمن
اینکار راخود میکند.

در قضیه سرقت اقـلا در لحظه که‌اتفاق
بیفتد چیز خنده آوری مشا هـده نمیشود .
اینجاست که نیل سایمن موضوع رادر الر
خودبنام (محبوس افنیوی دوم) طوریکه مل
وادنا ادین سرقت اپارتمان شانرا به‌آهستگی
اما به‌وسعت کشف میکنند ارائه میکند.

مل ـخوب آنجابنشین برایت یك گیلا س
مشروب میریزم .
ادنا: من نمی خواهم حا لم‌رابجا بیاورم
مل یك‌کمی سکا چ ـ حالت را بجـا
می آورد.
ادنا من نمی خواهم حالم رابجا بیاو رم
زیرا هیچ سکاچ نداریم. آنها سکاچ را هم
باخود برده اند حتی تمام بکس دوا ها از
قبیل ویلیوم ،آسپرین ،کریم‌ریش، کریم‌دندان
وتیغ ریش را دزدیده اند اما برس دندان
نواست . اگر میخواهی دندانهایت رابرس
کنی هنوزهم اینکار کرده میتوانی .

در هنگامیکه تیاتر به آرامش گرا نیـده
نام نیل سایمن مقناطیسی شده است.

این جملات کمید ی جدیدنیل سایمن اگر
روی ویترین تیاتر ها ویا صفحه اعلانا ت
روزنامه ها چاپ کنند مردم را بجوش‌وخروش
خواهد داشت .

مگر نکاتیکه در تیاتر ذخیره شده ا ند
د رفلم ها قابل انتقال نیستند . وی خودش
اعتراف خواهد کردکه نام من روی یك فلم
هیچ ارزش ندارد واین یك‌حقیقت است. از
جمله چندین اثر فلمی که توسط سایمـن
نوشته شده فقط یکی بنام «طفل قلب‌شکسته»
که در سال ۱۹۷۲ عرضه شد یك مو قعیت
قابل یادآوری را دارد . در مقابل آن چندین
درامه های وی فقط یکی ویادو قا بـل
فراموشی باشد.

بحیث یك قوهٔ خلا قه در تیاتر امریکـا
سایمن یك معمارا خلق نموده است .تماشا
چیان تیاتر بطور عموم بحیث یك صنف‌نخبه
تلقی میشوند اما باآنهم وی کمیدی ها یش
را برای توده مینویسد .

از طرف دیگر همان توده سرور فوق‌العاده
شانرا در ظرافت های مغلق‌سایمن‌میابند.
شوخی های نیل سایمن بعضا در طبقـه‌متوسط
بعضی اوقات طبقه بلند و زمانی هم درطبقات
پائین اجتماع وجود دارند. صحنه ها تقریبـا
همیشه شهری بوده وبمجردیکه پرده بـا لا
رود تماشاچیان میدانند که حادثه در کـدام
شهر مشخص اتفاق افتاده است . واگربکدام
مدرك هم ضرورت افتد علایم مکـفی دران
در ورای زیر زمینی های مزدحـم کمپلکس
اپارتمان‌های چندین منزله بازینه‌های‌شکسته
ویامرکز گرمی غیرفعال آن وجود همسا یـه
های مزاحم سایر پتر های بی نزاکت در
تیلفون ویا رانندگان سرویس ها داده شده
است .

بطور مختصر حادثه در یك مسابقه موش
وپشك ازطبقه متوسط شهر نیویارك‌اتفـا ق
افتاده است .

در حقیقت قرابتی بین تجربیات تراژ یدی
وکمیدی نیویارك وطرز زندگی و ذ هنیت‌های
مردی مانند نـیـل سایمن کـه اورا وادار
میسازد تاتمخی هاوسروررابا هم بیامیـز د
وجود دارد. این موضوع قابل فهم‌است .نیل

مقد س نگاه وجفائی در یکی‌از نمایشنامه های سایمن.

نیل سایمن درامه نویس ٤٥ ساله خنده را در خودزندگی جستجو میکند.

سایمن طفل شهری است • وی که پسریك تاجر پارچـه جات است در شهر تو لد و تااوایل سالهای بیست خود منظم در نیویارك کار میکرد •

سایمن بایك ظرافت نیویارکی که طـی سالهای نویسندگی قسمت کمیدی تلویزیو ن از خود تبارز داد جای تعجب نیست که در برادوی نیز موفقیت شایانی کسب نمـود • لیکن وی در اثر های هنری تیاتردرایا لت مریلیند دریك ستیژ ابتدایی مد وسترن ویك گروپ کلیسا در سراسر آن سرزمین نیـز موفق شد •

علا وتا سایمن تیاتر روهای میلان ،توکیو وارسا ،ملبورن ودیگر شهر های عـمده را بخود جلب نمود•

نمایشنامه های وی در ده‌لسان ویابیشتر ترجمه شده است •

چرا ؟

ممکن کلید آن دریك مصاحبه ای که‌چندین سال قبل انجام داد نهفته باشد •

بحیث یك درامه نویس تصور میکنـم وظیفه من است که حالات بشری و چیز های مقابل ترا روی کاغذ بیاورم •

« من هیچگاه بالای ماشین تایپ‌خودنشسته وفکر نکرده ام «موضوغ خنده آور چیست» من نخست در مورد کیفیت های ترا ژ یـك کرکتر های خود نواقص وناکامی های ایشان فکر میکنم وچیز های قابل انتقاد شا نـرا درنظر میگیریم •

چیزیکه مردم رامتاثر میسازد آنست کـه ایشان میکوشند ضعف شانرا مخفی نگهدارند وضعف های که ما درشخصیت خود دا ریـم به عقیده من بزر گتر های شان ازهمه‌مهمتر است • ماهیچگاه از آنها رهایـی حا صل نمی کنیم • اگر انسانی ذاتا گنهکار است

شماره ۳۲

واین احساس در وجود وی خلق شده کـه کار درست انجام داده نتواند روی این‌اساس بهترین انتخاب رادر حیـا تش کـر د • می تواند • »

یك درس دیگر در قصه رهنمایی تیاتری که کمیدی اول نیل سایمن در ا نجانمایش داده میشد نهفته است •

رهنمای سیاه پوست شب ها متصل‌دریك گوشه ارکستر ایستاده واز خنده بخـود میپیچید • نمایشنامه «بیاو هارن کـن » در مورد یك تولید کننده میوه جات مصنو عـی خانم ودو بچه سرکش وی بود • سا یمـن کرکتر هارا ازروی پدر خود برادر وخودش انتخاب نموده بود •

شبی نویسنده از رهنما که هنوز هـم باموضوع درام درحالیکه عادی هم شده بود خرسند بود سوال کرد رهنما باشاره به‌ستیژ گفت «آن پدرمن است »•

درحقیقت شخص دیگری نسبت بخـو د سایمن خوبتر اتحاد و همبستگی رادرکارهای وی خوانده میتواند • وی همهٔ نمایشنا مـه ها را تما شا نمی کند حتی بعضی از آنهای راکه در خارج از مملکت موفقیتی کسب‌کرده واهداف وسیع قابل شناخت دارند•

سایمن میکو شد مو ضوعاتی راکه بسیاری مابا آن‌سرو کار داشته ودر جریان ز ند گی روزمره به‌آن برخورد مینماییم ارائه نماید• بعد من میکوشم تاآنرا بحیث یك وا قعـه مجرد انعکاس داده وموقعیت را درامـه ای بسازم هرداستان خوب بایك واقعه اتـفـاق میفتد وآن واقعه بایدیك لحظهٔ بسیار سخت در زندگی مردم باشد • لحظه کـه سخت نیست یك داستان کو چك و بیهوده زندگی است• اگر داستان برای مردم روی ستیـژ مهم نیست پس چرابرای ما تماشا چیـا ن مهم باشد •

بقیه در صفحه ۵۳
صفحهٔ ۲۳

اولستر

شهر ویران شده

ترجمه :رهپو

● اکنون نمایندگان جدید ردرون پارلمان لرزانی گردهم آمده‌اند

● دیگر نباید گذاشت تا عده‌ای بنام اکثریت همه‌چیز کشور باشند

نمایندگا ن منتخب آیر لنداکنون میراث سنگین گذ شته پار لما ن‌در هم‌ریخته آنکشور را روی شا نه هایشان احسا س می کنند.پارلمان بعد از جاروجنجا ل‌های زیادتشکیل جلسه دادودر آن حکو مت مو تلفه باحامیان ایوایا ن پایشلی‌وو یلیا م کرایگ برای گرفتن رای اعتماد حاضر شدند .حتی اتحاد یه چیا ن آنانیکه سعی میکردند خودرا به خطوط سیاست‌فالکنر قبل‌انتخابات عیار سازند نیز به‌هوا خوا هان

بخشی ازشهر بلفا ست که‌در آ ن‌گروه مخالف قدرت رابدست دارند

درین تصو یر بخو بی‌و یرانی ناشی ازجنگ آیرلند دیده‌میشود.

حکو مت جدید پیوستند ولی با نهم اینگروه از۷۸ چوکی پارلما ن فقط ۲۶ یا۲۷ آن رابدست دارند .

انگلیس ها با بیصبر ی‌منتظراند که‌اداره چیان اولستر مو فق به ساختن قانون‌اساسی جدیدی‌شوند که‌در پر تو آن‌جنگ به‌پایان بر سد با..۵ر۱۶ عسکر تحت خد مت در آیرلند فقط کشته شدگا ن ما ه آگست به۲۳۱ نفر میرسد ،. و لی هنوز هیچگونه باور ی در مور د پایان یافتن این جنگ و جود ندارد.

سرشت جنگ اولستر تقریبا در راه مختلف نمو یافته این ها عبارت ازاختلاف مذ هبی،سیا سی ویااستعمار ی‌است. وا ینا ن حوادث مختلف سیا سی را خلق نموده است ولی عنصر اساسی‌که مشکل اولستر رابوجود می آورد دردسر سیاسی است . ز یرا کشور به شدت به‌دسته های دارای تضاد عقاید عمیق تقسیم شد ه ـ است.

گر چه ممکن استثنات مجرد رابه توان‌سراغ کردولی ازلحا ظ اهداف عملی دوجامعه جداگانه در آیر لند شمالی علایم دو ملت جدا گا نه رادارا می‌باشند .باو جودیکه ا ز ایندو جامعه ۳۰۰ سال میشو د که تحت اداره یگانه قرار دارند : آنان ازلحاظ مذ هبی، افسانه ها ی تاریخی، سرود ها، آگا هی‌اصالت نژادی ،سطح دانش ،و جدا ن‌دسته جمعی، جدایی منطقو ی، امید های سیاسی وغیره از هم بکلی جدا هستند.

نشنلست های کشور روی تاریخ آیرلند تکیه می نمایند در حالیکه پرو تستا نت ها ی‌اولستر اندیشه دیگری دارند. وزمانی بوده که اعتراض گران اواولستر زیر شکنجه مردمان رومن کاتو لیك بسر می بردند. قابل توجه است که سا ل ۱۹۷۰ تاآغاز وحدت آیر لند ها بوده ودرآن موقع سعی بعمل‌آمده که‌یك‌وحدت ملی بین قبا یل‌مختلف پیروان مذا هب مختلف بمیا ن بیاید.

این تاریخ‌و جدایی ادامه یا فته معنی آنرا ندارد که اولستری‌ها همه دریك حالت خوف و حشت و در دودلی بسر برده اند . هنوزوضع معنی‌آن‌راندارد که پرو تستا نت هاازاکثریت خویش برای واردکردن فشار برر و من کاتو لیك ها که پارتیزان ها همیشه ازآن صحبت میکنند کار میگیر ند. این جنگ آن معنی را داردکه دو جا معه مختلف ازطرف سازما ن نا درست اداری رهبری میشود .

صفحهٔ ۲۴

نمونه هایی از اعترا ضات مـرد م علیه عساکر انگلیسی

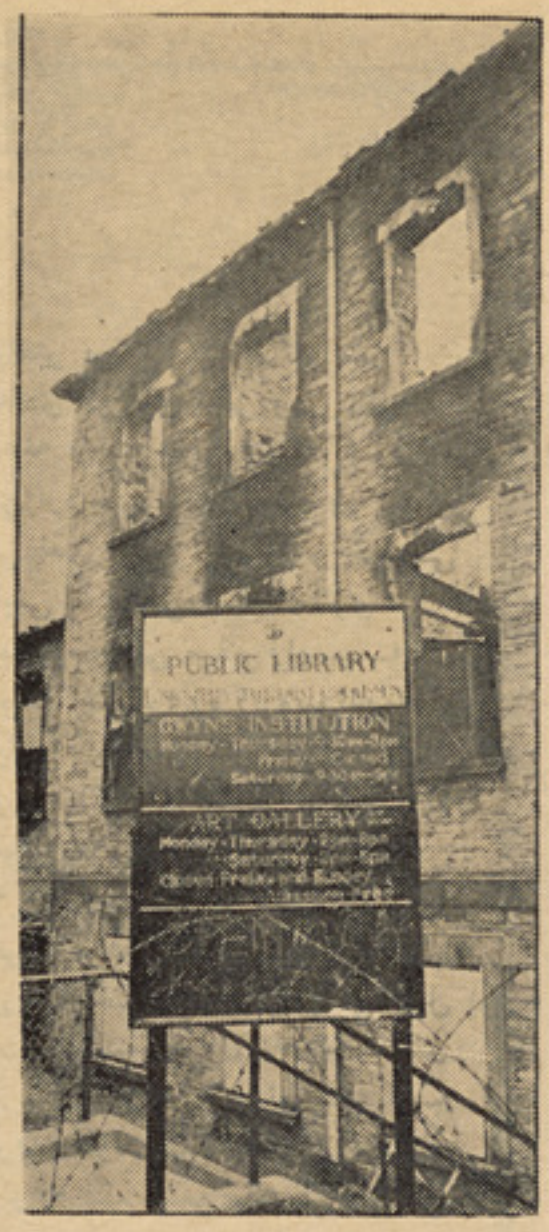

کتابخا نه عامه «لندن دری»

به‌صورت طبعی و حتی چا ره ناپذیر ، سرشت عقیدتی رهـبر ان است که‌این دوجامعه را از هـم دور نگهداشته است. واکنون‌سعی بعمل

می‌آید تا آنچنان قانون اسا سی‌یی بمیان آید که همین خصلت را در بندبسازد. ودرآن حقو ق کا مـل اقلیت ها حفظ شده واز هر گو نه

استثمار سیاسی حر فی‌با قی نماند این‌قانون اساسی باید چنـا ن شکلی داشته باشد که همکا ر ی‌دو قوای قضایی واجرا یی را میسر بسازد.

صد ای شیر ین عقـلا نیت که درآن اسناد رسمی بناء یا فتـه **روپو شی برای‌پوشاندن ضروریات است که وجـود دارد ائتـلا ف**

اجباری برای (سهم گیری قد ر ت) برای سیستم سیا سی یی که گروه

های مختلف را دور یك محور واحد گردآورده کافی می باشد .کلما تی که‌دراعلا میه سفید بخاطر ترتیب قانون اساسی جدید ذکر شد ه ـ ضامن طبیعی ترین حقوق ا ست. چنان است که :

(برای بر آورده سا ختن‌تمایلات واقعی تمام جامعه آیر لند شما لی ضرور است تا اکثریت ها نبایـد

فضایی‌تب آلود خوف وا ندیشه را برای اقلیت ها بمیان آورد).

سهم گیری در قدر ت اقلیت ها واحزاب را مسو لیت جدید مـی

بخشد. فکر میشود قبل ازبمبا ن آمدن قانون اسا سی وزیر دا خله باید قنا عت‌داشته باشد کـه (یك قوه اجراییه آیر لندی شکل می‌یابد که ازطر ف‌تمام جا معـه قبول شود).

درهر دوبخش سیا سی آیر لنـد شمالی مانند (دبلن) اکنون‌این‌آگاهی بعمل آمده که‌قانون اسا سـی پیشنهاد شده **ازطرف وایت لا م‌ـ** نما یش گر نیت در ست حکومت بریتانیاست رهبری سو سیـا ل دموکراتیك وحزب کار گر بادیگر گروه های سیاسی میدانند که نظم جدید فرصت نوی بر ایشا ن می بخشد. هیچگروه حا ضر نیست‌تا برای انقراض وسقو ط این د ست آورد جدید کارنماید .

برعلاوه، قبل ازآغاز کشتـار علایمی برای بمیان آمدن سا زش سیاسی ودر نتیجه آن آرا مشـ موجودبود.

قبل ازبررسی علل دیگر اکنون این یك حقیقت مسلم است کـه قانون اساسی جدید آیر لندپیروزی همکانی رادربر دارد. زیرا ا یـن قانون می تواند قوه های جدید ی بوجود آورده **وزمینه ختم‌تروریسم را آماده‌سازد.ولی‌این‌قانون‌نمیتواند** برهمه تضادهای در و نی جا معـه پایان دهد .

دزړه خبری

سخی‌انتظار

داختر سوغات

اختر دی دزړه غوښی میلمستیا به‌در لیږم
چه خه‌شـــــی‌غر یبی کښی مړیا به در لیږم
«کمین»

لکه چه ښکاره ده افـــغانیت او اسلامیت هغه دوه مهم عوامل دی چه زمونږ دکلتور په جوړ ښت کښـــی ستر اهمیت لری .

کوم شیان چه داسلامی ار کانوپه کتار کښی شامل دی‌هغه‌لا مخکـــی دا فغانی تو کم دثقافت په‌امتزاج کی په ژوره تو گه‌لر غونی ریښی‌څغلولی دی .

پدی جمله کښی داختر خو شالی اومیلی هم دهغو ښکلیو اوپـــه زړه پوری‌څړیکو‌څخه‌ده‌چه‌پدی‌شپوورځو کښی خلك سره راټو لیږی دخوښی اوخو شالی په فضا کښی یوبل سره خبری کوی او دزړه له کو می یو بل ته اختر مبار کی وایی .

سږ کال ډافغان ولس لپاره داختر لمانځل په حقیقت کښی ددوو لویـو اخترونو لمانځنه‌اومننه ده‌څکه‌چه‌یو خو دکو چنی یافطر اختر په مناسبت خلك دخوښی‌اوخوشالی‌مراسم‌پرځای کوی بل داچه دجمهوری نظام په‌منځ ته‌راتلو سره چه واقعا زمونږ د خلکو په‌ز ښښلو خیرو کښی نوی تازگـی پیدا کړی او ددوی‌په دردو نکـــو اسکلیټو نو اوښی اختیاره صور تونو کښی دواك او اختیا رنوی ساه پوو کړی ، دډیری خو شالی، لمانځنـی اوزیاتی شکر انه گی موجب‌گرځیدلی دی .

نو افغا نان حق لری چه دغه اختر په‌پوره شوق او خو شالی په پاك او سپیخلی زړه‌دورورگلوی اوهمنوعی دافغا نیت ډښکلی او مقدسی کلمی ترعنوان دجمهوری نظا م‌په‌رڼا کښی ولمانځی او پری ویاړ وکړی .

راځه چه دواړه ټال ته خیـژو
ټال‌به‌بانه کړوسینه منځ‌به‌جنگونه

په‌همدی ډول له‌لیرو لیرو ځایونو څخه مسا پران کوښښ کوی چـــه داختر ، مبار کی شپی په خپلـــو کورونو کښی‌تیرکړی ، خپل،خپلوان اودوستان له نژدی‌نه وگوری، که‌دا کارهم ونشو نو دلیك یا پیغام‌پـــه واسطه خپلی ښی‌هیلی دوستا نو ته رسوی، خو اکثره دمسا پرو لار ی ځاری او وایی .

اختر ته ډ یر ه خو شا لیـــږم
زما دیارو عده اختر دی‌رابه‌شینه
خلك اختر په ورځ دیدن کړ ی
زماقلم کاغذ په لاس بیدیاته‌څمه
سلام په سرو شو نډو مزه کـاه
دمسا پرو سلام څی‌په کا غذ ونه
خاو نده ژر تر ژر اختر کـــړی
چه‌دعا شقو سره‌وشی دید نو نه
اختر نـږ دی دی رو ژه لاړ ه
لیلابه‌چاته‌سری‌منگو لی‌ورکوینه
شپه داختر دی که دی قـــدر
چه دآشنا سره می وشو دیدنونه

ددی دپاره چه په دی اجتماعی‌میله کښی دټولنی غړی یوبل سره گوری نوهر څوك کو ښښ کوی چه یا نوی جامی واغوندی اویا خو خپلی‌پخوانی جامی پاکی کړی اوخو شبوی پرځان وهی، پیغلی اونجونی داختر په شپه نکریزی لمدوی خوچه په تکو ســرو لاسونو یوبل‌ته‌داختر‌مبارکی ووایی نود همدی موضوع‌په‌اساس دامتل پاتی شوی چه وروسته له اختـــره نکریزه په دیوال وتپوه یعنی هرکار اوهرځه پخپل منا سب و خت کی خوند کوی .

ا ختر پرو نږ پرون تیر شو
دبغدادی کو تری اوس وهی تالو نه
هغه وخت چه‌یوه پیغله کـوز ده
شوی اود خسر گنی له‌خوا ور ته‌نوی
جامی ندی استو ل‌شوی نو خپلـــی
خوابنی ته داسی شکایت کوی.
زماپر خوابنی سلام وایـــــه
خلك اخترکړی‌زه زاړه‌پیوندومه
یاره گیله می شوه در با ندی
په‌نورو خلکودی اختر پر ما غمو نه
اختر په ټوکو ټو کو را غـــی
نه می اوړی‌شته نه دغړی‌تاویزونه
څینی خلك وایی چه داختر په ټال
ختل اودا ختر په ورځوکی‌ټالی وهل
په‌حقیقت کښی ټول‌گناهونه څنډی
او زیات ثوابونه لری نوځکه لـــه
اخټره لا دوه هفتی مخکښی دټـــال
اچولو په فکر کښی وی .

څوانان ددی مقصد لپاره‌څر مینه (له څرمنی څخه پـړی) جـوړوی ، همدارنگه نیمزالی او نازولی پیغلـی هم کوښښ کوی چه اوږ ده پړی‌پیدا کاندی او دکلی په مخ کښی ټا لونه واچوی ،کله یوازی او کله‌کله‌بیـا جوړه جوړه په ټال کښی خیـژی او په خپل آخری قوت دځوانی‌په مستی او زور سره ټال مخ پورته رسوی‌او پدی ترتیب خپل دزړه ارمان باسی، څینی وختونه دټال وهلوپه‌ترڅ‌کښی یو نیم سرو کی او سنـدری هـــم وایی .

کله چه داختر مبارکی اوټال‌څخه وز گاری شی نوکه ځمی وی پیتاوی ته ، او که اوړی وی دگډو ونو تـر سیوری لاندی سره راټولیږی او په گډه سره دریا وهی ، سندری وایی او اټنونه سره کوی .

دشپې ده گړی گرځید_لو، لوبـه سرته رسوی ، په دغه لوبه کښی چه په یو لوی گړی (منگی) کښی اوبه تویوی او بیا دگډون کوونکو پیغلو مختلفی نښی لکه گوتکی ،چار گل، کلیمه داره روپی او داسی‌نورشیان

پاتی په ۵۳مخ کی

برگزیده آلفرد هیچکاک

قسمت دوم

اثر ویلاوی اف

مترجم ع نیرو مند

گلتون لبا نش را لیسیده غم‌غم کـرد «بلی مـی‌فهمـم .. خـو ب یك سوال‌دیگر:شماچه‌حدس میزنید. ر وابـط زن و شـو هر همسا یه مورد نظر تان از چه قرار بوده؟ آنها باهم مناسبا ت خوب داشتند یـا اینکه اغلب اوقات شا ن‌به جنگ وجدل میگذشت ؟

ـخانم ینگ تو ضیح داد که هیچ نمیداند .بحیث یك همسا یه مـی تواند صر ف‌قضاوت کند که آندو هیچگاه باهم پرخا ش نمیکر د ند وآنهادر کمال صلح وآرا مش‌بسر میبردند.

ـبلی ـفهمید م.حا لا یك چیز دگر رابگویید شما کاملا مطمیـن هستید که موتر همسایه‌تان‌درست ساعت ۹بیرو نرفته است .

ـ بطور قطع بلی. زیرا درهمان‌لحم‌ه برخاسته به‌ساعت دید م وسپس به‌ادمان آزاد صبحانه در مقا بل کلکین پرداختم‌عموما ربع‌ساعت رابه ادمان آزاد می‌پردزام من مطمینم‌که موتر درخلال این دقایق در مقابل عمارت ایستاده نبود. چرا ا یـن موضوع‌تااین حد دقیقا دا ر ا ی اهمیت است ؟»

ـبرای اینکه گفته‌های شما اظهارات اوراتصدیق میکند او درین‌دقا یق برای خرید رفته بود .

ـ بلـی آدم میتـو اند اینطـور بگوید.

خوشحالم که میتـو انم شمـا را درین‌مورد کمك کنم .

ـماهم متقا بلا مسر ت دا ریـم وشما باید این اظها را ت‌خود را درقید سوگند تکرار کنید .

خانم ینك تبسمی کر ده جوا ب داد: البته بخوشی‌ـ هر وقتـی خواسته باشید من‌حاضرم .

گـلـتون ودنیس بـه سر کشـی خودادامه دادند اکنو ن‌نو بـت‌به عمارت سمت دگر منزل ایلد رج رسیده بود.

ولی درآن‌جا کسی نتوا نست‌به آنهاکمك بیشتری کند .عیناطوریکه سایر همسایه ها کمتر ین کمکـی نتوانستند بعمل آورند. هیچکس کدام‌بیگانه مشکو کی را در آ ن نواحی‌ندیده‌بود هیچکس ندید ه‌بود که‌ایلدرج به‌سو پر مار کیت رفته باشد.

درسا عت ۱۲ ونیم (پیر مرد)و معاونش دوباره در دفتر ر یا ست پولیس بهم دیدند .رئیس منتظراو بود ودخترش گلتون هم همینطـور دینس اظهار داشت: «ما بـرو ی زمین خشك نشسته ایم کوچکترین برگه وردپایی نیافتیم و پر و بلـم اساسی را اینطور تشریح کـرد : «آقای ایدرج در ساعت ۹ و دقیقه منزل را ترك کرده است وبه خانـم

ایلدرج بین ساعت ۹ و۱۰و ۹و۲۰ دقیقه از طـرف خانم کـرومـپ تیلفو ن شده ا ست بین سـاعت ۹و۲۰ دقیقه وقتی خانم ایلد ر ج دوباره به بستر رفته و سا عـت ۱۰و۱۵ دقیقه که آقای ایلد ر ج‌از خرید بازار برگشته است ، کسی ازطریق در وازه عقبی بدا خـل عمارت خزیده، بااستفاده از میلـه آهنی خانم ایلدرج را ازپای د ر افکنده است . سپس تما م رو ك های‌میز آرایش وآلما ری لبا س رابه امیـد دستبـردی زیرو کـرده باچند عدد بانکنو ت ویك‌صندوقچه زیورات ارزان بیع دوباره فـرار کرده است .

رئیس پولیس از امر کمیسیون جنایی: پر سید «شما هم همینطور نظریه دارید .»

مگر او هیچ متو جه حرف رئیس نشد، درچشمهای د ختر ش خیره خیره مینگر یست وآهسته زیرلب گفت:

ـتوموجو د قشنگی هستـی دخترکم واین‌باعث‌حیرت زیادمن‌شده زیرابار او ل‌است که متو جه ایـن نکته میشوم.

جینی خنده کرده جواب مید هد: «این ناشی از عواطف پدریست که دخترش را در آغوش میگیرد .

ـ«نه،نه از روی عو اطف محض پدری این‌حرف را نمیزنم، بـلکـه آنچه رامی گویم جد یست سا یز توچند است ۹۳۰ ،الی یا۸۸ .

ـ «چندان به اشتباه نرفتی پاپا چرا این سوال را میکنی ؟»

ـ«برای اینکه وقتی برای صـرف غذا بطرف خانه میرویم تـو با یـد لباست راعوض کنی واین بهتر ین لباست را ازآلماری بیرو ن بیاور میخواهم ببینم چطـور می تـوا نی نقشت رادر لباس غیر یونیفور م درست ایفا کنی .»

جینی ،رئیس پو لیس ودینس طبعاکنجکاو شده بودند .

بقیه در صفحه ۵۰

ولسی ژوندون په هنداره کښې

زمونږ اختر او نوه ځنګه

تېر ېزی

پهٔښارونو کښې اختر ونو مراسم داختصار پهٔلور روان دی

داخترو نو اصلی رو حیه مینه ، لورینه او خو شحالی ده څو مره چه په یوه ټولنه کښې یو له بله سر ه دخا لصانه مینې او لور ینې مظاهر خرګند شی اوخلك زیات وربا ندی خوشال شی هغو مره دخلکو ا ختر نبه تیر یږی .

په مینه او لور ینه او خو شحالی تظاهر کول داختر له رو حیی سره مخا لف کار دی، دا لو ر ینه نه ده چه خلك داختر دډو ډیو او خوراکی موا دو او میوو په برا برو لو کښې دخطرناکی سیالی نه کار و اخلی.

په ډیرو کلیو کښې دا رواج شته چه خلك ډډو ډیو په ور کو لو کښې سیالی کوی حتی که چیری څو ك داختر پهورځ دچا ډډو ی و نه خوری له دی څخه کینه او د ښمنی پیدا کیږی.

ښایی داجتما عی اصلا حا تو په لړکښې ددی تمایل را پیدا شی چه داخترو نو له بی خا یه لګښتو نو څخه دخلکو اوږ ی سپکی کړی شی خو هغه تمایل له منځه نشی تلی چه خلك دمیلو سا تیر یو او یوله بل سره داجتما عی مـلا قات دپاره موجود دی.

په کلیو کې دبازار، مار کیټ ، کلب، پارك ، سینما په ډډه دخلکو درا غو ډیدو دپاره مر کز و نه نشته یواځی داختر ورځی دی چه دخلکو بیلی بیلی پر ګنی د میلو دپاره په یو مرکز را ټو لو ی او دا کار به تر هغه و خته دوام کو ی ترڅو چه دخلکو درا غوندو لو دپاره نوی اجتماعی زمینی نه‌وی برا بره شوی..

په ښارو نو کښې چه هر و خت دخلکو درا غوندو یدو دپاره ز مینی او تفریحی و سایل ز یا ت و ی له همدغه امله به‌دغسی‌اجتماعی‌مراکزو کښې داختر دلمانځه داداکو لودپاره په جو ړ ما تو نو کښې دخلکو در ا غوندو یدونه پر ته نور مراسم ډ یر مختصر وی او په انفرادی تو ګه سرته رسیږی. په ښارو نو کښې کورونو او کورنیو ته داختردمبارکی دپاره تـګ راتـګ یو محسو س حرکت دی چه داختر په ورځو کښې ډیر لیدل کیږی، خو دغه کار هم داختصار په لوری روان دی. اوس ډیر داسی کسان شته چه هڅه‌کوی چه دو ستا نو ته دمبا ر کی دکار تونو په‌وراستولو سره د دوی اختر ور مبارك کړی .

په ورو ستیو څو کلو کښې دمبارکی ورکو لو دود په ورځپا نو کښې ټولو دو ستانو ته داختر مبارکی دمرا تبو عرض کو لو ته تحول کړی دی.

په کلیو کښې لاتراوسه پو ر ی ددی دپاره اړتیا شته چه خلك‌داختر په ورځو کښې لو ی میلی جو ړی کړی تر څو چه په دی و سیله په تیتو سا حو کښې او سیدو نـکی خلك چه زیاتره و خـتـو نه ټـی دبز ګری او ما لـداری په چا رو کښې تیریږی مو قع مو می‌چه دکال په څینو خا صو و رځو کښې پـه لویو با غو نـو ، میدانـونـو کښې راغونډیدی او ډډول‌ډول محلی لو بو اټنو نو داجرا کو لو په ضمن کښې له خپلو دو ستانو سره دکتنـی او دوی‌ته داختر دراتګ له‌املەدمبارکیو ور کولو فرصت و لری.

داسی یواحتیاج چه‌خلك میلو او لویو غونډو جوړ و لو ته را ټول کړی په افغا نستان کښې داسلام دسپیڅـلی دین دخپر یدونه دمخه هم‌موجود ؤ.

زمونږ ډیر لوی ملی اختر چـه دآریایی تمدن له شروع سره ټـی تراوسه پوری زمونږ له خلکو سره ملګر تیا کړی وه هغه دنو روزاختر دی چه دخو شحال خان خټك پـه قول‌ټی مرا سم په خا صو سرودونو سره آغاز کید ل .

کله چه مونږ دمذهـبی اعیا دو دلمانځنی دپاره دلو مړی ځل دپاره چمتووالی څرګندکړی دی نو پـه همغه وخت مو دغه اعیاد دخپل ملی کلتور په غیږ کښې راوستلـی دی.

دو جدی په قلم

مونږ په پښتو ژبه کښې عید تـه اختر وایو اوپه دی تو ګه موغوښتی دی چه مذهبی اعیاد هم ز مونږ په کلتور کښې ځای و لری او اوس‌خو په اخترو نو کښې و لسی دو دو نه ترمذهبی مرا سمو ډیر زیات شوی دی..

دیو پښتو نستانی فیلالوجیست ښاغلی کوثر غوریا خیل د خپړ نی له مخې داختر کلمه د «یختیر» لـه کلمی څخه مشتـق شوی ده اود افغا نانو ملی اختر همغه دنـو روز اخنر دی چه دیخو شپو ورځـو دتیریدو نه و روسته لمانځل کیده او په دی‌تو ګه‌به دآریا نااوسیدونکو ته دهغه حرارت راتګ اعلامیده چه طبیعت دیوټو دزرغونولـو او و دی دپاره اود انسانانو متی دنه‌ستومانه کیدونکو کارو نو دپاره چمتوکوی.

کله چـه پـه افـغا نستان کښې مذهبی اعیاد شروع شوی دی نو پښتنو دغو اعیا دو ته هم اخترویلی دی چه دا دی دمذهبی اعیادو دپاره داختر نو مونه لا تر اوسه پـوری دوام لری.

زمونږ دمذهبی اوملی اخترو نـو واقعی فلسفه داده چه مونږ هغـه ورځی لمانځو چه هغو په مختلفـو مبارزو کښې ز مونږ بر یا لیتو پونه ثبت کړی وی.

مونږ خپل یوعید ته ځکه لـوی اختر وایو چه دیوی لو یی قر بانی خاطری را په زړه کوی، حقیقتا چه دلوی هدف دپاره قر بانی ته دخپل زوی چمتو کول لو یه قربا نی وه‌چه په نتیجه کښې‌ټی دلو یو اخترو نو سلسلی تر او سه دوام کړی دی ، همدا رنګه په خپل نفس دحا کمیت لرلو په مبارزه کښې دروڼی‌دکامیابی نتیجه دواړه اختر ډوری خو شالی وی، ز مونږ په نو رو لو یو ملـی اخترونو کښې هم له ملی غلـیمانـو سره په مبارزه کښې کا میابی اود طبیعت له شدایدو سره زمـو نږ دمجادلی ډیره غوره فلسفې خو ندی شوی دی.

په هیواد کښې دجمهوریت دلمر په را ختلو سره حقیقتا ز مونږټولنه داساسی تحول په یو نوی در شل ور برابره شتوی ده مو نږ یقین لرو چه دجمهوریت داهدافوپه‌کا میابیدو سره به زمونږ دخو شالی ز مینی نوری هم زیا تی شی .

انتونی میگوید وقت پیر شدن را ندارم

ترجمه :حمیده امین

انتونی کوین در۲۱ اپریل سال ۱۹۱۵ درمکسیکو تو لدشده او لین فلم او(ویست دومبل) نام دا شت که‌انتونی در۲۲ سالگی در ین فلم رول داشت وشهرت زیادی بد ست آورد وازآن روز ستاره در خشنده وپرقدرتی درها لیود باقی ما ند و امروز یك‌صد و هفت فلم دارد.

اوصاحب هفت فرزند است که چهارآنها ازخانم اولش کتر ین هستند وسه نفر دیگراز (جولانده) خانم فعلی اش که‌ونیسی است‌میباشد انتونی آخرین‌فلمش‌رادرروم به‌پایان رسانید. اوبه چها ر لسا ن انگلیسی ،فرا نسو ی،هسپا نو ی وایتالوی صحبت میکند . وی ا ز مکسیکو به هالیود واز آنجا به اروپاوشهر های دیگر مسا فر ت میکند وی میگوید : چندین لسا ن رامیدانم ودر تکلم بامرد م مشکلات ندارم، لذاهرجا وظیفه د لچسپی بیابم آنجامیرو م‌درین آوا خر اودر امریکاکتابی نوشته که از تجر به زندگی خویش برای جوا نان و مخصو صا فرزندا نش حکا یه میکند.

ازوی پرسیدند : (آیا در نظر داریدکتابهای دیگری هم‌بنو سید؟) گفت(درآینده سه یاچهار کتا ب قصددارم بنو یسم اما نمیدا نم چه‌وقت‌زیرا من نویسنده نیستم و اکتور هستم).

(آیا شما نقاش هم هستید؟ بلی از سالهاست نقاشی میکنم ، چند ی قبل یك نمایش رسامی ام در لاس انجلس ونیویارك ترتیب شد و۷۶ اثر من‌به فروش رسید فکر میکنم مردم این نقاشی‌مرابه خاطر شهرت **من‌درعالم سینما زیاد تر می‌پسندند ازین‌سبب هنوز هم به‌نقا شی‌ادامه میدهم.**)

(چندسال قبل ریکارده من ترا دوست دارم» که توسط شما خوانده شده‌بود خیلی شهرت یا فت، چرا به‌آوز خوانی ادامه ندادید ؟) من **به‌همه‌چیز علاقه دارم‌و میخوا هم** آنها را انجام بدهم ، اما به آنچه بیشتر مصرو ف هستم عالم‌سینما **است).**

(هنریك استعداد طبیعی ا ست یاتربیه میشود ؟) شکی نیست که **هنر یك‌نبو غ‌است،امادر** طو ل سالها باید انکشاف یابد وتخنیك یك‌هنر را آموخت . مثلا من هر شب به‌سه پسرم هنر مند شد ن رامی‌آموزم خرد ترین‌آنها که شش سال دارد،علا قه میگیرد واو یك **هنرپیشه به‌دنیا آمده** است ،امادو پسر بزر گترم اصلا د لچسپی ندارند).

انتونی‌کو ئین کتاب نوشته‌وتابلو های نقاشی دارد .

(شماوقتی صحبت میکنید معلوم میشود که تلفظ تان باایتا لیا یی ها فرق میکند ، پس در فلم کی آواز تانرا دوبله میکنند ؟) در فاو یك رفیقی دارم که‌ازسالهااورا میشناسم ودریك فلم‌هم بااو کار کرده ام،او خوبتر میتواند ازعهده این کار برآید).

(آیادرحیا ت تان مرتکب‌اشتباهی شده اید ؟)خیلی‌زیاد آنهم‌اشتباهات بسیار بزرگ .

(راجع به زنان ایتالیایی چه نظر میدهید ؟) (من بایکی از آنها ازدواج کرده ام‌زیاد حرف میز نند، میخوا هندآمر باشند اما و قتی شوهرشا ن به‌پرا بلمی‌بر میخورد آنها خیلی ماهرانه به آنهاهمدردی میکنند، که البته همه زنان این استعداد را ندارند .

هنرمندان خارجی ساز

همامالینی در کابل

همامالینی ستاره زیبای هندکه‌بخصوص‌بعدازینکه فلم سیتا وگیتای اودرسینما های کابل به نمایش گذاشته شد محبوبیت فراوانی‌درمیان تماشاگران فلم های هندی بدست آورده است بایك هیات بیست وپنج نفری‌وادرکابل شد ، قرار است بعضی از صحنه های فلمی رادرافغانستان تهیه کنند . این‌فلم که در آن ازمناظرزیبای بامیان کند ز بندامیر ونقاط د یگر استفاده میشودبه‌مصرف فیروز خان تهیه می شود ،وی‌ـ علاوه از ا ینکه در فلم نقش مقابل‌همامالنی رابازی میکند دایرکت فلم را هم بعهده دارد. قبل برین ضمن‌سفری‌فیروزخان‌ازنقاط دیدنی افغانستان بازدید بعمل آورده . واستفاده ازین مناظر را درفلم خود لازمی‌وانمود کرده بود .

افغانستان دارای زیبایی خاصی است که‌درفلم این زیبایی هادوچند میشود .

فلمی‌که بعضی قسمت های آن درافغانستان‌تهیه میشود و فیروز خا ن پرو دیسور آنست «تر ماتما» نام دارد .

سناریوی این فلم رافلمنامه نویس معروف‌هندکوشل بهارتی نوشته است . این شخص سناریوی فلم های «دل دیا دردلیا» «آدمی»«رام وشام» تیری میری سپنی ـ و «میله»را نوشته است که تمام این فلم هادرافغانستان‌نمایش داده شده وطرف دلچسپی تماشاگران واقع شده است .

درین فلم قرار است هما مالینی‌درنقش‌یك‌دخترکوچی ظاهر شود. همچنان رنجیت ومدن پوری نیزدرین فلم نقش دارند . که بـزودی‌وارد افغانستان خواهند شد .

هما مالینی‌ستاره زیبای هنددربین‌تماشاگران‌فلم های هندی طرفداران فراوانی دارد . اودر برابر خبرنگاران گفت: تاحال ازدواج نکرده‌ام‌وفعلابفکرآن‌هم نیستم .

در ین عکس هما مالینی درحال پختن‌نان تاوگی دیده میشود

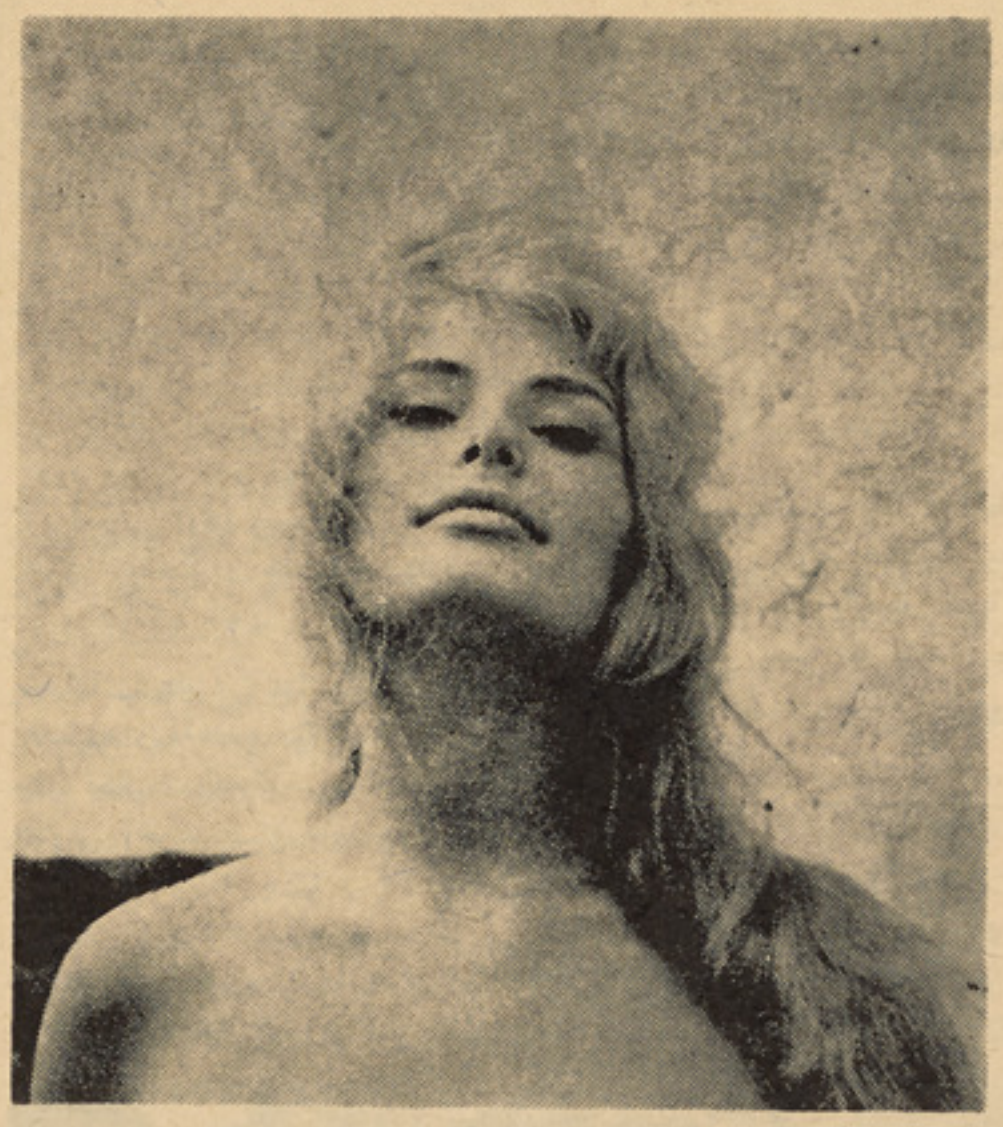

فی‌فی باخ باقیافه ز یبا واندام متناسب‌وموهای طلایی امروز ازجمله ستاره‌هائیست که بیشتر ازدیگران عکسش روی جلد مجلات المانی فرانسوی وایتا لوی را اشغال‌میکند. در مورد او گفته اند ممکن است‌بزودی جای‌سایرستاره های آلمانی‌راکه شهرت بین‌المللی حاصل کرده‌اند بگیرد . اززیبا رویان المان‌تاحال الکه زومر، رومی شنایدروچندنفردیگر توانسته‌اند شهرت عالمگیر سینمایی بدست‌آورند، اکنون نوبت اوشی گلاس‌وفی فی‌باخ است .

فی‌فی باخ باقیافه زیبا واندام متناسب‌این‌راه رابرخود هموار ساخته وبزودی پله های شهرت راخواهد پیمود .

آغاز نمایش اثر معروف نیل سایمن در مرکز کلتوری امریکا

نمایشنامه دیگری از نیل سایمن درمرکز کلتوری امریکا به نمایش گذاشته شده‌است که درآن مشعل هنریار، محبوبه جباری،زینت گلچین، رحمت الله قدیری‌وحشمت‌امید نقش دارند. در مورد نیل سایمن نمایشنامه‌نویس معروف امریکایی ما درهمین شماره مطالبی داریم که علاقمندان نمایشنامه‌های‌تیاتر و نویسندگان کمیدی رابه خواندن آن دعوت میکنیم

هنرپیشه موفق و محبوب سینمای اتحاد شوروی

گینا دی کرو لکوف

گینادی کرو لکوف‌هنر پیشه‌خوش قیافه شوروی مکتب هنری تیاتر را بپایان رسانیده و در فلم های «صبح وقت» در ۱۹٦٦ سه روز ویکتور چرنیشیف و خط مستقیم در ۱۹٦۸ سیواستو پول در ۱۹۷۰ و نوبت شبانه‌در ۱۹۷۱ بازی‌نموده است .

این هنر مند محبوبیت خاصی‌در این آوا خر کسب نموده است .

ژوندون

دلفروشی

زلف ها روی شانه می لغزد
رنگ شب بربلوریزانست
سیم درزخمه اوج می گیرد
وزنوا های گرم لرزانست

بانگ مرغان‌چوزنگهای سحر
می رساند نوای بیداری
نیمه‌خواب‌آندوچشم افسونگر
باز دنبال دل شتابانست

بستم ازاشك‌دست وپایش‌را
زخمه هانغمه هابرون میداد
عشق ومستی و شور پرگنده
اززمین تا به سقف ایوانست

بو سه های نیاز مندانه
برلب وچشم‌نازنین‌نادم
چشم‌خودبست‌وگفت (آئینه)
دلفروشی نه کار آسانست

(آئینه)

زیر نظر: گل محمد ادیبیار

از هانری ـ هاینه

دروصف محبوبم

امروز در وصف چشمان محبوبم غزلی‌بس‌شیوا خواهم سرود .
امروز ازگونه های گلگون محبوبم درترجیع بندی نغز سخن با هم گفت :
امروز به سر هرتارموی قیر گونش‌کلمه‌ای‌از هر کلمه غزلی واز هر غزل دیوانی می آویزم
چقدر دلم میخواست رباعی زیبایی نیزدروصف دل اوبگویم . افسوس که محبوب من دل ندارد !
افسوس که چشم ندارد ! افسوس که‌دهان تنگ ندارد وافسوس که جان واحساس ندارد .
ولی بااین وصف بنفشه های چشمان‌کوچك او، گلهای سرخ گونه های او ، گیسوان او وسرانجام نیلوفر احساس اوهمه‌گل می کنند . لیکن‌صدافسوس تنها قلب کوچك اوست که‌خشك‌شده ، نه خزان‌را می شناسد ونه بهار امید را ..

مروارید های سخنی

راه سعادت مال نیست بلکه عقل وحکمت است

(شوپنهاور)

• • •

نبوغ رامی توان به عبارت دیگر، پشتکار، بردباری وشکیبایی گفت :

(شوپنها ور)

• • •

زندگی چیست ؟ بیداری ایکه تنها یك لحظه طول می‌کشد ودوباره به خواب می پیوندد . دوران شگفت‌انگیزوکوتاهی که تولد ومرگ رااز‌هم جدا میسازد . جرقه‌ای که درظلمت شب میدرخشد وناپدید میگردد .

(لامارتین)

ای عشق ؟

ای عشق سپیده مرموز صبحگاه

ای شعلهٔ رمیده زآغوش کهکشان

باپر توی خموش
از گوشهٔ افق
رنگینتر بتاب !

درآسمان زندگی تیره فام من
باری که‌گشت کوکب امیدمن سیاه
نوری فروز دردل «تاریك اخترم»

• • •

ای عشق! ای فرشتهٔ رنگین راز ها
ای شهپر خیال زسوز تودرگدا ز
بال وپرفشان !
آهسته ترخرام !
اندر فضای دل
راهم نمای تاسراپرده های نور
بخشا دل فسرده ام ازسوز ساز ها
ده بال آتشین وکن از شعله‌هاپرم

• • •

ای عشق ای ترانهٔ پرسوز آرزو
ای رشتهٔ امید زشور تودرنوا
در بزمگاه غم
ز آهنگهای سور

شورو طرب فزای
مستانه ام بکش برخ بالهای شوق
تابزمگاه عشرت خوبان لاله رو
آنجا پراز نشاط وطرب ساز محضرم

• • •

ای عشق ای کبوتر اوج خیالها
ای درهوای حسن نواسنج و پرفشان
باشهپر خیال
تاآسمان وماه
باخود بکش مرا
مسحور چون زایهت نورانیان شوم
بکشای بانوای طرب ریز بالها
باری فگن تو سایه الطاف بر سرم.
ای عشق ، ای نمای فروزندهٔ حیات
ای چهر نیستی زتودرپرده ها نهان
چون روح پرنشاط
در بزم زندگی
شوری زتو پدید
برمن نمای هستی واسرار جاودان
وارسته ام بدار نیرنگ حادثات.
چون عاقبت رهین، فنا هست پیکرم

(دکتور شمع ریز)

دوبیتی های وطنی

الماس رخشان

قمر تنها نه قیفت بر زمین است
نمود آسما ن هستی یقین ا ست
فضای رویت ای الماس رخشا ن
فقط انگشتر یی بی نگین است

نیکویی

بیا تا دست از ین عا لم بدار یم
بیا تا پای دل از گـل بر آریـم
بیا تا بر د با ر ی پیشه سا ز یم
بیا تا تخم نیکو یی بکا ر یم

سیه چشمان

نمی د ا نم چه درد آ مد بجا نم
که می سو ز د تما م ا ستخو انم
نه تب د ا ر م نه جا نم میکند درد
سیه چشمك ز د ه آ تش بجا نم

آفتاب

چشمه ای ازبلخ روزی سر کشید — بحر شد ، چون رفت آنسو سرکشید
بحر شد ، آشفته شد، مهتاب شد — جوش زد، مواج شد سیلاب شد
اندرین جا بانگ نایی شد بلند — رفت آنجا شور صد محشر فگند
دور ونزدیکی ندارد آفتاب — آفتا با هر کجا خواهی بتا ب
هرکجا عشق است آنجاجای تست — هر کجا دل می تپد ماوای تست

(مولیناجلال‌الدین بلخی)

خاطره

ساغر تهی ز باده و مینا شکسته بود — بستر در انتظار و درخانه بسته بود
پای نشاط بسکه لگدکوب کرده بود — از فرش تابه عرش یکی گردجسته‌بود
چون شعله‌گرم بودسرمستم ازشراب — گفتی‌جهان درآتش روشن نشسته بود
اونیز مست بودوپرازشوق زندگی — دل هم عنان صبر زمستی گسسته بود
لرزان تن برهنهٔ او در کنار من — سست ازخماربادہ چو عهدنبسته بود

(پژواك)

پیمان شکن

مده ساقی دگر ساغر بدستم
که من از دور چشم یار مستم
نیم بیکس درین وادی چو مجنون
بود ژولیده مویی سر پرستم

سر خود گر نینداز م بپایش
دگر چیزی نمی آید ز دستم
زمن حرف حقیقت را نپرسید
که از حسن بتان صورت پرستم
بت پیمان شکن دیگر چه خواهی
شکستم توبه و زنار بستم
چسان تاب بلای هجر آ ر م
که من عمریست بیتاب تو هستم

(استاد بیتاب)

عشق

نوشته امتکار هما شیموف

ترجمه صدیق رهپو

بو سه بسیار طو لانی‌بود. مو یهای نرم‌و مواجش بارایحه ای‌مست‌کننده روی صورت مردبه اثر وزش نسیم، بازی میکرد .

ناگهان دختر قدر است کرد و او را از خود کمی دور نمود.

تیر کاش به‌کراچی تکیه نمود .

دختر در حالیکه‌مویهای پریشانش راباسر پنجه‌های لطیفش در ست میکرد گفت :

ـپدر مرا میکشد .

ولی در چشمان زیبا و فتانش هیچگونه ترسی موج نمی زد .

تیر کاش به پیر مردی که روی پوش بوریای کهنه که‌قدری آنطرف تربر علف سبز هموار شد ه بود نگریست . سرش را بر زین رنگه گذاشته وچهره اش‌در تاریکی‌بخوبی دیده نمیشد . آنطر ف تر خر سیاهی زیر درخت شفتا لو مشغول چرا بود.

بر کرانه های کنگره مانند کوه های دور ، ناگهان‌نور شیری رنگ دو یده و لحظه بعد قر ص نو رانی ماه از پشت آنها بر آمد . درخت نیم برهنه شفتالو به شبح سیا ه رنگی مبدل شد ، هوا قدری سرد شد .

دختر مویهایش را چوتی نموده و دو رشته آنها را به شانه هایش انداخت به طرف کراچی رفته به سبکی خیز زده و به کنار آن در حالیکه پایها یش آویزان نموده و با آنها بازی میکردنشست اوبیخبر از همه چیز و همه کس در آنجا آرام گر فت تیر کاش در برابر ش زانو زد و پایهای دختر را به‌آغوش گرفت .

در حالیکه چهره درشت و مردانه اش را بر زانو های دختر فشار میداد زمزمه کرد .

ـدبلور خوا هش میکنم‌جای نرو لطفا ...

متنظر شد که دختر مویهایش را نوازش میدهد ، ولی دیلور او را به آرامی از خود دور نمود .

ـبرو، وقت خواب است !

تیر کاش با چهره در هم کشیده مرتعشش فشار آورده،باصدای که‌ازآن فشار آورده و با صدای که از آن بوضوح درد خوانده میشد زمزمه کرد .

ـسحر می آیم.

سپس بجاده طولانی ، که نور بیدریغ ماه آن را روشن مینمود ، به دویدن شروع نموده و سایهٔ درازش رالگدمال میکرد. از د هکده دور صدای عوعو سگ شنیده شده و آب در جویبار زمزمه میکرد .

نور کم رنگ چراغ ها ، از دور بل بل میزد تیر کاش روی بلندی بی توقف نموده وبه عقب نگریست.

درخت شفتالو گم شده بود دیلور وپدرش ممکن در همان حدود بوده باشند .

درپیشرو، ترك های که بار پنبه داشت درشاهراه به‌آهستگی حر کت نموده و نور چراغ های پیش روی آنها مانند رشته‌طو لانی بهم زنجیر شده بود.

احساس گیج کننده‌ی او را به آنجا کشو ند ه بود فکر میکرد که اکنون درونش تهی وخالی است .

نی، من جایی نمی روم ، نمی رو م .

پیراهنش را از بدن گر م و عرق آلودش پاره نموده روی علف های زرد و خشك نشست .

ـمراچی میشود چطور میتوا نم تنتکسای را ترك نمایم ؟

صدای آذان خروس ها از دور دست بگوشش میرسید اتاقاسم‌ممکن از خرمن ، جاییکه کوه پنه کوت شده بود ، بر گشته و روی صفه گلی اکنون به پینکی رفته و منتظر آمدنش باشد .

تیر کاش با چشم مغزش ، به روشنی چشمان متفکر و مهربا ن اورا که‌زیر ابرو های بر آمده و پرپشت وبالای ریش نوك دارش‌قرار داشت، میدید .

اتا قاسم پدرش شده بود ؟

چرا آن کراچی کهنه در تنتکسای آمد و چگونه او دیلور را دیده بود.

او جز تیر کاش هیچکس رادر این دنیای بز رگ ند ا شت

از جایش برخاست ، باید مدتها قبل به خانه میبود ماه بلند شده ابر های پنبه مانند به آرامی در پهنه آسمان حرکت نموده و بو ی خاك نم زده همه جاشنیده میشد .

• • •

این ها همه مدت ها قبل اتفاق افتاده بود تیر کاش نمیدانست که درکجا تو لد شده و پد رش‌کی بوده است کوچی ها او را نگهداری کرده‌بودند وبه این تر تیب او هم یك کوچی شده بود زنانیکه آتش درخشان خیمه را تا نصف های‌شب روشن نگه میداشتند آنها بیکه سرور وپایکوبی و دست افشانی میکردند دامن های بلند و رنگ برنگ شان در هنگا م رقص چون شعله های سرکشس آتش مو ج میزد ـ آنها بیکه زندگی را بهمان گونه تغییر تا پذیر آن دو ست مداشتند همین زن های ساده وبی آلایش مادران اوبودند و کو چی مردانیکه بر گرد آتش ، با صدای هیجان اور طبل میرقصید ند پدرانشس بودند .

در غروب سر خرنگ آنها خیمه هایشان را در شیله ای بر پا می کردند تیرکاشس روی علف ها دراز می کشید و به نوای دهل ها و قهقه ها یشا ن گو شس فرا دا ده سایه های گردا گردآتش را می نگریست و با صدای آشنای طبل بخواب میرفت .

صبح عرعر خر هااو را بیدار میکزداو موی های شبنم زده اش را باسر انگشتا نش مرتب مینمود ... و دوباره ها ن راه آ شنا وپایان نا پذیر ، او نمیدا نست که اینقدر راه در دنیا وجود دارد ولی قبیله شان بدون تو قف به سفر شس ادامه میداد و در بین کوچی ها کسی نبود که بداند فرجام این سفر بکجاپایان‌مییا بد .

ولی این‌سفر بالاخره و به‌صورت غیرمنتظر در تنتکسای پایان یافت. یك‌شب بهارقبیله در کرانه‌سنگلاخی دریا خیمه های شان را بر پا گردند ناگهان دریا آرا م تنتکسای لگا م گسیخت .

تیر کشس هفت ساله بود و از همه بیشتر خسته شده و زود به خواب رفت صبح صدای امواج غرنده و خیزاب های پر صدا او را ازخواب بیدار ساخت وی ر وی موجب بلندی مانند پرکاهی حرکت مینمود فریادی کمك سرمیداد ولی ازفرط صدا های گو ش خرا ش خودش آنرا نشنید در پا ک ف بردهن میغرید وابر های سیاه آسمان پوشانیده بود تیر کاش غوطه خور د ، به سطح آ ب آمد ودوباره ... زمانیکه به هوش آمد مرد بیگانه ای درکنارش ایستا ده بود از مردبیگانه تر سیده بود حتی از بروت های خاکستری رنگ و ریش ماشس و برنجشس آب می چکید او با آستین قچار داده شده اش پیشانی بچه گك را ستر د

نامت چیست .

تیر کاشس فهمیده که پیر مرد او را از آب نجات داده است .

فریاد کرد .

ـبگذاربروم .

سعی کرد بر خیزد ولی نیرویش اورا یاری ننمود پیر مرد اورابا تکه کهنه ای پوشاند .

قبیله ات رفته اند آ نها ممکن فکرکردند که‌تو غرق شده ای.

پیر مرد آهی کشید و ادامه داد. سیلاب مدهشی از کوه سر از یر شد دیوانگی تنتکا سای برآمد .

تیر کاشس به پشت دراز کشیده به سقف که با کاغذ رنگه پوشی شده بود مینگریست بالاخره به خواب رفت .

«حاد ثه سال ها ی قبل اتفاق افتاده بود اگر آن کراچی به ده نمی آمد اگر تیر کاشس دیلور را نمی دید او هیچوقت به فکرآن

حادثه نمی افتد .

• • •

آفتاب از افق سر کشید کرا چی لق‌و لق به آرامی روی جاده خاکی حرکت میکردخر سیاه به تنبلی‌پای های نی مانند شن رابر میدا شت. چرخ کر اچی زیر با ر نا له مو قروج سر می داد .

تیر کاشس گردن پرچین و موی های خاکستر پیر مرد را دید پیر مرد هیچ عجله نداشت هم چنانکه روی کراچی تکان میخورد به پینکی میرفت ازصبح ملا آذان کلیمهٔ ا ی با تیر کاشس گپ نزده بود و فقط گاگاهی با چشمان سرخ رنگشس‌به اونگاهی میکرد .

تیر کاشس ودیلور پهلو به پهلوی هم‌بدنبال کراچی لقه‌راه‌میر فتند .

دختر تبسم میکرد ونهال ها کنار جاده‌را با خمچه نازك‌که در دستش بود به شلاق میکشید .

تیرکاشس نمی دانست که او چه فکری میکند ولی از تبسمش حدس زده میشد که او خیلی ازخود راضی است‌از زیبا یی اش مغرور وازپیروزی اش بر مرد جوان دلشاد .

آفتاب به آرامی در پس کوه پنان شد نسیم شا مگاهی به آرامی میوزید.

چرخ هاناله سر میدادند کراچی لکنده بر بلندی تپه رسید .

تیر کاشس وقتیکه دهکده را ترك مینمود فقط یك فکر داشت اکنو ن

دیلور برای همیشه بامن خو ا هد بود او اماده بود تا بدنبالش تا به آخر دنیا برود ولی همینکه لحظه به لحظه از خانه دور میشد قد م هایشس با ورو اطمینان خود را از دست میداد او احساس میکرد که رشته نامرعی اورا باآنچه که پشت سر گذاشته است پیوند مید هد با هر قد م این رشته محکم کشس میرفت کراچی‌ببلندی توقف‌کردتیر کاش‌بعقب نگریست.رشته‌پیچان‌دریا چون فیته نقره یی معلو م میشد خانه ها دیده نمی شدتاریکی شب بر همه جابال گسترده بود از دور خاك باد ناشی از بر گشتن‌امر بلند شد.

وقت آن‌رسیده بود که گاو ماده‌و ابلق شان رابه گله می زد .

شا م گاو خودشس به تنهائی بر می گشت گاو به وسیله زن همسایه دوشیده می شد زیرا زن‌اتا قا سم خیلی پیشس مرده بود بار دیگر به یدتیر کاش آمد که اتاقاسم جز او کسس دیگری ندارد .

همان سال زمانیکه اتا قاسم تیر کاش را از آب کشید برای او یك بکسس مکتب ویك کتاب الفبا خریده او را به مکتب شامل نمود خاطرات بروشنی از مغزش برق زد می دید که بطرف مکتب دویده و از مزارع شبنم زده‌عبورمی‌نمودتابستان‌بادیگر بچه ها به تاکستان کلخوز برای آنگور چینی می رفت وحتی بیاد آورد که جشن پایان مکتب را به چه خوشی بر گذار نموده بود .

تیر کاشس کار را درشب ها ی تابستان درخرمن دوست دا شت بروی توده پنبه با لامیرفت وبا پشت ازآن خودرا می لغزا ند آسمان چنان معلوم میشدکه به‌همان نزدیکی ها او یزان بوده و با بلند کردن دست گرفته میشود شیطنتش با صدای هارن ترك پایان می یافت وبدنبال آن صدای باز شدن دروازه بلند می شد و راننده صدا می کرد .

ـکوچی خوابیده ایی ؟

نیرکاش اهمیت نمیدا د. از روی توده پنبه به پایان خیز می زد و به بار کردن موتر شروع می نمود .

بعد او را ندن تراکتور را فرا گرفت زمانیکه آن را بخاطرشس می آورد بوی تازه‌زمین شخم زده را می شنید و بدنبال آن بوی تیز پترول و صدای انجن تراکتور همه چیز او را به گذشته اشس سخت پیوندی داد میدانست که همه چیز را نمی تواند از دست بدهد با این آگاهی توقف کرد ضربه خمچه بر شا نه هایشس جز نمود .

دیلور در حالیکه تبسم نموده و یك دستش را مغرورانه بر کمر ش تکیه داده بود باخمچه بازی می کرد .

او باآگا هی بز ر یشش می خندید و این امراز برق چشمانش خوانده می شد در حالیکه به بینی اشس بابی مبالاتی چین می انداخت پرسید .

ـچی شده ترا ؟.

تیر کاشس از فرط درد درو نی اعتراض ننمود.

ـچرا چنین می‌کنی ؟

دیلور قهقهه زد.

ـاوه عاشق بیچاره !

تیر کاشس به سختی خمچه را از دستش کشید آنرا قات نموده و بدور انداخت‌دیلور همچنان می خندید .

نیرکاش بالحن آرزو-مند انه خواهشس کرد .

دیلور لطفاً پس‌برویم کجابرویم بیا همینجا باشیم یك دستش رابه دور کمرشس انداخت .

دختر رابه طرفش کشیده زمزمه کرد :

بقیه در صفحه ۵۲

سحر گر

ته چه دا ښکلی خیره لری نگاری
خکه تاپه عا شقانو وگړی چاری
چه‌دی لاری ددیدن‌راباندی بندګړی
زما اوښکی په ګریوان خی‌لاری لاری
چه دی کله کله ووینم له ورایه
دالاهم بی بخته نه یم شکر باری
که‌دی غاښ او شونډی گورم درمرجان‌دی
که دی مخ وته نظر کړم ماه رخساری
دریغه نور نو سحر گردی پیدا شوی
چه داستا سحر یی‌مات کړسحرکاردی
خوپه ما باندی‌چه راشی خان‌نادان‌کړی
ګنی نشته نوری‌تا غو ندی هوښیاری
په گوخه یی یار گذرنه گاخوشحاله
ته له کومه ساز وی ور ته ریباری

(خوشحال خټک)

دبنو غشی

خیال او د ز لفو سلسلی ښکاری
خه مهر بانه غوندی شپی ښکاری
سپتا انتظار شو دماښامه سره
سپتر گی زما بلی د یوی ښکاری
رقیب چه زلفی د آشنا یاد وی
جوړه په‌قسمت کی‌یی‌تیری ښکاری
سپتا دبنو غشی په زړه کښنی زما
خه تخنو و نکی پلوشی ښکاری
تاته آسمانه بیلوز ی ده، وی دی
راته خو گرانی شو گیری ښکاری
لویی خبری کړی مین د وصال
داهسی خولی ماته و ړی ښکاری
اوس یی مدام ز لفی خوری ویزمه
دغه خه نور ی سلسلی ښکاری
چه مخامخ شی سترگی بیا شی تیښی
دا دکوم خیز تسبا دلی ښکاری
پروت یی په پښو او سنه زما نظر
پورته خه گرانی مر حلی ښکاری

(حمزه)

دعاشقی لار

په ښه خوی‌دبدخو اهانو بی پروایم — په نرمی لکه اوبه داور سزایم
وهر چاته پخپل شکل خرګند یږ م — آیینی غوندی بی رویه بی ریایم
قیاعت می تر خرګی لاندی اطلس دی — پټ ددرست جهان پادشاه ظاهرګدایم
دغنچی په خیر په سل زبو خاموش‌یم — لکه بوی هسی په پته خوله ګویایم
په زړامی دخپل یار دیدن‌حاصل‌کړو — دشبنم په خیر له ګل سره یکتا یم
هم په داسپینو جامو به معلومیږم — لکه ابر هم ګوهریم هم دریا یم
دراز عمر می حا صل شه‌له راستیه — لکه سرو مدام سبز و تازه پایم

که چالار دعاشقی ده ورکه کړ ی
زه رحمان د ګمراهانو رهنما یم

(رحمان بابا)

د سینی تږون

خو مره خو زه ده دنیا د مینی
له ناز ه ډکه مو سکا دمینی
خواته می غلی په مینه را غله
بس زړه یی یو وړو په غلادمینی
کوه د مینی قصی په مینه
چه می تاز ه شی سودا دمینی
چه اور دمینی پر ی تازه کیږی
لټو م هغه خلا د مینی
داتو فی و شتی دی بی خه نه دی
پکښی خلیږ ی ښکلا دمینی
ای نازولی ناز لو یولی
چه غشی و لی رسا دمینی
چه سا نیو لی تر وره ښکاری
چا در ته و و ی وفا دمینی
دشو خو ستر گو بلا دی واخلم
په یو نظر کړ ی دوا دمینی
چه راته گور ی په مینه مینه
لکه چه غواړ ی سلا د مینی
را خه ترو ن به دمینی وکړو
گوند ی آخر شو رسوا دمینی
لږی موسکی کړه دابو خی شونډی
چه ر نګینه شی ادا د مینی
مخ نه خوری کړه دزلفو وریځی
چه ستوری و کړ ی ګلها دمینی
راخه سیلا به ! تر هغه زاړه
خو دی نصیب شی خنداډمینی

(سیلاب)

دزړه ارمان

زه چه دیار سپتر گی لعلونه لرم
لاس به وینخلی له‌ژونه ونه لرم
دامی ر ښتیا درته آشنا وویل
مقصد می ته یی که مقصدونه لرم
آشنا له مانه لیږی لیږی څغلی
زه ورپسی که منډ لو نه لرم
دازه چه تل آشنا آشنا کومه
داخو په زړه سو ی دا غو نه لرم
دامی یوراز در ته ښکاره‌کړویاړه
سینه کی پټ پټ دیر رازونه لرم
لږه ګناه خو راته وښیه ته
زه خپله ګناه سپتا خد متونه لرم
که خپل آشنا را سره خان وتاړه
خطره بیا کله له بیلتو نه لرم
دازه (فرمان) چه‌سوی لوی ګرځم
زړه کی بی شماره ار مانونه لرم

(فرمان)

دآشنا تصور

تصو ر دخور آشنا چه راسره شی
ناخاپی می تشه غیږ تو ده توده شی
بی خبر می زړه له خان او لـه جهان شی
چه خهوخت سترګی د یار په نندار ه شی
ای صنمه په ربښتیا که ته زما شوی
نو دژوند غزل نیمګړی به پوره شی
چه سپین مخ ته یی په‌خیر کله‌وګودم
له حیا نه کله سره اوکله شنه شی
ددلبر دا خصلتونه می ډیر خوښ‌دی
چه غصه شی بیا پخپله دلاسه شی
مخ چه ما پله را وا پروی هیبت نـه
په مړی کی زما سا لنډه اوږده شی
ستوری هم را سره ژاړی په ماتم‌کی
دفرقت چه کله شو مه نیمه شپه‌شی
په هیڅ شان نه پخلا کیږی‌ای‌سیاله
چه یو خلی پښتنه پیغله خپه شی

(محمد غازی سیال)

دستر گو نښکلا

سترګی خویو سترګی همه سترګی دی — سترګی د آشنا می جدا سترګـی دی
زه‌برنډی سترګی‌اوشه‌له‌خوانی‌حسین‌ګنم — نه‌نړی ملالکه ویښته‌نه‌تیښی‌مړی سترګی
ماته ونه ګوری بی خوده به شـــم — سپتا په سترګـو کی نشی ویدی دی

(راهی)

خومره چه سترګـی ناڅه داری دی — خومره زما اوښکـی نا کـراری دی
سترګی خوله سترګونه شرمیږی تـل — څکه می سلګـی خپلـی ریبـاری دی

(سیلاب)

دزلفو نښا سار

زړمی بیا په زړه دښکلو سینګارګرزی
څکه پښه زما بی واکه ناچار ګرزی
له هیبته ور ته سم کتلی نشم
دیار سترګی می په نیت دګذارګرزی
دانسیم چه درسته شپه‌کړه‌په‌خان‌رونه
سپتا دحسن وګلشن ته‌په خار ګرزی
وریځ نه ده چه په مخ دآسمان راغله
دا زما له زړه ختلی بخار ګرزی
که هوس کړم ستادمخ وسری‌لمبی‌ته
پټنګان مدام په شوق دانګار ګرزی
دیار شونډی می په زړه کښی تجلی‌کا
که په‌سترګو کی می زیم‌دخونبارګرزی
دم ختلی دهجران په بستر پروت‌یم
په سینه می سپتا دزلفو نښارمارګرزی
سرو مال پری ورګوی مستان‌یی اخلی
پیاله ډکه په شرابو خمار ګرزی
ساقی خنګ دهغه یا ر له غما زانو
ډیر یی‌ماغوندی په‌خنګ کی‌بیدارګرزی
چه‌حسین دښکلی مخ‌په‌سباویښ شوم
لمر سپوږمی می همیشه په‌دیوار ګرزی

(حسین)

وژندون

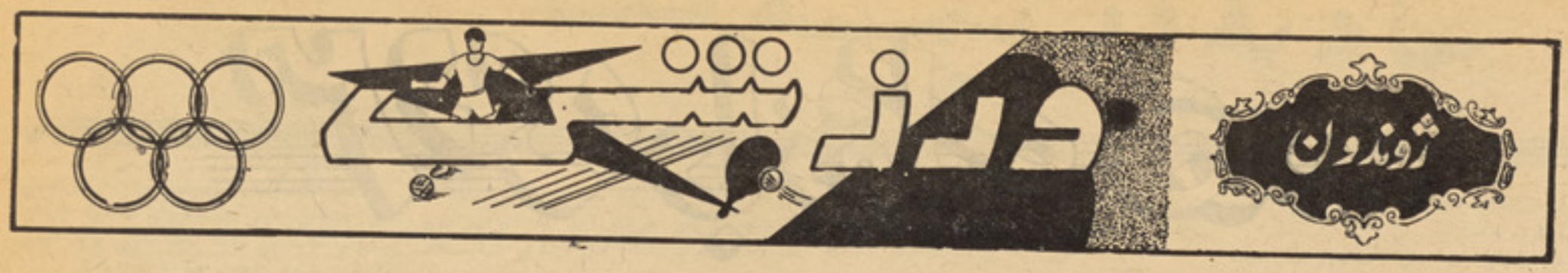

قهرمانان تورنمنت فوتبال کلب ورزشی پامیر

مسابقات فوتبال تورنمنت کلب پامیر که بتاریخ ۱۵سنبله آغاز شده‌وبه روز ۱۲میزان که‌آخرین روز مسابقه این تورنمنت بود خاتمه یافت.

درین تورنمنت دوکپ ازطرف‌کلب ورزشی پامیر گذاشته شده بود که‌برای قهر مانان

این تور نمنت یعنی تیم های‌اول ودوم داده شدونیز رئیس تربیه‌بدنی وزارت معارف‌کپ دیگری را برای تیم اهداء کرد.

چون این تورنمنت بصورت ناك اوت بر گزار شده بود وباید چند تیمی که‌خودرا از میان دیگران غالب کشیده بود مسابقه‌میکردند تابرندگان کپ های اول ودوم معلوم میشدکه

ازجملهٔ تمام تیم های‌که‌درین تورنمنت‌شرکت ومسابقه کرده بودند ،تیم فوتبال منتخب معارف ،تیم فوتبال کلب آزاد پامیر و تیم

فوتبال کلب آزاد اتفاق ،خوب در خشیدند که‌این سه تیم طالب کپ‌اول بودند .

تیم منتخب معارف توانسته بو دمقابل چند تیم این تورنمنت که‌به اساس پرو گرام مسابقه کرده بود غالب میشود تیم پامیرهم باچند تیم که‌طبق پروگرام روبرو شده بود موفق شناخته شدتیم اتفاق برچند تیم‌راکه

باآنها مسابقه کرده بود مغلوب ساخته بود .

همچنان تیم های آریا وتاج نیز بعدازتیم های پامیر معارف واتفاق در جریان مسابقات این تورنمنت غالب شده‌بودند واین دوتیم برای کپ‌سوم داوطلب بودند

تیم‌های دیگری که‌درین تور نمنت شرکت داشتند بعضی ازآنها نوتشکیل بوده‌و بعضی دیگر آنها به نسبت نداشتن‌مشق وتمرین‌بیشتر وعدم آمادگی درین تورنمنت به درجه های پائین تری قرار گرفتند بعضی تیم‌ها ما نند

بامیکا اتحاد، میوند وغیره خوب درخشیدند وبرای‌تماشا گران مسابقات این تور نمنت

ثابت گردید که‌اگر تیم های مذکور بامشق وتمرین خود ادامه بدهند در تورنمنت های آینده کپ‌های را نصیب خواهند شد).

هیئت ژوری این تور نمنت تیم‌معارف تیم پامیر وتیم اتفاق که‌حایز امتیاز بیشتر درین مسابقات بودند کاندید کپ اول شناختند که‌در اول تیم منتخب معارف

باتیم فو تبال پا میر مسابقه را انجام‌داد اما این مسا بقه بین دو تیم مذکور سه روز صورت گرفت که در روز اول هر دوتیم مساوی شدند و در روز دوم به اثر علتی مساوی ماندن ومسابقه برای روز سوم‌موکول گردید ، در روز سوم بازهم این دو تیم ورزیده که‌در جریان مسابقات این تور نمنت خودرا موفق کشیده بودند مقابل شد ند ، درین روز شبحه مسابقه معلوم گردید وتیم

غالب این مسابقه معر فی شد این‌تیم، تیم معارف بود که بعداز سه **دوره مسابقه تیم** پامیر رامغلوب ساخت وبانتیجهٔ‌دومقابل‌صفر مسابقه را به‌نفع خود به پایان رسانید ولی

هنوز هم تیم معارف مستحق کپ اول نشده بود زیراتیم دیگری نیز وجود داشت که‌خود را مستحق کپ اول میدانست و بین تیم

که درفوق نیز ذکر شد تیم اتفاق بود که‌باید باتیم معارف مسابقه میکرد ، این دو مسابقه فاینل راشروع کردند، **این بار نیز هردوتیم**

برای بدست آوردن کپ تلاش میکردند تیم معارف وقتی تیم ورزیده پامیر راشکست داد بازهم مقابل تیم قوی دیگری قرار داشت و

باشدت وتلاش بسیار توانست در دقا یق اخیر مسابقه یعنی سه دقیقه قبل از انجام

مسابقه تیم اتفاق را مغلوب سازدوبانتیجهٔ یك مقابل صفر بازی را به‌نفع خود به پایان رسانید.

اینبار تیم معارف دیگر قهر مان شناخته شده بود وباید کپ اول راحا صل میکرد ، اینطور هم شده وتیم معارف کپ اول را بدست آورد وحالا کپ دوم راباید کدام تیم میگرفت واضح بود که‌تیم اتفاق، زیرا

مسابقات به‌سیستم ناك اوت صورت گر فته بود ودر غیر آن هم بانتیجه یك مقابل‌صفر

تیم معارف شده بود... که به‌این تر تیب تیم اتفاق دراین تورنمنت دوم شنا خته شده وکپ دوم رانصیب گردید.

هردو کپ از طرف‌اعضای تیم‌کلب‌پامیر وسرپرست ریاست المپیك به مستحقین آ ن تسلیم داده‌شد .

کپ های اول ودوم که از طرف کلب‌میزبان (کلب ورزشی پامیر) گذاشته بود تنها برای تیم اول ودوم بود که‌تیم معارف و اتفا ق

آنرا نصیب شدند ولی ریاست تربیه بدنی وزارت معارف کپ سوم را گذاشت تابرای تیم سوم این تورنمنت تقد یم کندو

کاندید تیم سوم ،تیم پامیر آریانا وتاج بود که‌تیم پامیر از گر فتن کپ سو م‌صرف نظر کرده وبه مسابقه حاضر نشد و تیم آریا و تاج باهم مسابقه کردند، که بانتیجه دو مقابل صفر به‌نفع تیم تاج تمام شدو به

این صورت تیم تاج کپ سوم تور نمنت را حایز گردید، که‌ازطرف رئیس‌المپیك پرا ی‌تیم مذکور تسلیم داده شد .

اگر تورنمنت های بعدی دایر گردد، دیگر تیم‌های فوتبال‌که درین تورنمنت شر کت کرده اند میتوانند مقام های اول دوم وسوم‌را

بدست بیاورند وآیاتیم های معارف ، اتفا ق وتاج که درین تورنمنت مقام های اول تا سوم را حایز گردیدند میتوانند مقام ها ی خود را حفظ کنند .

دایر شدن تورنمنت ها برای تیم ها اثر خوب گذاشته وهم تیم میکوشد تادرتورنمنت که شر کت میکرد امتیازی بدست آو رد ه

وکپ راحاصل نماید، واگر تورنمنت ها دایر نگردد ، تیم های ورزشی بایکدیگر مقابل

نشوند بالیاقت وحاصل زحمات تیم ها نشده وتیم ها نمیتوانند بفهمندتاچه‌اندازه‌کوشیده‌اند ودر کدام مقامی قرار دارد.

دایر شدن این تورنمنت از طرف کلب ورزشی پامیر یك عمل نیك بوده واقدام‌شان رابه نظر قدر مینگریم ، زیرا باین عمل‌خود

خواسته است همکاری واتحاد ورزشکاران را بیشتر ساخته ودرراه حر کت پیشروی‌ورزش خدمتی نماید .

امیدواریم درآینده دیگر کلب های‌ورزشی ومقامات ورزش وتیم های معارف تور نمنت های دایر نمایند تابتوانند درحصهٔ خود

خدمتی برای پیشرفت و ترقی سپور ت در کشور انجام دهند ونیز تورنمنت های د یگر غیر از فوتبال ،یعنی والیبال ،با سکتبال

اتلتیك ، بوکس وپهلوانی دایر نموده و ورزش را تنها به‌فوتبال اختصاص ند هند ،

زیرا علا قه وذوق مردم کشور مابه ورزش های مختلف بوده ودر هر نوع آ ن میتوانیم قهر مانانی ورزیده ولایقی به‌سو یهٔ

بین المللی بسازیم تادر پهلوی دیگر ترقیات کشور ورزش کشور خودرا بایك جهش‌تکامل

داده وبه‌جهان معرفی کنیم .

«ب»

چهره‌های ورزشی

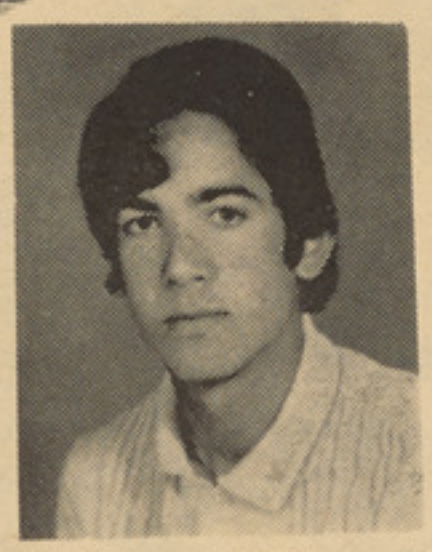

راز محمد رایت اوت تیم فوتبال‌میوند.

متعلم صنف دوازدهم لیسه عالی‌حبیبیه قدش ۱٫۱۸۰ متر وسنش ۱۸ ساله مدت ۲ سال است که فوتبال میکند .

به فو تبا لیست های د ا خل کشور از قبیل سعدالله و محمد اسمعیل وهم به فو تبا لیست ها ی خارجی‌از قبیل بکن بائیر فوتبالیست تیم ملی الما ن وجزرنهو عضو تیم ملی برازیل نیز علا قه دارد. وآرزو دارد روزی عضو تیم ملی‌کشور، شود .

پیغله ـ لیلا نور :

در میان ورزشکاران لیسه ملا لی‌یکی از ورزیده ترین وجدی ترین با ستکبالیست پیغله لیلا نور است. که‌نه‌تنها در و ر زش بلکه در دروس ورویه با دوستان نیزشهرت زیاد دارد. دختر خنده رو وباکرکتر است. در صنف‌دهم لیسه ملالی درس میخواند. ۱۸ سال عمردا شته ومدت ۳ سال است‌که باسکتبال مینماید پیغله نور عقیده دارد که بهترین راه پیشر فت ورزش در میان طبقهٔ نسوا ن روشن شدن ذهنیت مردم است در برابر ورزش.

مردی با نقاب بقه

تااینجای داستان :

گنتر مامور لایق پولیس به‌تعقیب‌سازمان بقه‌ها زندگی‌اش‌راازکف‌داد. الك معاون کمیسر پو لیس‌به‌تشویق دیك گاردو ن به تعقیب مایتلندپیر که‌مردمرموزی‌است‌میپردازد . رای‌بنت جوان‌که‌نزدمایتلند کار میکند، به‌اثر تشویق لولا بسا نواپارتمان لوکس به‌کرایه گرفته می خواهد به‌خدمت خودنزد مایتلند پیرخاتمه دهد وتلاش خواهرش برا ی برای ادامه‌کاراو نزد ماتیلند به‌کدام‌نتیجه نمی رسد واو را ترك میکند دیك ازطرف وزارت خارجه انگلیس‌مامور حفاظت یك سند میشود. اما اسناد از سیف منزل لارد فار میلی‌بطرز اسرار آمیزی به سر قت‌میرود

جواب لارد فار ملی به این‌استدلال استوار بود که او وقتی دروازهٔسیف راباز کرد، در جوار دا خلی سیف یك لکه سفید را دیده است. عین همان لکهٔ سفیدی که آقای الك بر دروازه اپارتمان آقای برود دیده‌بود برای یك آدم غیر متخصص تا ممکن بوده بفهمد که سیف‌چگونه باز شده است الك تر تیب کار سارق را اینطور بیان داشت :« آنها نخست دستگیره را بیرون آورده و آنگاه قادر شده‌اندتاقفل را بااستفاده‌ازیك ماده منفجره مؤثر طوری خراب‌کنند که هیچکس در منزل صدای آنرا نشنود .»

الکك عقیده اشرا اینطور بیان‌کرد «غالبا آنها ازیك و سیله صدا خنه‌کن کار گرفته اند ، من باز هم تکرار میکنم که در دنیا صرف دو نفر میتواند از قدرت این عمل بدرشود.

– « واین دو نفر کی خواهند بود».

– « هاری لیم جوان یکی ازین دونفر است . اما او سالها پیش‌مرده است . و نفر دو می ساول موریس میباشد که او هم مرده است .»

لارد فارملی با هیجان فوق العاده اظهار داشت :

–« اما چون این کار به یقین از طرف مرده‌هاصورت‌نگرفته، بناءباید مشوره داد که به‌یك نفر سومی هم فکر کنید .

الك به آهستگی سرش‌راجنبا نده باخود گفت: «یقیناً یك نفر سو می هم وجود دارد که زرنگترین تما م اعضای باند باید باشد .» و آنگاه باصدای بلندترعقیده‌اش را بیان‌کرد من این تمام‌اعضای‌شامل‌درین‌دسته‌را می شناسم . وال کرمون، جورج، راته بیلی هارپ، ایك ویلچو، فیسن، مورو من حاضرم قسم بخورم که‌این کار هیچکدام آنها نیست جلا لتمابا! این کار یك استاد است . کار یك استاد بزرگ است که امروزه‌روز به ندرت با چنین اشخاص برمیخوریم.»

لارد فار ملی که‌تا ایندم بانهایت حوصله مندی به حماسهٔ الك گوش داده بود، از اتاق کار بیرون رفته این دو نفر را تنها گذاشت. الك

(بقیه در صفحه ۵۱)

حادثه در نیمه شب

ترجمهٔ: ز. سدید

برید درحالیکه آوازش رابلند میکرد روبه جوزف کرده وگفت :

ـآیا زخمی شده ای؟ نمیتوانی‌که‌ایستاده شوی ؟

آهسته آهسته جوزف خودرا تکان داده و درموقعیت قرارگرفت که مابه آن حالت‌نشسته نام مید هیم زانو هایش رابلند کرده‌و با زویش راخم نمود بعد بدنش راروی پاهایش به آهستگی بلند کرده ودرحالیکه دردطاقت فرسای سراسربدنش رابه لرزه درآورده بودقدم برداشت . امااین قدم برداشتنش بافریاد جانکاهی همراه‌بودوباعث گردیدکه جوزف به یکسو متمایل گردد .

برید فورد گفت .

ـ عجله کن‌لی . هرگدام زیر بغل جوزف رابگیریم . شاید بتوانیم بدین ترتیب اورا به‌اتاق خوابش درطبقه بالائی برسانیم .

هردو یکجایی زیر بغل های‌جوزف‌درآمده‌و شروع به پیشروی سوی‌گراج نمودند. درآنجا اطاق جوزف واقع گردیده بود. جوزف به سنگینی هرچه تما متر روی لی افتیده و بازویش راروی شانه اوگذاشته بود .

بعدازهرجان کندنی که بودآنها جوزف را به تخت خوابش رسانیدند . جوزف درحالیکه چشمان دریده‌اش متوجه آندوبودبه پشت روی بسترش افتید .

بریدفورد درحالیکه به‌شدت تنفس میکرد گفت :

ـ چطور هستی رفیق ؟

جوزف‌جواب سوال اورانداد . تنها سوی اونظر انداخت. آن‌دشمنی وخصومت‌حالاطوری معلوم میگردید که تنها وتنهامتوجه‌بریدفورد گردیده باشد . واطاق طوری معلوم میگردید که ازدشمنی وعداوت قابل لمس پر گردیده باشد .

بریدفورد سوی ساعت دستی اش نظر انداخت وگفت :

ـآه، خدای من. قطارآهن . آیاتو میفهمی که ساعت چند است ؟

لی درحالیکه غمگین معلوم میگردیدگفت :

ـ آه ، برید. خیلی ناوقت گردیده. آیا هنوزهم فکرنمیکنی که بتوانیم به آن برسیم .

برید گفت :

ـ اگر عجله کنیم چرانی . من بخانه‌جهت گرفتن نکتایی وجا کتم میروم وترادر نزدیک دروازه خرو جی میبینم .

لی گفت :

ـ من از این واقعه آقای بیکس،کسیرا که مسئولیت وو ظیفه برایش امر حیاتی دارد خبر خواهم کر د تا از جوزف پرستاری ومواظبت نماید.

بر ید فورد گفت :

ـ بسیار خوب . اما عجله کن.

لی از قضیه به آقای بیکس چیزهای‌گفته وموترش را در وقت معین بحرکت‌در آورد تا برید فورد را در نزدیک دروازه خروجی باخود بر دارد. لی موتر ران لایقی بود.هیچ وقت اجازه نمیداد در حالیکه مشغول‌راندن بود بجز از موتر رانی بچیز دیگری متوجه گردد . واین تمرکز اعصاب مخصوصاهنگامی به اوجش میرسید که تسنگی و فشردگی زمان دربین می بود لزا هنگامی که‌آنهاازبین قریه میگذشتند وبه شاهراه‌که سوی‌ایستگاه قطار آهن ادامه داشت داخل میشدند حتی یك کلمه باهم صحبت نکردند.

آنها به ایستگاه قطار آهن رسیدند.موتر را در جای متوقف کرده وسوی قطار آهن دویدند. دراین لحظه پنج د قیقه دیگربه حرکت قطار آهن باقی مانده بود. آنهاسوی یکدیگر لبخند زدند . برید فورد گفت:

ـ تو باید برای رانندگی خوبت جایزه بگیری .

بعد لبخندش جای خودرا به یك تاثر وغمگینی زیاده از حدی تعویض کرد. برید فورد گفت :

ـ این بعد از ظهر طوری که من پلان گذاری کرده بودم نگذشت .

لی پرسید :

ـ تو چطور آنراپلان‌گذاری کرده بودی؟

برید فورد گفت :

ـ من بکلی متیقن هستم که افتیدن جوزف ازآن بالاروی هدف بخصوصی استوار بوده واواین کار را قصداً انجام داده‌است.درهمان لحظه که میخواستم ازآن رازپرده بردارم او سقوط کرد. خوب . هنوزهم وقت داریم . چیزی راکه باید بتوبگویم عبارت ازازدواج بانواست .

اواین کلمات رادریك نفس گفته وبصفت یك بیانیه عادی به لی گوشزد کرد . لی سوی اونظرانداخت . برید فورد متقابلا لی رازیر نظرگرفت . صورت برید فورد که در این لحظه فاقد هرنوع لبخندی بود فشرده گردیده وانسان نمی توانست که قصد باطنی اش را ازمطالعه صورتش بخواند . برای اینکه سیمایش تهی بودازهرنوع عکس العملی .

لی به ملایمی گفت :

ـ خوب حالاتوازمن پرسیده ای . همین‌طور نیست ؟

برید‌فودر دوباره خندیده گفت :

ـ فکر میکنم که این کار راکرده‌باشم.همین طور نیست؟ اما ا ین طریق نبود که‌من تصمیم داشتم . متوقع بودم‌که اگر می توانستم بخواسته‌ام تایك اندازه شکل رومانتیك داده ودریك فضای شاعرانه به توابرازش دارم .

بصورت غیر مترقبه آنها به اطراف خود نظردوختند تابیبینندکه کس دیگری درایستگاه قطار آهن آندورازیر نظردارد ویابه سخنان شان گوش میدهد یانه؟ برید فودر عادت نداشت ازاین مسایل که زیادتر به ابراز احساسات درونی ویاهیجانی ارتباط میگیرد در محضرعام سخن بزند .

برید فورد گفت :

ـ خوب حالاکه من ازتو پرسیدم جوابت چه است ؟

لی بخیره نگریستنش سوی برید فورد ادامه داد. میخواست چیزی را در لابلای‌آن صورت متبسم وآن چشمان نافذ پیدا نماید .

بعد گفت :

ـ فکر میکنم که نمیتوانم در این باره همین حالاجواب بگویم . من میخواهم باآنتی صحبت نمایم .

برید فورد گفت :

ـ لطفا این‌کاررا بکن . لطفااین کارابکن. اگر باآنتی صحبت کنی‌وبااگر بخواهی‌به‌کمك آنتی به‌این خواسته جامه عمل بپوشانی تاابد خوبی ات رافراموش نمیکنم .

لی گفت :

ـ حتمااین کارا میکنم .

برید فورد پرسید :

ـ تومیتوانی که به این سوالم فردا جوابی دست وپانمایی ؟

آواز سوت قطارآهن‌که درحال‌نزدیك‌شدن به‌ایستگاه بودازفاصله نزدیکی بگوش میرسید.

لی گفت :

ـ نمیدانم . فقط همین حالانمیدانم .

لی بابی حو صلگی فوق‌العادهٔ باخودش میگفت :

ـ آه، ماانسانها چرانمیتوانیم که عکس‌العمل های هیجانی خود را کنترول نمائیم؟ چرامن نمیتوانم احساسی راکه باید سوی برید فورد کشانیده شوم درخود سراغ نمایم ؟

برید فورد گفت :

ـلطفا مرازیادتردرانتظار نگذارلی . تاوقتی که جواب مثبت ترابشنوم درعذاب کشندهٔ بسر خواهم برد .

قطارآهن درداخل ایستگاه مانند کرمی خزید وباعث گردیدکه آنها سخنان یکدیگر را نشنوند . برید داخل قطارآهن گردیده وبکس دستی‌اش راجهت خداحافظی بلند کرد .

درآنشب لی ازپیشنهاد برید فورد به‌آنتی چیزی نگفت : نمیدانست‌که چرانمیخواهد از موضوع ، آنتی را آگاه سازد.اومیخواست‌که این رازرابرای چندی فراموش نماید ویا مخفی دارد وازآن به‌کسی چیزی نگوید .

لی برای باردیگر شبی رادر بیدار خوابی گذرانید . درقدم اول آواز پمپ آبی که از منزل زیرین قصربرمیخاست خواب رااز او فراری داده بود . البته حالااین آواز باعث ترس ووحشت اونمیگردید . اومیدانست که آواز مذکو ازکجا می آید وازچه چیزی منشاء میگیرد . لی ازبسترش برخاست وسوی پنجره رفت درآنجا منتظر ماند تاویلسون کارش را تمام نماید . اوچوکی رانزدیك خود کشیده وروی آن درحالیکه به نورافشانی مهتاب خیره شده بود نشست . وشروع به فکرکردن در بارهٔ آینده‌اش نمود .

اگراوبابرید فورد ازدواج میکرد آیا آنها میتوانستند که بعدازمرگ آنتی به زندگی در قصرادامه بدهند ؟ این یك سوال قابل پرسش بود وجواب میخواست . بریدطوری تظاهر میکرد که ازبودن وزندگی کردن در قصرراضی است مگراو طریقه جدیدی رابرای وارسی از اموراداری ومالی قصر به ویلسون گوشزد نکرده بود؟ آیااورابطه حسنه بادیونپورت ، ایزابل ودیگر اعضای قصر نداشت ؟

این طرز تفکرالبته‌که قابل کنجکاوی ودقت بودوباید واضح میگردید که چراتمام این افکار همین حالابه دماغ اوخطورکرده وهجوم آورده است. اوتاحال باحقیقت به‌معنی وسیع‌کلمه‌اش روبرونگردیده بود. اصلادراین باره فکر نکرده بودکه روزی خواهد رسید که اوفرمانروای قصرویورلی گردد. چیزی‌که اودراولین شب اقامتش به آنتی گفته بودتااندازهٔ کمی صحت داشت . او درباره قصربدون‌آنتی فکرنکرده بود. اماابن فکرنکردن بعدازآن بعداز ظهرکه آنها به قبرستان اکو ودرافتندبه‌اودست‌داده بود. واین فکرکردن ازحقیقتی سر چشمه‌گرفته بودکه او نمیتواندبعد ازین در باره مردن‌واز بین رفتن ویافناشدن آنتی برشکست خود اعتراف نکند . اومجبوراست که این حقیقت راقبولدار شود . حقیقتی‌که روزی وارث حقیقی قصرخواهد بودوآنتی زیرخاکهای سیاه قبرستان اکوود خواهد خفت

اینکه اوبه تنهایی خودش تا چه اندازه میخواست که در قصرزندگی کند سوالی بود که هرگز در باره‌اش فکر نکرده‌وبه‌آن روبرو نگردیده بود .

آوازی که ازپمپ آب درزیرزمین قصر به همان زودی که‌شروع شده بودقطع گردید . لی ازپنجرهٔ اطاقش سوی پائین نظردوخت در اولین نگاه ویلسون رامشاهده نمود که اززیر سایه درختی ظاهرگردیده وازصحن چمن گذشت .

بقیه در صفحه ٤٨

آداب معا شر ت

چگونه از هدیه دهنده تشکر کنیم

وقتی کسی هد یه ای برای شما می‌آورد ادب حم میکند که در برابر خودش هدیه را باز کرده وباشادی وشعف از او تشکر کنید. حتی اگر هدیه را زباد جالب هم ندانید .

وقتی در میان گروهی از مهمانان فقط چند نفر برا یتان هدیه‌می‌آورند هروقت مهما نی برای تان گـل می آورد بلا فاصله بعد از تشکر از خد متکار خود بخوا هید که گلها را درآب بگـذارد. بهـر حال کار ناپسندی است اگر گلها مدتی بـه حال خود در گو شه ای افتاده‌باشند ووقتی پژمرده شدند به سراغ شان

به‌خاطر بسپا رید که هر بسته را چه کسی برای تان آورده است بعد بسته را گو شه ای بگذا رید ودر خلوت از هد یه دهنده تشکر کنید تاکسا نیکه هد یه نـیـاورده انـد احساس نا راحتی نکنند.

معمولا به و سیلهٔ نامه ازدریافت هدیه تشکر میکنند ولی از اقـوام خیلی نزدیك یا دو ستان صیمی به وسیلهٔ تیلفون‌هم میتوان تشکر کرد برو ید.

این نکتهٔ مهم را به خاطر داشته باشید:

معمو لا کسی برای شخصی کـه روابط نزدیکی باهم ندارنـد گـل نمیبرد. مگر در صور تیکه بیما ر باشد ویا مؤ فقیتی کسب کرده‌باشد (مثلا در کنکور، مسا بقات مختلف وغیره...)

ملالی هما (فضلیار)

مترجم: محمد حکیم نا هض

طفل شما

سراقبت از طفل

بطور معمول منا سبت تر ین‌وقت غسـل دادن طـفل درماه های اول تولدش سا عت ده قبل از ظهـر میباشـد ، مگـر بصورت عموم شستشوی طفل قبل از هر غذاباید صورت گیرد زیرا طبعا آرزو دا رید تابعد از تغذ یه بخوا بد. هر گا ه طفل بزر گتر شده و هنوز هم بعد از صرف غذای شب برای‌چند لحظه بیدار می ما نند بهتر است تا بعد از غذا غسل داده شود مخصو صاکه طفل برای صرف غذای شب خویش گر سنه می شود. باید بخا طـر داشت که حین شستن طفل هو ای اطاق یا تشناب بطور مناسب گر م باشد.

گرچه عادتا طفل همه روزه بقسم مکمل (همراه اسفنج) شستشوشود امابش از یکی دوبـار درهفـته در

بقیه در صفحه ۴۹

پخت و پز :

ژلا تین انار

ابتدا آب سه دانه انار بزرگ را بکشید واز صافی پاك خارج کنید ودر ظرفی بر یز یـد و روی آتش قرار دهید. هنگا میکه جـوش آمد

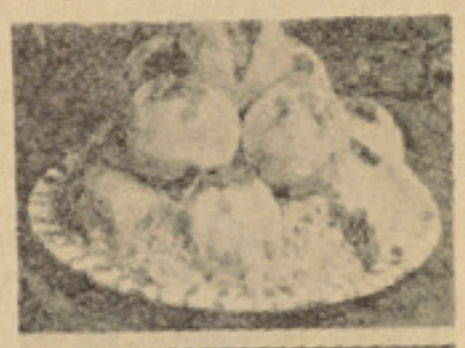

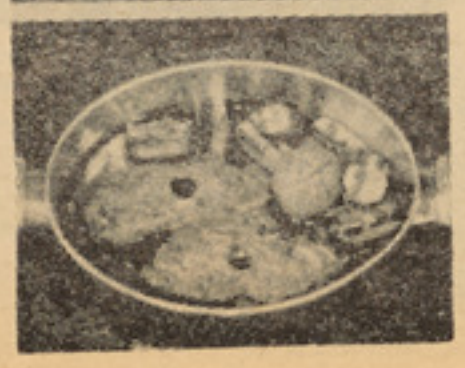

مردان زنان را می شنا سند ولی زنان را جز زنان نمی شنا سند.

«؟»

• • •

زیبایی بهترین سفار شی نا مه ایست که ممکن است زنی دا شته باشد.

«ارسطو»

رشد و تربیه کودك

طفل نوزاد بسیاری او قات رادر خواب سپری می کند. در بید ا ری برای نو شیدن شیر مشکلاتی‌خواهد داشت. دماغ نو زاد چون نمونه یك جوان است، و لی ر شته های‌اعصاب کاملا تکمیل نگردیده اند. وی فکر کرده نمیتوا ند، و فقط حس کر ده میتواند او خود را با گر یه حما یه می کند. زما نیکه وی گر سنه،سرد و تر شود ویا تهـدید و نا را حت گردد، این گریـه اتو ما تیك است که چگونه ر شد استخوا نهای‌ایشان نسبت به بچه ها پیشتر صو ر ت می گیرد. بچه ها در زمان تو لـد وزن‌بیشتر دارندو نسبت‌به دختران ده‌سال بلندتر به‌نظر میـر سنـد . بعد از آن در چند سال دختران ، هم از نگاه وزن وهـم از نگاه قـد جلو تر می شوند.

زما نیکه طفل سه و یا چهار ماه دارد، شبکه عصـب دماغ، بطـور مؤثری با گروپ های عضله مختلف

بخصو ص در آوان روز ها وهفـته های اول تو لد ش، ما درش با ید به گر یه اش جواب بد هد، زیرا این یگانه و سیلهٔ تفهیم می باشد.

ازنگاه بیا لوژیکی هنگام تو لد، دختران پیشقدم‌اند، زیرا دربسیاری ساحات نسبت به بچه ها بز و د ی انکشاف می یا بند. دنـدانهای شان زودتر ظاهر میگر دد اور گانـها ی وجود شان زودتر جوان میشو نـد مطالعات اشعهٔ اکس نشان مید هد وصل میگردد. از آن به بعد عمـل داو طلبا نه امکان پذیر میگردد.طفل قادر است تابخنددو ودش راحرکت دهد.

او با دیدن پستان و یا بـو تل شیر دهنش را باز می کند. هرگاه ما درش و قت غذا یش رافراموش کند، می کو شد تا اورا بفهما ند . اکنون وی غذای نرم نـیـز خورده میتواند. در دوران سه ماه دوم‌رشد طفل بطور عجیبی به نظر میرسد.

بقیه در صفحه ٤٩

مود

اینهم دونمونه لباسهای تازه‌خزانی که‌برای شما انتخاب گردیده است

دځوانانو ژوندون

چگونه میتوانیم از عصبانیت های بیمورد جلوگیری کنیم ؟

در خشمگین شدن انگیزه های دیگری نیز ذید خل است مثل کسا نیکه نمی توانند چنانکه شاید وبایدبامردم بسازند،ومعاشرت کنند، زود زود عصبانی میشوند ویا ممکن است بعضی ها ازآن جهت عصبانیت نشان بدهند که آرزو ندارند مو ضوعی راکه آنها نمیخواهند بالا شود مورد بحث ومشاجره اعضای مجلس قرار می گیرد .

خشمگین شدن و عصبانیت ها هر علت وهر انگیزه که داشته باشد در اکثر حالات بهضرر ماتمام میشود . ما همیشه نمیتوانیم تاآنچه را خواسته باشیم از این طریق بدست آریم ،چه از طریق خشم نه میتوانم موضوعی رابه نفع خود بچر خانیم ونهقادر خواهیم بود شخص طرف مقابل را از راه عصبانیت و تند مزاجی مجبور بگردانیم به خواسته ما تن در دهد. بلکه بر عکس باخلق خوش وپیش آمد پسندیده بیشتر میتوانیم تادلها را بدست آریم وآسان تر به هدف بر سیم .

یك ضرر عمدهٔ دیگر عصبانیت این است که در وقت خشم چون تحت تاثیر هیجان در می آئیم در بارهٔ گفتار واعمال خودکمتر میتوانیم فکر کنیم و همین نتیجهعدم اندیشه به گفته وکرده ممکن است سبب شودکهیك دوست صمیمی خودرا از دست بدهیم.

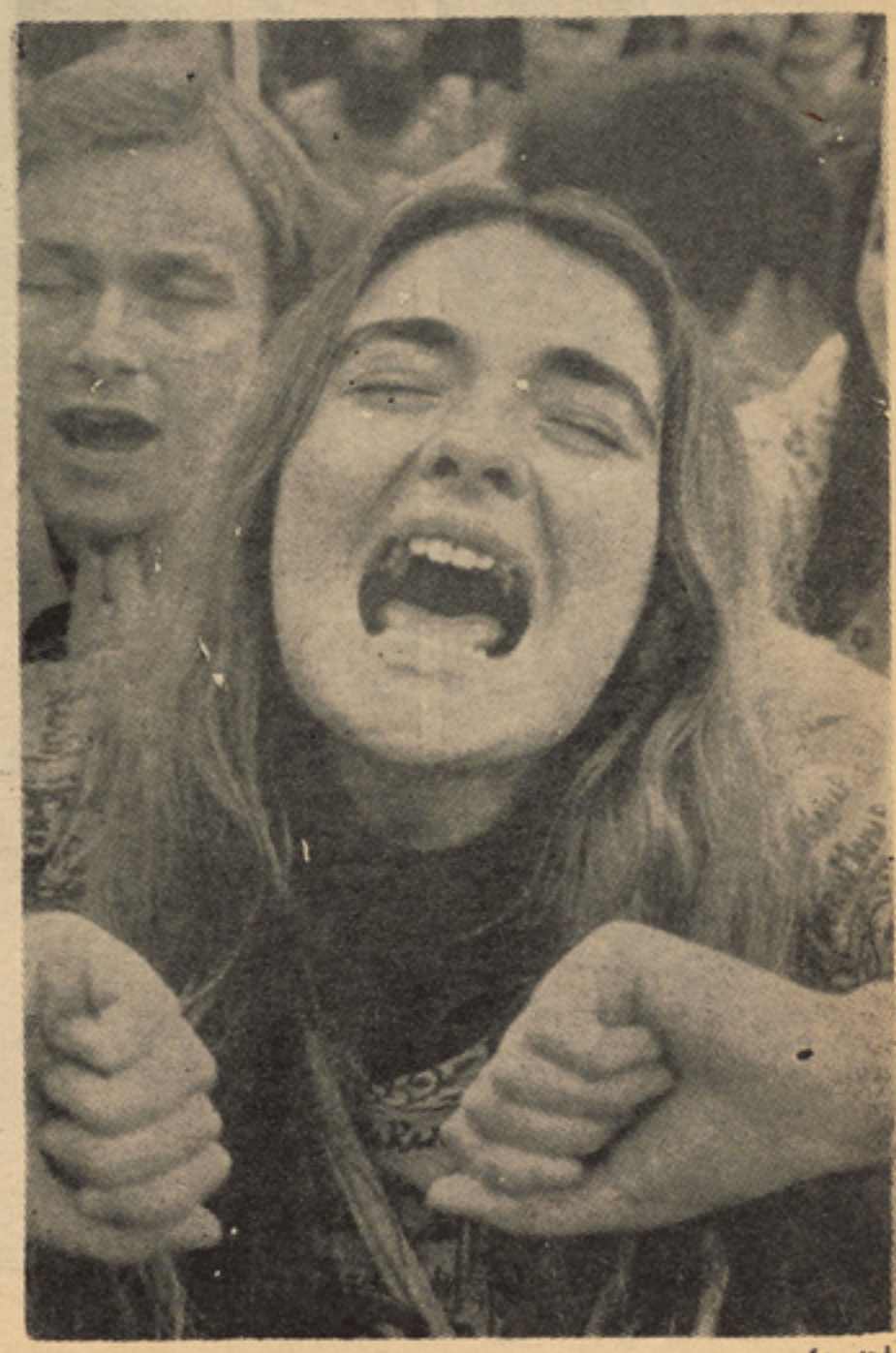

در هنگام عصبا نیت ممکن است کلمات وجملاتی را بر زبان بیاریم که زشت ونا پسند باشد برزبان آوردن چنین کلمات انسان را درنظر دیگران کوچك وحقیر نشان میدهد. وبرحیثیت اجتماعی اش لطمه واردمیکند.

اینکه بعضی ها معتقد اند که خشم و عصبانیت تحت کنترول انسان نبوده و ما در برابر تبارزان بیچاره هستیم آنقدر درست نیست . مامیتوانیم هیجانات ناپسند وناگوار رابشمول عصبانیت و خشم مهار کنیم وجلو آنرا در دست بگیریم . ماباید عمیقانه فکر کنیم کهکدام حالات و چهانگیزه های بیشتر مارابه قهر می کشاند . آیادر وقت بحث ومناقشه بادوستان خود خشمگین میشو یم ؟ آیادر حین یك بازی عصبانی میگردیم ؟ ویا اینکه بذلگویی ومزاح رفقا و آشنایان ما را خشمگین میسازد ؟ ماباید همهٔ این حا لا ت رادرك کنیم ودر بارهٔ همه آن تعمق لا ز مه بنماییم . مابایدبه خود اجازه ند هیم که از گفتار مادیگر ان بر نجند و خود ما نیزبصورت غیر مستقیم از دست خود متضرر شویم.

همچنان ماباید متو جه باشیم که همیشه خشم خودرا همینکه ظاهر میشود در جا یی خالی کنیم کهکسی آنجا نباشد ماوقتی درجمع دوستان قرار داشت و خشمگین میشویم باید آنجارا ترك کنیم و تاچند لحظه دربارهٔ علت وانگیزه ایکه مارا به آن حال کشانیده است فکر کنیم . ویا اینکه بصورت فو ری ذهن خودرا بهیك کار دیگر ویایك اندیشه دیگر مصروف بسازیم . مانباید همیشه به صورت آنی وفوری در برابر پیش آمد ها عکس العمل نشان بدهیم . بسا اتفاق میافتد کهدرهنگام خشم بهدوست خود ویا بیکی از اقارب خود مکتوبی مینویسیم ویکی چند ساعت بعد از فرستادنش پشیمان میشو یم تمام کردار واعمال وگفتار مادر هنگام خشمو عصبانیت همین نتیجه را دارد اما بر عکس لحظهٔ تفکر واندیشه درباره علت و عصبانیت وخشم در بسا حالات از و قوع حوادثسو و ناگوار جلو گیری میکند.

درد دل جوانان

اگر بپرسید بهترین زندگی کدام است ؟ مسلما خواهید گفت زندگی آرام و گر م خانوادگی .

ـبلی زندگی آرام خانوادگی بزرگتر ین ودیعهٔ خداوند ی برای مردم محسوب میشود واین کانون گرم وپرسعادت خانوادگی است کهبر انسان جرئت کار وعمل را درراه بهبود زندگی بهانسان میبخشد.

اما متا سفا نه دیده شدهاست کهبعضیاز خانوادها این خوشبختی راندارند و زندگی آنها آنطوریکه انتظار دارند به مرام دل آنها نیست البته ماکه ازخانواده حرف میز نیم مرام ما تنها ازیك فرد خانواده نبوده بلکه تمام افراد خانواده رادر برمیگردد.

خانوادهٔ ماآنقدر بزرگ نیست پدرم بحیث رئیس خانواده ، مادرم ودوخواهرم ومن که بیست سالدارم بحیث عضو خا نوادهٔخویش هستیم.

من دربیست یك سالگی تعلیمات عا لیخود را درپوهنتونکابل بهپایانرسانیدمواکنون مدت دوسال است که مشغول کار دریکی از وزارت خانه هامیباشم .

وتا هنوز ازدواج نکرده ام و سبب آنهم وضع نامساعد اقتصادی خانوادهٔ ماست.

شمامیدانید معاشیكماموریکه صرفدوسا ل کارکرده باشد وکدام اندوخته دیگری هم نداشته باشد، از دواج برایش چقدر مشکل خواهد بود والبته باخرج های که که امروز برای عروسی ها میتراشند . امادرد دل من درد ازدواج خودم نیست بلکه درد دیگراست وآن درد از ازدواج نابهنگامپدرم است.

قبلا گفته ام که خانواده مااز مادرم ودو خواهرم کههر کدام آنها درصنف یازد هم و دوازدهم یکی ازلیسه های نسوان مشغو ل تحصیل اند وخودم دوسال است مشغول کار میباشم وپدرم دریك شرکت بصفت ما مو ر اجرای وظیفه مینمایدمیباشد.

بلی باوجود یکه پنجاه سال از عمر پدرم میگذرد ووضع اقتصاد خانوادهٔ ماهم چندا ن رضایت بخش نیست او عاشق دختری شدهکه هم سن وسال دختر دوم اش میباشد . او باوجود مشکلات خانوادگی ماازدواج کردوبااین ازدواج نابهنگام خویش کانون خانواد گیمارا از هم پاشید.

من نمیگویم کهچرا پدرم زنی دیگر گرفت بلکه انتقاد من اینست که چراپدرم مو جود دیگری را شریك بدبختی های خویشساخت کههم زندگی ماراوهم زندگی آن دختر بیچاره راقربان هوی وهوس های خود نماید .

این نامه رابرای آن نوشتم تاشما بانشر آن برای آن پدرانیکه که میخواهند ز ندگی آرام خانوادگی خویش رابازیچه دست هواو هوسهای خود قرار میدهند درسی باشد تا خدابخواهد کهاز همچو اعمال خویش جد ا خود داری نمایند.

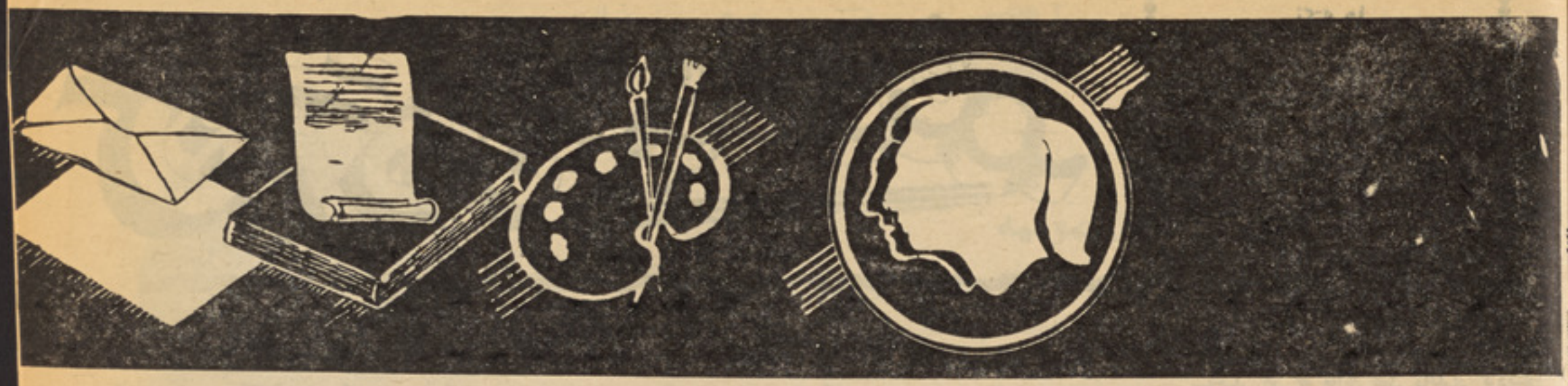

نامه‌های رسیده

پیغله جمیله از کارتهٔ سه :

شعر دلنواز ارسالتی شما رسید حقیقتا شهکار قیمت داری بود که بادل ها سروکار داشت. سرودی بود که ازفضای پالاوبی‌آلایش معنوی سر چشمه گر فته بود. حقیقتاتکان دهنده بود. ولی خواهر عزیز ایـن ادعای شما که این نغمه ملکوتی زاده طبع سرشار شماست قدری مبالغه‌آمیز محسوب‌میشودزیرا قبلا این سرود آسمانی در جراید مرکزحتی درژوندون نشر شده وشاعر آن آنقدرمعروف وسر شناس است که لازم ندیدیم‌آنرا تذکر بدهیم امید است به همین قدر تذکراکتفاء کنید

• • •

شاغلی صلاح‌الدین از مکتب‌صنایع کابل:

خوب فهمیدید دنیای نو محتاج زندگی‌نو مفکورهٔ وایده‌نواست بلی نسل،نونسل‌است که احتیاج بشر درزندگی را دانسته وبـا آزادی میلانی‌بیشتری دارد واز بردگی‌وغلامی بیزار است واینکه نوشته ایدجمهوری‌ورژیم آن یگانه عاملَ سعادت دنیای امروز است‌که درپرتو برادری ویگانگی آن میتوان به آمال حقیقی خود رسید

برادر : کنو ن از دنیای کهن به جهان جدید قدم گذاشته ایم و اکنون که رژیـم جمهوریت درکشور ما استوار و محکم است وظیفه همگان و مخصو صا طبقه جوان‌است که آنرا بازندگی و حیات خـود حفظ کنـیم وخود را شایسته این نظام مترقی گردانیم.

• • •

شاغلی محمد امین از لیسه جامی :
نامه شما به اداره مجله رسید ازهمکاریتان تشکر اما هر قدر کوشش کردیم نفهمیدیم که مو ضوع از چه‌قرار است‌لطفاً بعدازین اگر نامهٔ میفر ستید مطـلب را واضح تـر بنو سید .

چارلز برونسون

بدشکل ترین هنرمند جهان سینما که۵۳ سال از عمرش می گذرد بهیچوجه ، مانند نقش های آدم خشن وکینه توز نمی باشد. اودرسال جاری چند هفته از رخصتی خودرا با همسر جوان و قشنگش بنام جیل‌ایرلاند درکان سپری کرد
چارلز د ر ز ندگی خانوادگی بصفت‌یك‌شوهر باتوجه وپدر مهر بان توانست نقش خودرا به درستی ایفا کند
زن وشوهر برو نسون کو چکترین طفل‌شانرا باخود درین مسافرت همراه دارند.
(در تصویر دیده میشود) ایـن ششمین‌فرزند شان میـباشد پنـج اولاد دگر شان (سه ازچارلز و دوطفل دگر از ازدواج‌جیل) درلاس انجلس باقی ماندند .
جیل ۲۰ سال از شوهرش جوانتر است‌تقریبا در هرفلم برو نسون‌با علاقه‌وشیفتگی خاص بازی میکند

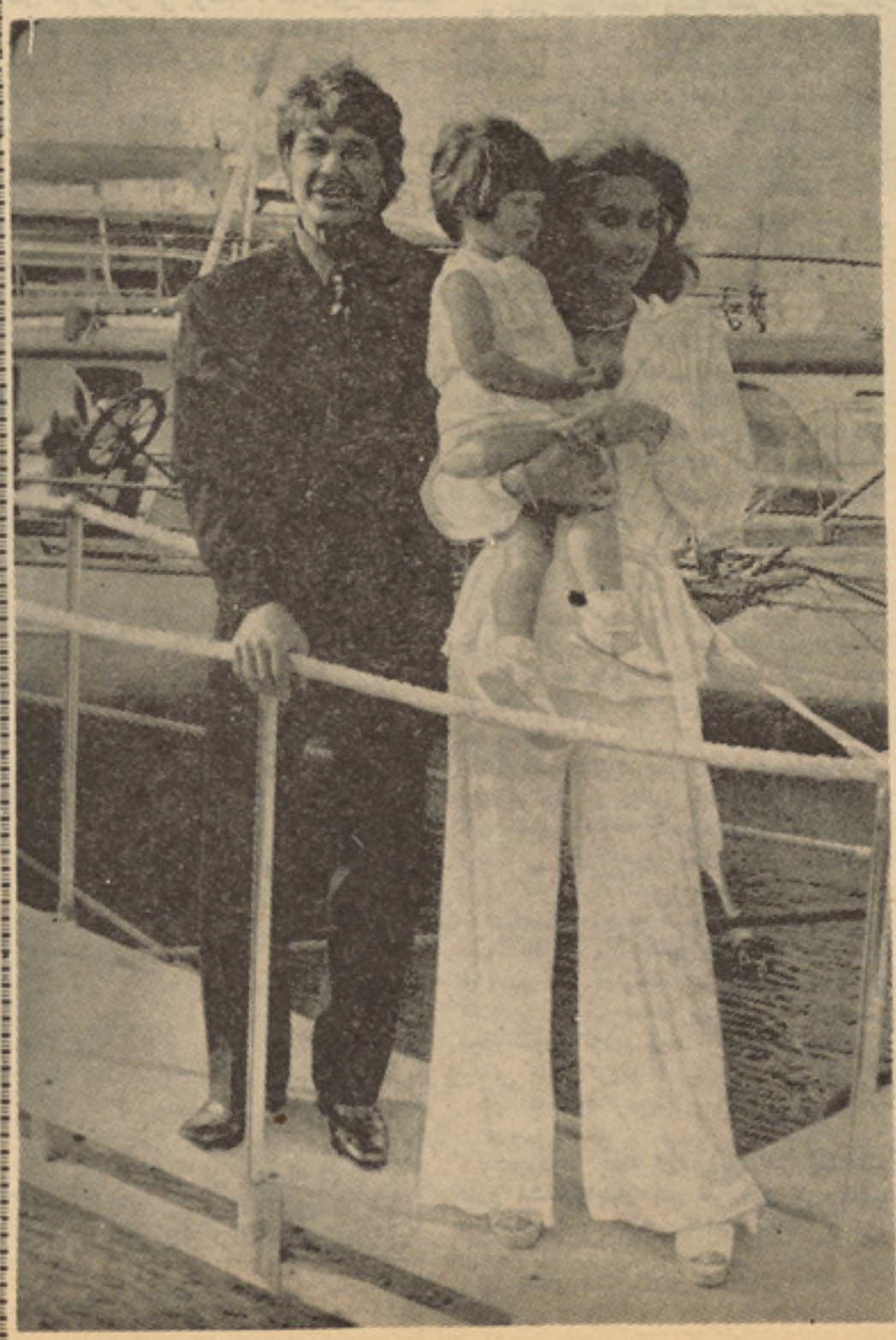

شا گر دان‌صمتاز

نام : نادیه عظیم «زیبی»
صنف: یازدهم لیسه رابعه بلخی .
سن : ۱۶ ساله .
درجه: اول نمبر ازصنف اول تابه‌صنف یازدهم
علاقمند: به مطالعه آثار وآبدات‌تاریخی.
آرزو: میخواهم در آینده (باستا نشناس شوم.)

نام : غلام حبیب (غوثی خطیبی)
صنف: هفت لیسه محمودطرزی .
سن: ۱۳ ساله.
درجه: اول نمبر عمومی .
علا قمند : به ساینس .
آرزو : میخواهم در آینده انجنیر شوم.

گذرگاه تبسم

نکته ها

• بوسه پلی است میان دوقلب.
• صدای بوسه مانند توپ بلند نیست ولی اثر آن زیاد تر است .

• بزرگترین خاطره هر مرد وزنی‌اولین بوسه شان است

«فرستنده: م ،ق صاعد»

فانتیزی وطنی :

آغاجان...!چه گفت؟!

نوشته : جلال نورانی

بعضی اشخاص عادت های خرابی دا رند که کارهایی میکنند که آدم عصبانی میشود، هر قدر طرف شان سیل کنی و چشمت رابکشی ویابشکل دیگری بخواهی اورا متو جه عادت بدشان بسازی خودرابدر بیخبری‌میزنندوهیچ بروی مبارك خود نمیاو رند و اصلاح هم نمیشوند. به عزیز گفتم :

ـیکنفر درسینماپهلویم نشسته بود ، وقتی که‌فلم شروع شد اوبدون اینکه با من شناسایی قبلی داشته باشد بعداز هر جمله ای که آرتیست فلم ادامیکرد رویش رابطرف من کرده می‌پرسید:

ـ بیادر ... چه‌گفت ؟؟

من اجل گرفته یك جمله رابرایش تر جمه کردم ودر بلا ماندم ،آنهم چه‌ترجمه ای ... باید عرض کنم که مخلص ازبس فلم هندی دیده ام حالا جملات فلم رابخوبی میتوانم بفهم،بطور مثال میدانم که (می‌تم‌سی پیار کر تاهو) یعنی که من ترا دوست دارم،این جمله را در صد هافلم هندی بچه فلم به‌دختر فلم گفته است ودختر فلم انگشتش رازیرزنخ گرفته نازکرده است. بهر حال وقتی که‌یك جمله رابه پهلو فیل سینمایی خود تر جمه کردم ،دیگر به‌خدا باو گرفتار شدم ز یرا انتظار داشت سراسر فلم رابرایش تر جمه کنم، عجیب‌تر اینکه معنی حرکات آ ر تیست هارا هم از من می پرسید ، مثلاوقتی‌که‌بچه‌فلم باهفت هشت نفر (بدماش) رو برو میشد و آنهارا لت‌وکوب میکرد رفیق پهلویی من می‌پرسید :

ـبیادر ... چرا اینهاره می‌زنه ؟

حال خود فکر کنید که من چگونه میتوانستم هرجملهٔ فلم راترجمه کنم ومعنی هر حرکت آرتیست هارا برای او تشریح نمایم، چند بار گوشم رابکری زدم ولی حریف دست‌بردار نبود باآرنج به‌قبرغه هایم زده‌میگفت:

ـاو آدم دگه کیس ؟

ـ اوزن چرا میدوه ..؟

ـچرا همرای سیلی برویش زد ..؟

ـ بچه فلم چرا ازپشت د ختر فلم میدوه .. ؟

آخر گفتم :

ـ بیادر جان بخدا وبسر شیرین وجنتی‌مالا قسم که‌مخلص این فلم را نسا خته ام و فلمبرداری نکرده ام تامعنی هر حرکت معنی دار وبی معنی آرتیست های آنرا بدانم‌وگرنه برایت میگفتم که‌چرا بچه فلم مفلر سرخ بگردن بسته ودختر فلم از مفلراوگرفته اورا ازعقب خود می کشد، من‌چه میدانم؟

من‌ناچار بعداز تفریح جای خودرا عو ض کردم تااز شرح دادن فلم برای آن آدم‌شله خلاص‌شوم . عزیز خندیده گفت:

ـخی ای قیمه ره گوش کوکه‌شیرینتراس..

یك روز همراه امان ومتین ویك دوست دیگر مابه سینما آریانا رفته بودیم، یك فلم اروپایی یاشاید هم امریکایی بود، ولی فلم دوبله شده‌بود وجملات آن فهمیده‌میشد، در ردیف پشت سر مادونفردیگرنشسته‌بودند که‌خیلی گپ میزدند .بمجرد یکه آرتیست‌فلم جمله ای را ادا میکرد، البته آنهم بفارسی، یکی ازآن دونفر فورا جمله مذکور رادوباره ازدری بدری ترجمه میکرد ، عجیب اینکه رفیق پهلویی او گویی گپ های دری‌آرتیست را نمی فهمد مانع ترجمه کردن رفیق خود نمیشد، امامحرف زدن آنها وترجمه کردن آن شخص مارابکلی معذب‌ساخته بودبطوریکه‌بکلی اخلال شده دیالوك فلم رانمی فهمیدیم‌چندبار من وهرکدام از رفقای مابه عقب نگاه‌کردیم تاآن شخص متوجه اشتباه خودشده ازترجمه کردن بی مورد وحرف زدن درمیان سینماخود داری کند ولی‌اودست‌بردارنبودوبکار خودادامه میداد اصلا متو جه ما نبود با ز هم به عقب نگاه کردیم وچندین بار بدبد بطر ف اودیدیم ولی اوترجمه میکردوحرف میزدوقتی که‌دیدیم حریف دست بردار نیست بین خود مشوره کردیم وبعد آنرا عملی‌نمودیم . میدانی ماچه کردیم ؟

ـنه‌شما چه‌کردید ؟

دوستم گفت:

ـبمجردیکه جمله ای اززبان هنر پیشه‌فلم خارج میشد ماچهار پنج نفر روی خودرابعقب دور داده ازآن مترجم گدایی بیك آ و ا ز می‌پرسیدیم :

ـآ غاجان ... چه‌گفت ؟

دفعه اول رابرای ماهم ترجمه کرد، بعد سه‌چهار بار که مااین عمل راتکرار کردیم متوجه اشتباه خود شده خیلی‌خجالت کشید، اگر درسالون سینما تاریکی نمی بود حتما میدیدیم که‌چقدر سر خ شده ،تاوقتیکه فلم تمام شد اولب فروبست وچرق نکرد. بدین وسیله ماازشر او خلاص شدیم وبقیه فلم‌را آرام وراحت ،بدون هرگونه اخلال تما شا نمودیم .

(پایان)

بدون شرح

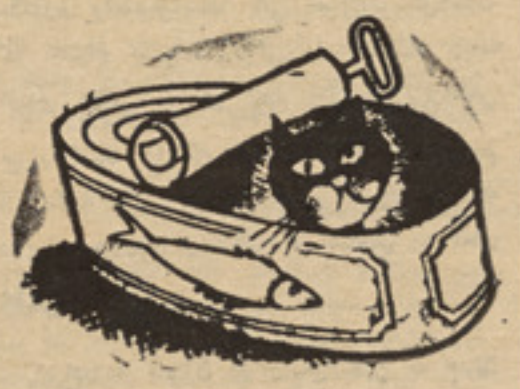

بدون شرح

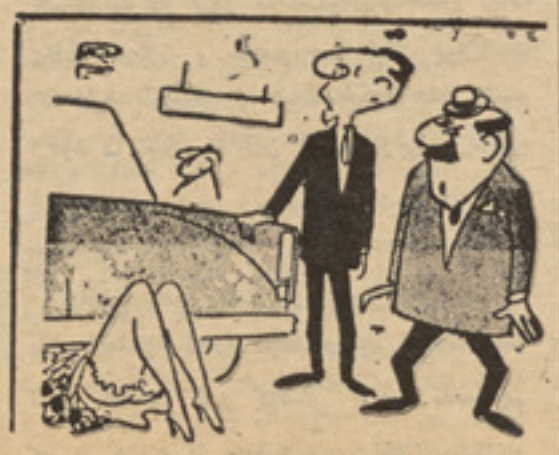

ـ واقعا ای خانم در قسمت تر میم موتر مهارت داره، هر وقت او موتر خوده درست میکنه میایم و«مهارتشه» تما شا میکنم.

نتیجه چشم چرانی !!

عکس و مطلب

هفته موزیکال صوفیه

صوفیه برای چهارمین بـــار رمهماندار فستیوال بیـــن ا لمللـــی نمایشات هنری و کنسر ت هـــا گردید این نمایشات بار اول ســه سال قبل به مقصد بلند بردن سویه هنر ی آرتیست ها و ذوق مردا م اساس گذاشته شد و بعد از آن هر سال یك مرتبه بر گذار میشود در

این کنسرتها مشهور ترین خواننده‌گان و نوازند گان هفده کشورجهان اشتراك کردند ... در جوکات این فستیوال «هفته موزیکا ل» در عین حال کانکور بین المللی خوانندگان اپرا نیز اجرا میشود که برای استعداد های جوان راه های موفقیت و رسیدن به سن اوپرا های جهانی را نشان میدهد .

در عکس آرتیست شناخته شده نیکولای گیوز لوف برنده جایـزه اول سومین کانکور بین المللـــی خوانند گان جوان اوپرا را در نقش بوریس گود ونوف روی سن اوپراملی بلغاریه مشاهده میکنید .

«صوفیه پرس»

نمایش جالبی بروی سن تیاتر ماسکو

در تیاتر ماسکو بنا م «تگانکه» به یس معروف ایوگینی ایتوشنکو بروی ستیژ نمایش داده شد این به یس موزیکال «زیر جلد مجسمه آزادی» نا م دارد رژیسور ایـــن به‌یس یوری لوبیموف» از وسایل جالبی برای این نمایش استفـاده

کرده است در دیکور از ستون های آهنی و مجسمه جمجمه های انسان استفاده شده ، مجسمـــه هـا بروی میله های آهنی نصب شده است

این نمایشنامه موزیکال خیلی هیجان انگیز است چنانچه در وقت نمایش تدابیری اتخاذشده تا از ترسیدن تماشا گران جلو گیری نمایند مطلع آهنگ

های این نمایشنامه راجع به قتـــل کندی ، لوتر کنیگ و قر بانیـــا ن جنگ ویتنا م ساخته شده اســت

در عکس مجسمه آزادی را مشا هده میکنید که با لای مجسمه ها ی جمجمهٔ

قرار دارد و لو حه ای را بدســت گرفته است .

ایدنکرا شوه ستاره زیبای سینما ی شوروی

این ستاره زیبای سینمای اتحا د شوروی ایدنکرا شوه نا م دارداو انستیتوت سینما تو گرافی دولتی را بپایان رسانیده و در فلم ها ی «آنها از کوه پائین شدند» در۱٦٥٤ «من بتو می نویسم» در ۱۹٥۹ «در جاده های فردا» در ۱۹٦٥ «قطار ها از پهلوی کلکین میگذرند و زنگ میزنند دروازه راباز کنیـد » در ۱۹٦٦ ودر فلم «هلو وارسنـــا» در ۱۹۷۱ بازی کرده است .

یکی از خوانندگان مجلـه بـنام فیروزه وفا این عکس ناتالـی و ود ستاره زیبای سینما رابرای نشـر فرستاده است. ناتالی وود بـعداز فلم «شکوه علفزار» به اوج شهرت رسید.

انا کاپری

این زیبا رویی که اخیراً به‌سینما روی آورده است آنا کاپری نام‌دارد وتاحال در چندین فلم اروپا ئی بازی نموده است .

این هنر پیشه هم مانند سایـر زیبارویان سینما ی غرب با حـربه سکس مجهز شده است تا مو فقیت خودرا در سینما تضمین کند .

آناکاپری

سرگرمی مسابقات

جدول کلمات متقاطع

افقی:

۱ـ کشت بـــی پا یان ـ نصف قمری ـ چرس میان خالی ـ برادر پدر .

۲ـ آتش عر بی ـ او لین انسان ـ زن نیك یا نوع از نیزه ـ پـر نده شکاری .

۳ـ کرم بی پا یان ـ بر ا عظم ـ تهیه و گرد آوری ـ بشا ر ت‌دهنده جمع متکلم .

٤ـ پدر ابرا هیم (ع) ـ خداوند از آنطرف چا شت ـ محل ـ ناامیدی.

٥ـ شا عری از هـــرات ـ جا ی اصلی نظامی گنجوی .

٦ـ از جمله پول های آ سیا ئی ـ بدست ساقی است ـ حر ف ر بط نام ناتمام ـ کار بی پا یان ـ ما هی پښتو .

۷ـ خود یك انتقامی است ـ این شاعر پسر عبدالله شیرازی است.

۸ـ رفیق در پښتو ـ توپ ر س بدون توپ.

۹ـ باد طو فانی ـ این شاعر ا ز هرات است و انوا ر سهـــیلی از او ست.

۱۰ـ بال بی لا م ـ مفرد غایب ـ آغاز و پا یان تر س ـ اسپ پښتو ـ مرگ بی انجام در اور بند جستجو نمائید.

۱۱ـ جمع موریانه ـ از نویسنده گان فرانسوی.

۱۲ـ عدل ـ خشك در پښتو ـ حرف علت ـ ما ر بی دم ـ با ید آنرا نگهدا شت .

۱۳ـ در حمام جستجو کنیدغذای صبح ـ لنگـــی ـ قطره تشکـــیل میشود ـ مایع حیات ـ

۱٤ـ اول و آخر ندارد واد غا م است ـ آخرین خانـه بشر ـ ا ز اعضای بدن ـ با شو کت یکجـــا میشود ـ بی مو است .

۱٥ـ آنرا شانه میز نند ـ ازآن طرف بو سیـــده میشود ـ تر س بی انجام ـ مقابل جز .

عمودی :

۱ـ در صفحه اول کتاب صنف اول پدر کلان.

۲ـ جذر بی پا یان ـ مادرعربی.

۳ـ رو شن شده ـ شفق صبح

٤ـ نصف شهر ما ـ خدا ازشما دور دا شته با شد.

٥ـ مقابل غر ب ـ اداره کنند ه ـ ناوه آخر ندارد.

٦ـ قناری پـــر یشان ـ جا ی حیوانات .

۷ـ موت پرا گنده.

۸ـ از پا یتخت های ممالك‌عربی ـ قفل عامیانه ـ یك از علا قداری های سمت شرقی ..

۹ـ مقابل جـــذر ـ خشکه ـ در ماهیچه میبا شد ـ سو گ بی آغاز

۱۰ـ در زاویه متمه میبا شد ـ گفتن در پښتو ـ نوا سه ـ دروازه.

۱۱ـ مربوط در یا است ـ سماوی پرا گنده

۱۲ـ کلمه افسو س ناك ـ اگر حرف اول آن میبود قات میشد.

۱۳ـ مناظر سر نگون ـ یك لا م کم دارد و گر نه وویلا.

۱٤ نصف سکوت ـ از آنطرف ما د ر ـ ما سك بد ون میـــم ـ پایتخت ارو پائی.

۱٥ـ زیـــر بام است ـ صا ف نیست ـ نصف آن تـــمام نشده ـ روز بی پایان.

۱٦ هم جا مد و هم مایع ا ست ـ ظرف سر چپه ـ با یك حر ف‌زیاد زمین های بین کو هها.

۱۷ـ د رستـــون ۱٤ عـــمو دی بجو ئید.

۱۸ـ بی معنی ـ مجدد بایك‌حرف زیاد .

۱۹ـ عبرت بی پا یان ـ جا ده سرو ـ آب چشمان .

۲۰ـ در کمال آنرا بپا لید ـ درد بی‌پایان. .

۲۱ـ شخص که زمین را میکند ـ جمع یاور است.

۲۲ـ هر دو یکی است ـ در بحر زیاد است.

۲۳ـ طرف ـ یك حیوان بسیار شوخ.

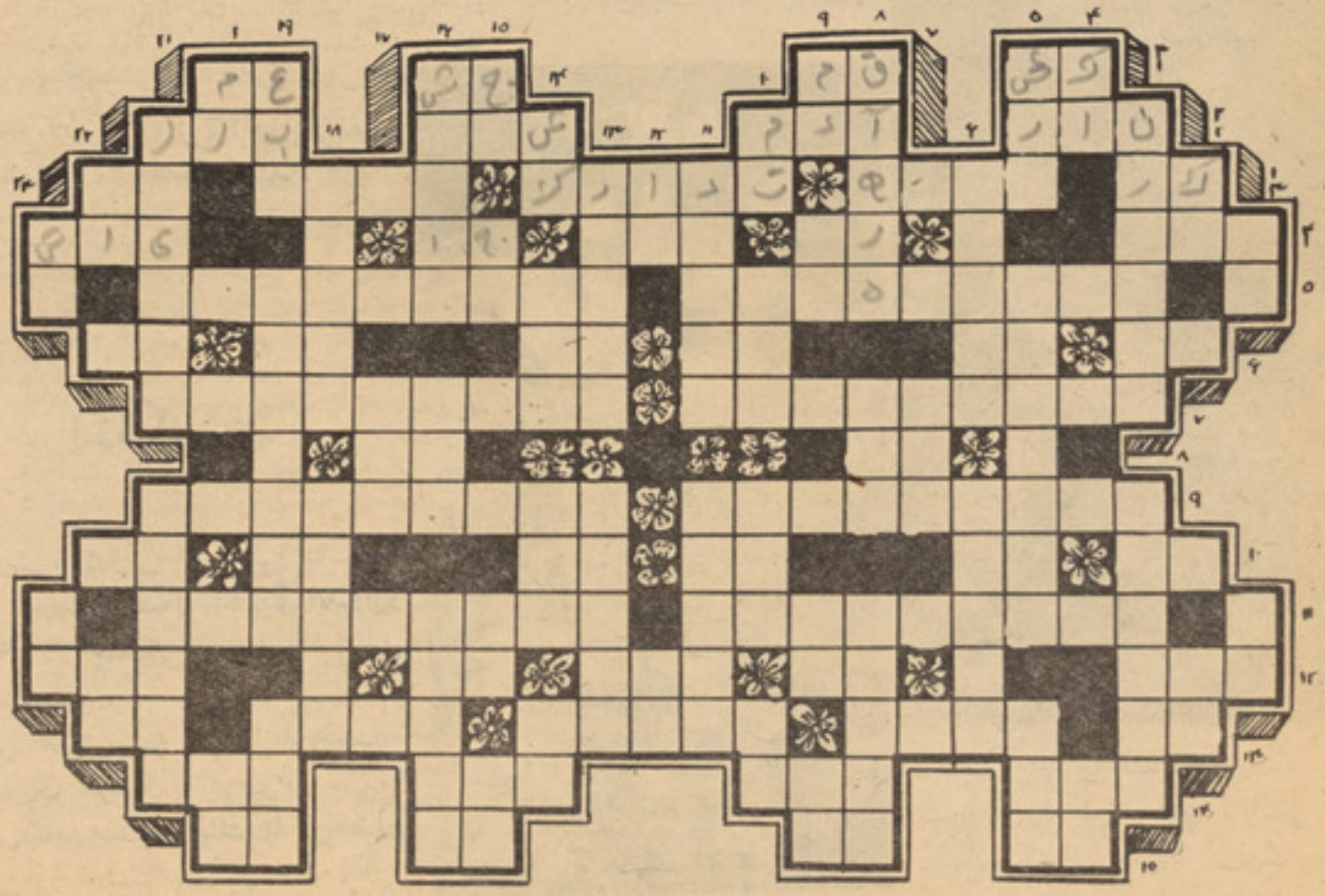

طرح کننده :صالح‌محمد (کهسار)

قطعاتی از همین شماره

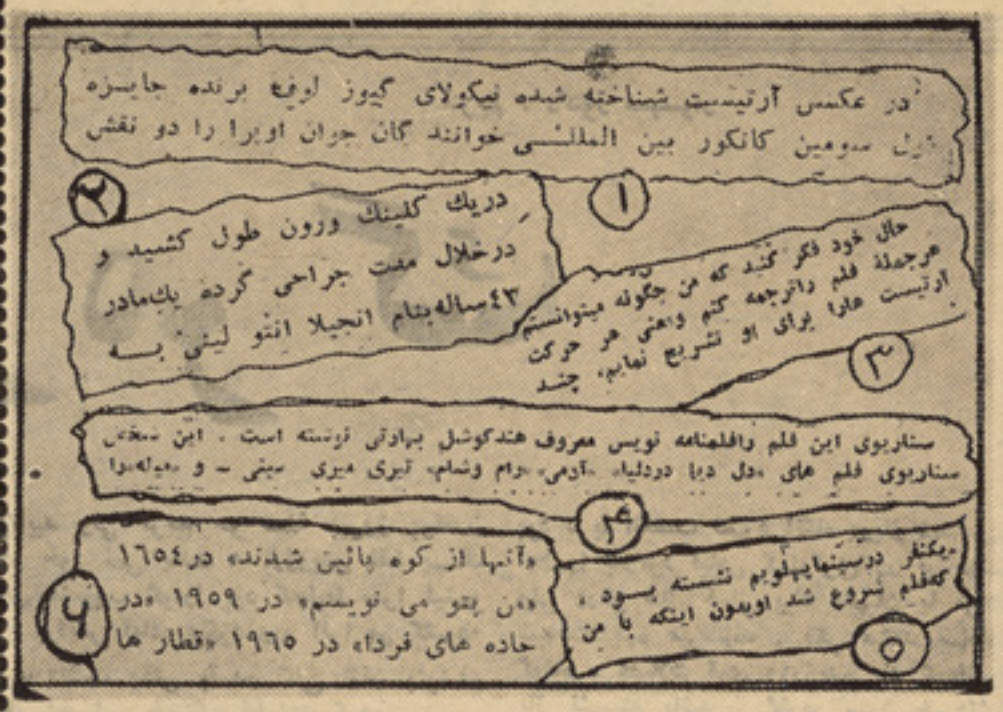

درین کلیشه بریده‌هایی‌از قسمت های مختلف مضا مین این شما ر ه بنظر شما میر سد، آیا میتوا نیـد بفهمید که هر قسمت مربوط بکدام مضمون این شماره است ؟

هنر پیشه‌شناسی

درین کلیشه هشت هنر پیشـه سینمای غرب را مشاهده میکنیداگر موفق به شنا ختن همهٔ آنها شدیدلطفا اسم آنهارا برا ی‌ما بنویسید .

مسابقه شطرنج

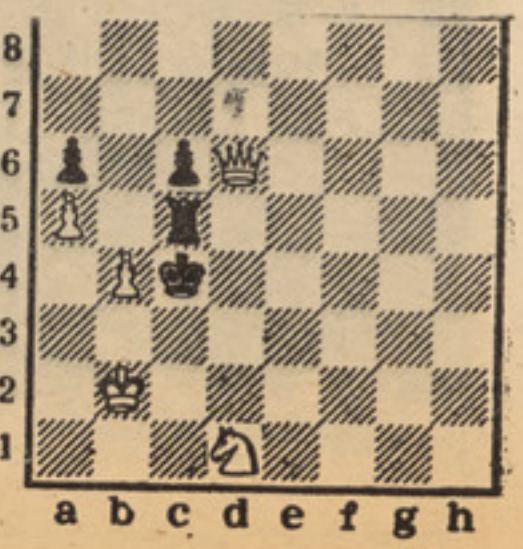

درین مسالـه سفیـد بازی را شروع کرده در سه حرکت‌سیاه را مات میکند. لطـفا حر کت اول سفید را تو ضیح نما ئید .

درین دو کاریکاتو ر که ظا هـرشبیـه همدیگر ندهشت‌اختلا فـوجود دارد ،اگرمؤفق به پیدا کردن اختلافات‌هردو تصویر شدید آنرا برای مـا بنویسید

برای دونفرکسانیکه موفق به‌حل‌نمودن«هنر پیشه شناسی » قطعاتی از همین شماره و جدول میشوند بحکم قرعه یك ست جراب اسپ نشان‌وپنج‌جوره بوت‌پلاستیکی وطن جایزه داده میشود .

بوت پلاستیکـی وطـن از نـگاه جنسیت ، زیبایی و دوا م بربوتهای خارجی برتری کامل دارد وبا خرید آن اقتصاد خودرا تقویت مینما یید

HORSE · BRAND · SOCKS.

باپوشید ن جو رابهای ز یبا و شیك اسپ نشان نه تنها به‌اقتصاد ملی خود کمك میکنید بلکه با عث تقویه صنایع ملی خود هم‌میشوید

داستان جنایی هیجان انگیزی که تا کنون مثل آن رانخوانده اید

نویسنده : جیمز مونرو

مترجم : دکتور شهسوار

بـــد تر از مرگ

چه‌خوب آغاز شده بود ! از مرا جعت معشوقهٔ تان «تسا» دیری نمی گـذاشت . زندگی هردویتان در مخاطره بود اما شمـا کسی راکه تهد ید تان میکرد ، بقتل رسانده و روزهائیکه باهم بودید احساسی کـه از عشق داشتید بشما نیرو میداد وزندگی‌خیلی دل انگیز وگوارا می نمـود . ولی هنـو ز مخاطرات جدیدی هردوی شما را تهد یـد میکرد آخر آنکسی که بقتل رسانیده بودید ، از خود دوستانی داشت : دو مردکورسیکایی بنام پوسلی ودو کلس .

«تسا» را دزدیدند وبعد بشماپیشنها د کردند. در اول از شما پول می خواستند که فورا تهیه وپرداخت کردید حتی بیشتر از آنچه لازم بود و لی بعدا آنها جانتان رامطالبه کردند بخاطر معشوق ناچار شد ید بـــه استانسیون کینگز بریج رفته از زینه ها ی پیچاپیچی که‌گویی تمام شدن نداشت، پائین بروید وازبرلی، لیتلکس، جان لزن وگونسارد عبورکنید. دیگر درنظر تان اهمیت ند ا شت بسوی غرب روانه شدید درانجا «تسا ی» عزیز تان بود که باچشمان اشکبار و حا ل خراب در حالیکه آندو کورسیکایی ازاومراقبت میکردند ، انتظار شمارا می کشید .درچنان احوال تفنگ اتوماتیکی که زیر قول تـــا ن نهان داشتید بچه درد می خورد ،دو جـوان کورسیکایی خیلی هوشیارودقیق بودند .

دستهایتان راکمی دور از بدن گر فته ، درحالیکه دهانتان تلـخ وخشك بود، بسو ی آنها پیش رفتید . عرق داشتید و تـر س شدیدی برشما حکومت میکرد تا آنجا کـه یکبار آرزو کردید اگر بتوانید همه چیـز را در آنجا ترك گفته پا بفرار بگذارید وجـان خود را بغنیمت ببرید البته اگر پای «تسای» درمیان نمی بود. زیرا اوآنجا بود و انتظار شما را می کشید .

بازهم به‌پیشروی ادامه دادید . سراپای لرزان تسا گواه عشق سوزان او بشما بود. از دور دست آواز غرش قطار بگوش ر سید درهمان حال شما دیدید که پو سلی بـــه دخترك امرداد راه ببلعد و لی‌تسا ازجانجنبید آواز قطار لحظه به‌لحظه زیادتر می شدبحدی که‌قدرت شنوایی شمارا کم‌کم یـخ میزد . دخترك هنوز هم از جاحرکت نکرده بـود . اکنون شما خیلی نزدیك به او بودید. لحظهٔ ایستاد ، موقف راتدقیق کردید . درینموقع پوسلی دخترك رابطر فی پرت کرده فریا د زد : «میگویم برو !» و لی تسا باتمام‌نیرویی که‌داشت بدفاع پرداخته پـوسلی رابسو ی دوکلس هل داد ودرعین حال فـریـــاد زد: فرار کن ،عزیزم فرار کن شما بسر عت‌حرکت کردید تاپوسلی نتوانـد آزاری به د ختـــر برساند . تبسمی که از حرکت شما یـــك لحظه بگوشه لبان تسا در خشید ، از نظـر تان پنها ن نماند اماحیف که خیلی زود آن دهان زیبارا فریادی وحشت آور بکلی از هم بازکرد زیرا دوکلس با استفـاده از یـــك لحظه غفلت هردوی شما اورا بروی خط آهن پرتاب کرد.

غرش مهیب قطار وصدای ناهنجار عبو ر آن از روی خطوط آهن شمارا کر و گیـــج کرده بود. دراین فرصت دو کلس پو لی را که‌برای معاو ضهٔ جان دخترك آورده بودید ، گرفته وفرار کردولی پوسلی ایستاده بـود و شماقبل از آنکه وی بتواند ازتپانچـه اش استفاده کند، را حتش ساختید . حملهٔ تان خیلی به مسابقات آن کاراته باز ژاپو نـــی شباهت داشت زیرا صدای شکستن استخوان های پوسلی بخوبی شنیده شد و خودش هم بعداز دو معلق زیر عرابه های آهنین قطـار فرو رفت .

آنگاه بدنبال دو کلس شتافتیـد و او را درآخر دهلیز های خالی و پیچاپیچ ایستگاه در حال بالا رفتن اززینهٔ دوار اتـومـاتیـك یافتید. یکنفر حمال میخواست جلو تعقیب شما راگرفته وقضیه رابپرسد . مگر شمـا چنان حوصله یی داشتید ؟ اورا با کف دست بیکسو زده بسرعت خودرا به زینه‌رسانیدید. دوکلس که شمارا دیده بود باتپانچه یی که آماده داشت بسوی شما آتش کرد و لی‌شما حتی فرصت آنرا نداشتید که به بینیدگلولهٔ که‌از بغل گوش تان عبور کرد بکجا خورد، زیرا شما هرچه زودتر بدون خوف از فیر های بعدی دو کلس زینه را چسپید یـــد و بااستفاده از خلوت آن سعی داشتید پیش‌از گردش دستگاه اتوماتیك ، به‌دو کلس برسید. دوکلس دست بردار نبود مرتبا آتش میکرد. ناچار توقف کردید . دو کلس تقریبا به‌آخر زینه رسید وچیزی نمانده بودبه هـال بزرگ بالای ایستگاه برسد و لی پیش از آنکه قدم خری رابردارد گلولهٔ شما کتف راسـت اورا فشته از قلبش بیرون رفت . روی ز ینـهٔ اتوماتیك سرو بدنش باهم پیچید . زینـه کارخودرا می کرد دوکلس رابه طبقهٔ بالا یی بود اماتنها جسد ی راکه دیگر چیزی‌اززندگی دران دیده نمیشد . ازبالا صداهای ر فت‌وآمد مردم ، تبصره ها وابر از نگـرانـی جمعیت وحشت زده که‌از نهایت زینه یك جسدآغشته درخون روی سطح هال برآمده بود، بگو ش آن میرسید.

ooo

کریج ،درخواب نالید. مرد سالخورده یـی که از او مراقبت میکرد باشنیدن نالـه اش تکان خورد چه او کریج را مثل فرزند خود دوست میداشت . نالهٔ کریج مثـل اینکه قلب اورا مجروح کرده باشد به سیمای مرد رنگ اندوه زد. خم شد واز شانه هـا ی کریج چسپیده به‌آرامی تکان داد. کر یـج بیدار شد ودست بگردن او افگنده خا موش ماند . طپش دیوانه وار قلب مرد، آرام‌گردید کریـج دانست که او اینك در کلبهٔ‌سرافینو است . در بیرون آفتاب گـــرم ونوازشگری می‌تابید ولی کریج حو صلهٔ بیرون برآمدن رادر خود نمی یافت . آرزویش فقط یـــك بوتل مشروب گوارا بود که‌طبعا سرا فینـو آنرا برایش آماده میکرد ودر آنرا می گشود.

یقین داشت وقتی بقـدر کلی ازآن بنوشد، دیگر احساس خستگی نخواهد کرد.

فلیپ گویر سون ، در حالیکه موتر خودرا بسوی درگوئین آن می‌راند ، از خیابان‌چلسی تاآنجا متصل باخودش در محاسبه بود .

موتر انتیك مارك لانگون او درهرپانزده، کیلومتر یك‌گیلن تیل مصرف کرده بود ولی برای کسی بسن وسال او ایـن یـك نتیجهٔ نامطلوب محسوب نمی‌شد و رفـت وآمـدش تابیتریا فقط یکصدو پنجاه لیره ،ایجاب‌میکرد. هفتهٔ یکصد لیره هم پول گاراج میداد و۶۰لیره هم برای این ماشین پول بیمه میداد .یکهزار لیره‌هم مصارف متفرقه و رویهمرفته ماهانه ازپنج هزار لیره تجاوز نمیکرد .

معهذا فکر می‌کرد تغییر مکان زیاد برای او اقتصادی تمام نشده است .

تصمیم گرفت : ضمیمهٔ معاش مطالبه‌کند.

موتر خودرا در پشت عمارت پارك کـرده خودش از دروازهٔ سمت مقابل داخل شد.روی اتاقهای دهلیز این پلاك هارا دریـك نظـر تشخیص داد : دوکتور .ایچ.بی کانینگتن‌لا، لیدی برت ، دگرمن فولر ، هیوج بین راهب زنگ خبر هیچکدام از آنان‌گونی کار نمیکرد. دربان دکمهٔ راکه روی آن چیزی تحریر شده بود ، با انگشت فشرد آنگاه درباز شد.مردی که‌دررا بازکرد لباس کـارگری در بر داشت ولی درهر حال خیلی بیك نگهبان یا مراقب شباهت بهم میرساند . فکر میشد بـاقامت کوتاه ، عضلات قوی وورزیده یك کوماندوی باز نشسته باشد . گاریر سون خبرداشت که‌وی تاکنون مرتکب سه قتل گردیده است.

معزلك چه‌کسی می توانست حدس بزندکه‌در زیر لباس کارگری یك تـپانچه ویـك دشنهٔ برنده را همیشه پنهان نگه میدارد .

گاریر سون اکثر اورا به‌خلع سلاح‌تشویق میکرد ولی کوماندوی باتجربه ، گوشش باین نصایح بدهکار نبود . بادیدن گـاریر سون بی‌آنکه در سیمای سرد او تغییری دیده‌شود، گفت :

ـ بفرمایید آقای من .

گاویر سون درحالیکه مشغول محاسبهٔ‌ذهنی مصارف خود بود ، ایـن تـعارف را بیجواب گـذاشته ، حتی سلام راهم فراموش کرد ولی مرد محافظ دوباره بحرف آمد :

ـ خیرباشد . امروز صبح‌چه خبر است؟

گاریر سون اشاره‌یی باسر بجواب اوکرده از زینه‌ها به طبقه بالائی ، رفت ومقابل دری که‌لیدی برت نوشته بود ، ایستاد .

منشی اش در انتظار اوبود وروی میزش از دوسیه‌ها ومکاتیب انباشته بنظر میرسید. بیاد آورد موقعی‌که به موسسه «ك» بکار آغاز کرد وفهمید ازروزیکه وی‌از بحریهٔ امپراطوری

بقیه در صفحه ۵۸

هزار ویک گپ

۴۶

آنوقت ها که متعلم مکتب بو دیم یکان روز فرا مو ش میکردیم که «کار خانگی» بیاوریم د رنتیجه مارا بالای چوکی ایستاده میکر دند واگر معلم ماتند خو تر می بود چوب میخواست و در کف دست‌ما می نواخت، بعد چون خو دش هم آدم اولاد دار بود دلش بحال ما سوخته مارا دلداری میداد و به نصیحت شروع مینمود و فواید علم ومعرفت و کار و کو ششی را بما بیان‌می‌نمود حد اقل تایکی دو هفته ما زیر تاثیر نصایح سود مند معلمین خود قرار میدا شتیم و بعد از آن دو باره باز یکو شی آغاز میگردید، معلم مابخشم آمده میگفت «نصایح من از یك گوش شما داخل شده از گوش دیگر خارج میگردد. این مطلب را همیشه بخا طر دا شتم در آنو قت فکر میکردم که چون گو ش های ما سو راخ است، ما معمولا و قتی که ازیك گو ش نصایح را می شنو یم از گو ش دیگر بمرور زمان خارج میشود، چارهٔ هم برای اینکار سراغ نداشتیم، دیگر بزر گان خانواده‌هم و قتی که مید یدند من و سا یر اطفال نصایح شان را ازیاد برده‌ایم همین گپ یا تکرار میکر دند : «نصیحت از یك گو ش شما دا خل شده از گو ش دیگر خارج میشود.»

با دیدن این‌کار یکاتور بیاددوران کودکی وهمان حر ف ها افتادم، در

ضمن این نکته مرا متوجه گرا ن فرو شان ساخت که از رادیو انتقادات را میشنو ند ، در برابر شعبات مسؤل تعهد میکنند که‌امتعه خودرا به نرخ معینه بفرو شند ولی مو قعی که بدکان خود نشستند آ ن تعهدات را فراموش میکنندونرخنامه را ازیاد می برند و حرف ها و انتقادات هم ازیك گو ش شان‌داخل شده از گوش دیگر خارج میشود.

۴۷

هم قلم گرامی «ابو الو فا» که ستون طنز و انتقاد انیس رانوشته میکند برای یکی از تبصره های‌خود عنوان جالبی بر گزیده بودکه چنین است «هوا کرد چو ب بلوط !»

در زیر این عنوان نو یسنده گرامی در مورد اینکه چگو نه بعداز نشر نرخنامه پانزده روزه اول‌میزان از طرف بنار والی چوب بلوط قلت پیدا نمود تبصره جالبی نو شته است .

شهر یان کابل وولا یا ت‌ناراحتی عمده ایکه ازکمیاب‌شدن بعضی چیز های مورد ضورت خود دارند وبرای پیدا کردن آن سر گر دانی میکشند علت این نا راحتی را میتوان د ر احتکار سو د جو یان جستجو کرد، خوشبختانه رژیم بیدار جمهو ریت همه روزه مجا دله خود را علیه منفعت پر ستان و سود جو یان دنبال کرده مشت آنها را باز میکند ولی با ید دا نست که اصلاح‌هرنوع آلو دگی کار دوامدار و تلا ش پیگیر میخوا هد و درین قسمت بیداری و هو شیاری هر چه بیشتر کار کنان بنار والی‌و دیگرمؤسساتی که‌زیر لوای جمهوریت به رفع مشکلات و چاره جوئی برای نواقص همت گما شته اند لازم ا ست،زیرا استفاده جویان یکی دو تا نیستند. در آغاز بر قراری رژیم جد ید قلت روغن محسو س بود که به اثر

۴۸

طبقهٔ ز حمتکش کارگر که یك طبقه مولد وقابل قدر است قبل‌برین از بسی حقوق خود محروم بود، این طبقه نادار و محتاج نگهداشته‌میشد تا بیشتر کار کنند، در حالیکه‌تامین حداقل زندگی حق مسلم هر انسان است بخصوص انسا نهایی که کار میکنند ، انسان در اثنای کار انرژی خود را از دست مید هد لذا با ید عایدی دا شته با شد که این انرژی از دست رفته را ذریعه آن دو باره در وجود خود تامین نما ید. د ولت جمهوری افغانستان با درك این حقیقت ووضع ر قت بارکار گران کشور دست به تصویب لوا یحی زد که‌امید واری فراوان برای کار گران فراهم میکند، کار طا قت فرسا د ر برابر مزد نا چیز و عدم پر دا خت معا ش برای اضا فه کاری دیگر وجود ندارد بلکه کار گران دربرابر کار اضافی نظر به لایحه جدید امتیا زاتی بدست آورده اند.

۴۹

در تبصره ایکه در همین شماره در مورد فلم «اندرز مادر» دا ریم نکته جالبی بنظر میر سد.در تبصره مذکور تذکر داده شده که فعلا د ر قسمت تهیه فلم‌ابتکار انفرادی‌وجود

ندارد و سر مایه داران ما جرأت نکرده اند برای تدارك مخارج فلم اقدامی بکنند در حا لیکه تا حا ل نه فلم «روز گا ران» ضرر کر ده‌ونه فلم «اندرز مادر» ضرر خواهدکرد.

برا ستی این مسا له قابل توجه است، اگر در قسمت تهیه فلم سرمایه گذاری شود هنر فلمسازی سر یعتر ر شد میکند، البته این بد ست رو شنفکران و کسا نیکه در رشته سینما تو گرا فی وفلمسازی مطالعه دارند می باشد که نگذا رند مانند سینمای بعضی کشور

های دیگر هنر فلمسازی صر فا جنبه تجارت را بخود بگیرد وخالی از ارزش های هنری تهیه شود ، تنها در قسمت تهیه مصا ر ف فلم با یست سر ما یه دا ران ما سهم بگیرند واز عاید فلم پول و مفا د خودرا دو باره بدست آورند .

اگر صنعت فلم سازی بیشتر رشد کند ما میتوا نیم دربد ل‌نسخه هایی از فلم خود بشکل تبا دله فلم خارجی بد ست آوریم و مجبو ر نخوا هیم بود حتما همه فلم ها را از هر کشوری در بدل پول نقد توزید نمائیم .

عرض تبریک

رئیس و منسوبین قیومی شرکت به مناسبت

حلول عید سعید فطر تبریکات صمیمانه

خود را بحضور شاغلی محمد داود

رئیس دولت، اعضای کمیته مرکزی،

اعضای کابینه، اردوی فداکار افغانستان

و کافه ملت نجیب افغان تبریک

گفته و ترقیات مزید افغانستان عزیز را

از خداوند متعال در پرتو نظام نوین

جمهوریت تمنا مینمایند

بقیه صفحه ۳۹

رشدو تربیه کود ک

و بسیاری او قات را در بید ا ری سپری می کند، و حقیقتا یك شخص کوچك اجتماعی گردیده است. ا ز نشستن در کنار دیگران لذت‌میبرد. اکنون نه تنها به مادر، بلکه به پدر و دیگر اطفال فا میل جواب مید هد. بعضی ها میتوا نند با او «مکالمه» نمایند، این یك گـام دیگـری در مخابره بشمار میرود. گر یـه و ی او لین گام بود، و برای انکشا ف لسان بعدی مهم تلقی می گردد.

هر گاه به ضرو ر یات طفل توجه شود، برای جلب توجه کمترمی‌گرید واکثراً با خو شی بجای خودمی‌افتد، به دستان، انگشتان خود می نگرد، حر کات شا خه های درختان،روشنی آفتاب و سایهٔ سقف و دیوار ها ی خانه را تما شا میکند. در ماه‌چهارم وپنجم با دستان خود بازی میکند.

بقیه صفحه ۳۸

پخت و پز

۷۵ گرام بوره را به آن اضافه کنید وبهم بزنید. بعد از آنکـه چنـد جوش زد یك پاکت ژلا تین را درآب انار وبوره بر یزید تا حل شو د . آنگاه کمی وانیل را اضا فه کنید و بعد از چند دقیقه بر داریـد ودد ظرف مخصوص ژاله بر یزید . بعد دربین یخ یا جای سرد نگهدا ریـد تا بسته شود، و قیماق را بهم ز ده خاکهٔ قند نرم را رویش بر یز ید و مخلوط کنید.

ژلاتین که آماده شد، ازقالبهـا کشیده، در بین ظرفی قرا ش دهید وبا کـریم آماده کـرده آنرا زینت بخشید.

بقیه صفحه ۳۸

طفل شما

حا لیکه هوا سرد باشد ضرورنیست البته در خلال او قا تی که و قفه‌بین شستشو پیدا می شود لازم است (پار چه های که غرض جذب اد رار جلو گیری ازکثیف شدن جسـم طفل مورد استفاده قرار داده مـی شود.) عوض و قسمت های بد ن طفل که مر طوب و کثیف میـگردد وحتی اطراف دهن و ی پاك گردد.

ما درانی که برای اولین بار طفل خوش را در بین تپ غسل مید هند چون تجر به چندانی نیدا شته‌باشند ممکن است‌طفل‌حین شستشو دربین تپ در بد وامر احساس اضطراب ونا راحتی نماید زیرا در آنجا خوب استوار نگاه دا شته شده نمیتواند. (لهذا دقت لازمه باید بخرج دا ده شود). در مورد غسل دادن طفل یك موضوع قابل تذکر است و آن این که غسل بو سیله تپ تا و قتـی صورت نگیرد که ناف طفل نه افتد. می توانید طفل خو یش را بوسیله اسفنج بشو ئید در حا لیکه وی را روی یك میز و یا در بغل خود قرار داده یك پارچه وا تر پروف را زیر جسم وی قرار دهید. هر گاه برای این کاراز میز یا کدام چیزی کـه سطح آن سخت باشد استفاده مـی نمودید، لازم است که روی آن کدام لحافچه دو شکچه، با لشت و یایك کمپـل‌قات شـده قـرار داده شود تاإحیا نا اگر طفل به افتد خـطری متوجه نشود. روی و سر طفل را بایك پارچه نرم و آب گرم‌بشوئید (سر طفل را دریك هفته یك یا دو مرتبه باصابون می توان شست‌البته به آهستگی) باقی قسمت بدن ر ا با پارچه، اسفنج یا دست صا بون بزنید. بعداً با پار چه پاك بدن طفل را خشك نائید و بکـو شید طـفل افکار نشود..

انتونی‌میگوید...

(چطور یك پدر میخوا هیـد باشید؟)(من‌همه فر زندا نـم ر ا دوست دارم ارتباط ما خیلی‌رفیقانه است،اما باید اعتراف کنم که‌سه طفل‌آخرم رازیادتر دوست دارم).

(کسی که‌هر گز در زند گـی فراموش تان نمیشود کیست ؟)

(بل،یك اکتور بودکه‌ازسا لهـا است دیگر نـدیـدمش وی میگـفت که اشتباه یك تجربه خـو ب است).

این‌حقیقت است که شما ۵۸ ـ سال دارید آیا ازپیری خسته‌نشده اید؟)

(من سا عت شش صبح‌ازخواب برمیخزم وهرروز به من خیلی‌خوش میگذرد عاشق زند گی هستم‌ورزش میکنم، نقاشی ، نو یسند گـی، مشغو لیت‌های سینما یی مـر ا مصروف نگه میدارد، میخوا نم و به‌موزیك گوش میدهم به عـقید ه من اندوه یك‌کلمه ایست کـه‌بـه زندگی من راه ندارد .

بقیه صفحهٔ (۱۳)

این مرد درهشتاد...

من بخوبی قطرات اشك را درکاسه چشمانش می بینم او از غصه مرگ فرزند جوانش مینالد، بعد میگوید:

سه پسر ودختر جوان دارم که هریك از من جدا زند گی میکنند، سه‌سال قبل خانه یی راکه داشتم فروختم وباپول آن زیارت بیت‌الله شریف رفتم حالا من وزنم که از من کمی پیرتر است زند گی خوبی داریم...

بازهم لبخندی میزند و می افزاید:

من باپول معاشم زند گی خود و همسرم رابه پیش میبرم واطمینان دارم تا ده‌ها سال دیگر اگر عمر باشد هنوز توان کار کردن راخواهم داشت....

دست های پیر مرد را برای خداحافظی می فشارم ... اما می بینم اوراستی هم نیرو مند است واین دستان قوت جوانی خود را هنوز حفظ کرده است.

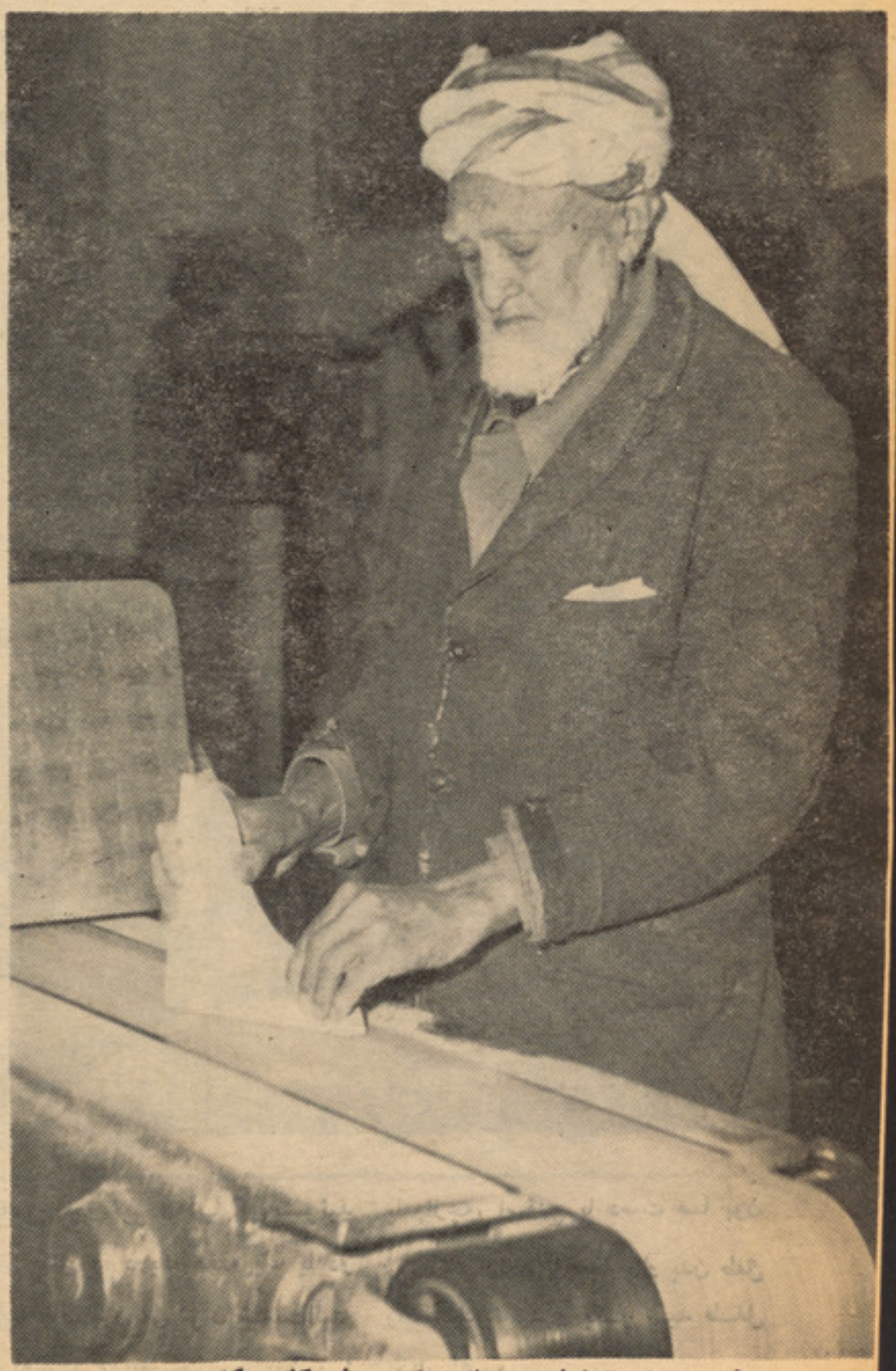

فتح محمد هنوزبا حوصله ودقت جوانی کار میکند

برگزیده‌الفرید هیچکاک

که(پیرمرد) چه میخوا هدا ماو بسیارمحر مانه عمل میکرد.

(وپیر مرد اظهار داشت:باید صبر کنید وچای بنو شید.)

درساعت یکنیم همان روز پیر مرد زنگ دروازه‌منزل خانم‌ینك را بصدا درآورد. تبسم کنان و بامحبت و مهر بانی از خانم‌معذرت خواسته اظهار داشت متاسفم که مزاحم‌شما میشوم لیکن چاره نیست زیرا به اقرارکتبی شما در دفتر ریاست پولیس ضرورت میباشد.»

لابد لطف میفر مائید وبرای دادن اقرار کتبی بامن به دفتر می آئید تا پرو تو کول مورد نظر در آنجا ترتیب شود.»

خانم ینك جواب داد: «لزومی برای اینقدر معذرت خواهی ندارد. هم اکنون بالاپوشم را بر داشته باشما می آیم.»

در طول راه پیرمرد هرچه‌ازلطف ومهربانی که از دستش ساخته‌بود از خانم دریغ‌ننمود پیرمرد گفت: «شما نهایت لطف کردیدکه پولیس را در راه وظیفه اش داوطلبانه‌کمك شدید.»

خانم ینك در جواب اظهار نمود: مسلما وظیفه خود میدانم که بحیث شاهد وبه نفع یك انسان بی گناه در پای سند تحریری امضا کنم.»

پیر مرد غم غم کرد: «صحیح اما یقینا مسرور خواهید شد اگر بدانیدکه‌بارشهادت دادن تنها روی شانه شما را سنگین نخواهد ساخت بلکه یك نفر دگر هم اطلاع داده که حاضر است به نفع او شهادت بدهد».

خانم یزك رویشرا به طرف کمیسر پولیس برگردانده با تعجب پرسید: «این شاهد دگر کیست ؟»

یك خانم جوان که از آشنا یان اوست او خودش نزد ما آمده برای سوگندخوردن اظهار آمادگی کرده است‌و می گوید‌درساعت ۹و۱۰دقیقه ایلدرج را دیده که بطرف مارکیت رفته است.

خانم بنك یکبار دیگر گفت:«اوه.» و (اوه») گفتن او طنین مخصوصی داشت‌وقتی پیرمرد باخانم بنك وارد دفتر شد رئیس پولیس ودنیس معاون کمیسر پولیس‌درااتاق‌قبلا‌منتظر نشسته بودند او خانم بنك رابه هر دومرد معرفی کرد وسپس از وی خواهش نمود دراتاق مجاور کمی صبر کند واطمینان‌دادکه تا چنددقیقهٔ دیگر اظهاراتش رادرپروتوکول قید می کند .... سپس خانم بنك رابه‌طرف اتاق پهلو رهنمایی کرد. چینی در لباس قشنگ روی کوچی نشسته بود. موهایشرا بشکل جالبی آراسته چنان دلربا وطنازبه نظر می آمدکه‌دل آدم میخواست‌اورااز‌شدت علاقه دندان بگیرد پیر مرد گفت:

«آه اجازه میدهید که خانم جوان ماد موازل مورفی شاهد دوم‌را بشما معرفی‌کنم.همین چند لحظه‌پیشتردرباره شمان باشما حرف زدم ماد موازل مورفی آقای ایلدرج را در سوپرمارکیت دیده‌است همینطور نیست ماد موازل مورفی ؟»

خانم بنك مثل آنکه در آستانه دروازه میخکوب شده باشد. اما ماد موازل مورفی ظاهراً متوجه این وضع نشد. تبسم ملحیی کرده اظهار داشت : درست است جوی درساعت ۹و۱۰ دقیقه از دروازه چرخی‌سوپر مارکیت وارد شد من آنجا دیدمش من‌بطور دقیق می توانم شهادت بدهم، زیرا تصادفا درهمان لحظه بساعت دستی ام نگاه کردم.»

کپتان گلتون از روی رضایت خاطر خنده کرد وخانم بنك بر خلاف قیافه عبوس‌بخود گرفته گفت «دروغ می گوید.»

– ماد موازل مورفی بینی اشرا بالا گرفته پرسید: اما من باید بدانم که جوی درچه ساعت به سوپر مارکیت آمده است من به ساعت بند دستی خود نظر انداختم..

خانم ینك اینبار با صدای بلند تر تکرار کرد: او دروغ می گوید: زیرا جوی ایلدرج اصلا درساعت پیش از ۹ونیم از منزل‌بیرون نرفته است.

کپتان در حالیکه چین بر پیشانی افگند سوال کرد: «ساعت ۹ ونیم ؟»

خانم ینك تکرار کرد بلی ساعت ۹ ونیم بود که از منزل خارج شد. زیرا اوبرای خرد کردن جمجمهٔ خانمش اینقدر وقت‌بکار داشت، وآنگاه در ساعت ۹ ونیم‌وپنج‌دقیقه بطرف سو پر مارکیت روان شد.

او اولتر می بائیست پیراهن خون‌آلودش را تبدیل میکرد. من بایددقیق تر از هرکس ساعت و لحظهٔ حرکت اورا بدانم. زیرا پیراهن خونین او نزد من میباشد که به‌دور صندوقچهٔ زیورات خانمش پیچیده است.

کپتان گلتون گفت: «اوه چیزیکه تاهنوز ازآن حرف نزده بودید.» اما خانم ینك متوجه حرف کپتان نشد.

خانم ینك بسوی ماد موازل مورفی اشاره کرده با صدای خشم آگین اضافه‌نمود: «اگر شما خیال نما ئید که میتوانید باجوی‌به جزیره رویا انگیزعشق بروید ومن‌اینجابمانم مرتکب اشتباه میشوید. او این آرزو رابه گور خواهد برد او در زندان خواهد نشست عزیز من ، من سعی خواهم کرد اورابه زندان بفر ستم.»

به این ترتیب او تمام‌ماجرا رابه‌ماموران پولیس شرح داد وتمام اظهاراش به روی فیته ثبت شد. ایلدرج به خانم یزك یك زندگی مجلل وباشکوه را درجزایر کارا بین وعده کرده از او خواسته بود به نفعش شهادت بدهدوساعات وقوع قتل‌دروغ‌بگوید.

خانم ینك تمام حقایق را برای بار سوم تکرار کرد در ختم اظهارات خانم ینك، «پیرمرد» دومامور پولیس را بایك موتربه دنبال ایلدرج فر ستاد.

آمر پولیس ، کپتان و معاون جوان‌او ویلیام دنیس در شعبهٔ جنایی گرد هم‌نشسته بودند. دنیس سر شرا شور داده اظهارکرد: به این سادگی قابل باور کردن نیست «پیر مرد» در جوابش گفت: «انسان طبیعتاً بسیار ضعیف هم است.»

برای من واضح بود که خانم‌ینك‌ازدیدن یك خانم جوان دگر دچار چه حالتی‌میشود. بمجرد یکه احساس نمود رقیب جوانتر ومقبول تر ازخود پیدا کرده است ومتوجه شد که یك دختر جوان هم برای نجات جان ایلدرج تلاش دارد ، یقینش حاصل شدکه شهادت او به‌هیچوجه برایش مفیدنمی‌باشد ودر صدد برآمد اورا به پولیس معرفی‌کند.

دنیس غم غم کرد: اینرا می دانم اما شما ازکجا دانستید که خانم ینك‌باایلدرج‌رابطه دارد؟ چه چیزی شمارا مشکوك ساخت ؟»

پیر مرد جواب داد:

– «دنیس عزیزطبیعت ضعیف انسانی‌یك زن‌بیوه جوان یازن‌رانده‌شده ازطرف شوهر که از خود خرج و خراجاتی دارد و در همسایگی یك نماینده بیمه زندگی کند که خانمش در طول روز در بیرون منزل بکار مشغول باشد باید برایتو قابل درك باشد درچنین شرایط باید هر اتفاقی رخ دهد‌البته اگر آمادگی های هم برای انجام چنین عملی اتخاذ شده باشد حتی خانم منزل‌هم حاضر شده که ۱۰ ساله معاش و در آمدش را بحیث معلم در اختیار شوهر بگذاردرچنین شرایط یك قتل نسبت به طلاق طبعی‌ترجلوه میکند.

قاتل را در همان لحظهٔ نخست شناخته بودم . اما علت قتل را باید پیدا می‌کردیم. وبایك نگاه در عمارت همسایه به آنچه را می خواستم در یافتم نه میلهٔ سربی که‌شما ازآن بمن گفتید ونه سرقت و صندوقچهٔ زیورات یا معلو ماتی که شما بمن دادید هیچکدام باعث‌بدام‌افتیدن ایلدرج نشدوبلکه آنچه مثبت آنها را باز نمود، انبوه موهای بلوند و مایوی دو تکه خانم یزك بود.

ختم

ژوندون

بقیه صفحه ۳۳

عشق

بیاهمینجا در تنگنای ز ند گـی
کنیم پدرم همینجا ست تمام رفقا یم
ترا کتور م تو میدانی .
عقدهٔ گلویش را قورت داده ادامه داد .
میدانی دیلور اینجا خانه ماست.
دسته موی های دختر بابوی مست کننده اشپ در باره به صورتش خورد .
دیلور بگو بلی بگو دیلور!
دختر باناز دور شد. تبسم از لبش رخت بربست از چشما نش برق جهید .
ـکسی از تو نخواست که بیا یی تـو خودت آمدی تو کـو چـــی نیستی !
صدایش به فریاد تبد یل شد .
ـتو مرد نستی کی ازتو خوا ست بدنیالم بدوی برو به دهکـده ات برو .
او از تپه دویده پایان شد .
ـدیلور !
مرد به دنبـا لش دویـده و از بازویش گرفت .
نگاهش ملامت باربود .
ـبرو گمشو!
چیزی در درون تیر کاشس دوید نیروی وران‌کننده‌ای در درونش بیدار شد چیغ زد .
برو خودت !
با فریاد دو باره بر گشت تمام‌راه رابدون اینکه نگاهی به‌عقب کـــند دوید .

• • • •

زمستان بر زودی فرا رسید برف آمد ولی همانروز هوا روشـن و گر م بود .
تیرکاشس تراکتور شس را می‌راند
زمین پوشیده از برف سفید به اثر تیشس های آهنی شیاری بنبالشس بجامی گذاشت.
تیر کاشس تراکتور را خاموشس نموده وبه‌پائین خیز زد. چاشت‌بود.
چشمشس به دختری افتاد که‌کرتی زرد به‌برو دستمال آبی بسر شـــ بسته بو د یك دستشس را بـــه سر ینشس تکیه داده و قیافه اشس آشنا می نمود .
تیر کاشس بر آرامی به طرفشس قد م بر داشت او را شناخت و به طرفشس دوید قلبشس به شدت مـی زد بوت‌ها یش‌روی برف لغز یـــد پشس پایی خورد .
با خوشی فریاد کرد .
ـدیلور !دیلور!
دستها یش را گرفت یـخ ز د ه بود آنها را به صورتشس چسپاند .
دیلور رنگ پریده بود ولی همان تبسم غرورامیزدر چشمانشس موج می‌زد .گره دستما لشس را ما نـد اینکه گرمی کرده باشد سست نمو د و کف دستها پسس را بروی سینه تیر کاشس گذاشت .
ـتو میخوا ستی مرا از خـــود برانی .
ـچی وقت آمدی .
ـامروز صبح .
ـبرای همیشه.
ـبلی برای همیشه .
تیر کشس به چشمانشس نگریست بلی او راست می گفت او این رااز چشمانشس می خواست .
ـدرحا لیکه خنده سر می داد گفت.
دختر دیوانه .
سپسس تیر کاشس به آرامـــی سرشس روی شانه‌های‌دیلور گذاشته و ار را از روی مزرعه پوشیده از برف بطرف دهکده اشس رهنمائی نمود.

پایان

مجلس‌عالی وزراء...

آماده ساختن ذهنیت مردم بـر ای احترام وپذیرش عنعنات ملی‌ومیزات کلتوری دیگر جوامع بوجـــود آوردن رابطه مستقیم بین زندگی کلتوری و شرایط اقتصادی واجتماعی .
مبارزه پیگیر برای تعمیم‌سوادحیاتی بمنظور درك‌اهداف وفعالیت های‌کلتور ملی.
آشنا ساختن مردم بارموز ز ندگی عصری وانکشافات علمی و هـنر ی آماده ساختن زمینه فعالیت برای هنر مندان ونویسندگان تا ایشان‌ازیکطرف از آزادی ابتکار وتجدد برخور دا ر باشند واز جانب دیگر ابدا عات‌هنری رادر خدمت مردم بکاربرند.
استفاده نمودن از هرنوع امکانات جهت پیشبرد کلتوری مادی و نزدیك ساختن کلتور معنوی باکلتور ما دی که ثمرهٔ پیشرفت هـای ساینس و تکنالوژی باشد .
آشنا ساختن مردم باسنن و رسوم اقوام مختلف کشور در روشنی‌اهداف مشترك وروحیه وحدت‌ملی.
مساعد ساختن زمینه برای قبو ل پدیده ها واتگیزه های کلتور جهانی که قهرا بسوی وحدت وزیست باهمی روان است .
تهیه کردن وسایل اطلا عاتـی و تنویر کننده که مردم رابرای‌سهمگیری فعالانهٔ در مقابل کلتور ی تشو یق وترغیب نماید .
علاقمند ساختن مردم باهنر تمثیل وصنایع مستظرفه.
ترتیب نمودن پرسونل کلتو ر ی که‌بتواند درحل مسایل‌جوانان‌ورهنمایی آنها بسوی مصرو فیت های تعمیری نقش عمده یی را ایفاکنند.
مجادله باخرافات و ذهنیت ها ی منفی که‌مانع پذیرش مفکوره هـای علمی اجتماعی بهبود اقتصادی وطرق بهداشت صحی میباشد .
تشویق نمودن مردم برای اشتراك در ورزشها ،سر گرمیهاو سایرپدیده های کلتور فزیکی .
آماده ساختن زمینه برای انکشاف وتعمیم زبانهای پشتو و دری‌وزبانهای ملی از طـــریق و سایل نشراتی و تعـلیمی .
حمایه نمودن جنبه‌های اصیل‌میراث فرهنگی وجلوگیری ازنفوذ جنبه های زشت ومنفی‌کلتورهای‌بیگانه .
تتبع وتحقیق اکادمیك در بارهٔسنن ورسوم ادبیات عوام وسایر عنا صر فلکلور یك جامعه.
حفظ نمودن تمام آبدات تاریخی و میراث فرهنگی کشور .
معرفی کلتور افغانی ازطریق‌روابط فرهنگی نندارتون ها، صحنه تمثیل فلم هاطبع‌ونشر کتب ورسایل‌موسسات
وامور توریزم دایر ساختـن کنفرانس هاوسیمینار هاوسایر فعالیت هـا ی کلتوری به‌دیگر جوامع ومـوسسا ت بین المللی .
احیاوترویج صنایع دستی و خاص افغانستان .

بین افغانستان و هند

تمام آثاریکه در اثـر حفریـات بدست می‌آید بمدیریت عمومی باستان شناسی سپـرده میشود و ملـکیت افغانستان خواهدبود.
طبق یك‌مادهٔ دیگر موافقتنامه هیات هندی یکی ازآبدات تاریخی بلـــخ رابه مصرف خودترمیم می‌نماید.
همچنان هیات هند تعهد نموده تـا نتایج تحقیقات و حفریات خـــود را بزبانهای پشتو ،دری وانگلیسی تهیه وچاپ نموده وبدسترس مقا مـــا ت افغانی بگذارد.
طبق موافقتنامه مذکور هیات هندی در ختم هردورهٔ حفریات را پـــو ر پیشرفت کاررا توام بافوتو هـــا ی لازمهٔ مکشوفات تهیه‌وبدسترس‌مدیریت باستان شناسی افغانستان میگذارد.
وزیر اطلاعات وکلتور پو ها نـد نوین بعداز امضای موافقتنامه گفت روابط دوستی ومودت بین مرد مـا ن افغانستان و هند ریشه عمیق چند ین هزار ساله دارد وشواهد این پیو ند عنعنوی در آثار تاریخی و کـلتوری مملکتین موجود است .

(بقیه صفحه ۳)

پوهاند نوین الزود حکومت هنـد دو مین مملکتی بود که رژیم جمهوری افغـانستان رابرسمیت شناخـت و مطبوعات مملکت دوست ما هند ا ز لحظا ت اعـلام جمهوریت باینطر ف به‌نفـع مردمان دو کشور ما اطلا عات واثق رابه نشر سپرده است .
پوهاند نوین گفت موا فقتنامه که همین الحال امضاء شد بیانگر ایـن واقعیت است که جمهوریت‌افـغانستان وهند آرزو دارند روابط کلتو ر ی‌شان را توسعه بخشند.
وی گفت خوشبختیم این‌موافقتنامه زمانی به‌امضاء میرسد کـــه پالیسی کلتوری دولت جمهوری افغانستان‌اعلام گردیده وکاوش های خصص‌تاریخی افغانستان وبا لوسیله انداختن‌روشنی بیشتر بالای زوایای تاریك تار یـخ وثقافت کهن افغانستان کـه معبـــر مدنیت های مختلف بوده جزئی‌ازپدیده های این پالیسی‌است .
نوین گفت انعقاد این قرار داد را آغاز جدید در همکاری های دوجانبه باکشور دوست خود هند میدانیم‌ویقین است‌این موافقتنامه قدم‌موثری‌در آغاز جدیدسلسله‌های‌تشریك‌همکاری وتوسعه روابـــط دوستانه‌بیـــن د و لتیـــن ماباشد.
سفیر هند دربیانیهٔ جوابیه اش از انعقاد موافقتنامه اظهار مسرت نمو ده گفت افتخار دارد او لین موافقتنامـــهٔ حکومت هند را بـادولت جـمـهو ری افغانستان امضاء مینماید.
بشاغلی مهتا افزود که امضای این موافقتنامه آمادگی دولت جمهو ر ی هند رابرای توسعهٔ روابط دوستی و مودت باافغانستان نشان میدهد.
بشاغلی مهتا درمورد روا بط عنعنوی بین هند وافغانستان تذکراتـــی داده افزود که‌مردمان دو کشور در طو ل ازمنهٔ تاریـخ از روابط عمیق دوستی وصمیمیت بر خور دار بوده اند.
بشاغلی مهتا اظهار امید نمود کـه موافقتنامه همکاری بـاستان شنا سی آغاز استحکام بیشتر روابط بین هندو افغانستان باشد .
عدهٔ از مامورین عالی رتبهٔ وزارت اطلا عات وکلتور ووزارت امور خارجه واعضای سفارت کبرای هند مقیم‌کابل در وقت امضاء موافقتنامه حـا ضر بودند .

صفحه ۵۱

بقیه صفحه ۳۶

مردی با نقاب بقه

وقتی دروازه را پشت سر وزیر در باربست گفت:« آقا ی کلو نـل ! شاید شما خبر دارید که بنت پیـر دیشب را درکجا بوده؟» لحن صحبت الك نرم بود. امادیك مفهوم حرفهای اورا درك نمود ومتو جه‌شدکه اوازین سوال چه منظوری دارد، امابهرحال اکنون بخوبی متوجه بود کـه ایـلا برایش امروزنسبت بهر زمانی‌ارزش فراوان پیدا کرده است .

او جواب داد : بنت تمام شب را بیرون از منزل بوده است.مادموازل بنت بمن گفت که او روز جمعه‌بیرون رفت و امروز صبح شفق داغ‌به‌خانه برگشت شما چرا دراین باره سوالی میکنید؟» یك‌منتظر ماندتا جوابی از الیك دریافت کند .

الك‌ا ز بکس دستی اش یك ورق کاغذ بیرون آورده به آرامی آنرا باز کرد و آنگاه عینك خود را بچشـم گذاشت اظهار داشت: «من از یکی از همکاران خود یاد داشتی در باره غیبت جان بنت ازخانه حاصل‌داشته ام . واین کار سادهٔ بود زیرا خانمی که همه روزه برای نظافت منزل بنت به آنجا می‌رود ، حافظه فوق العاده قوی دارد، قـر از اظـهـا ر خا نـم او در سـال گـذ شته پـا نـز ده مرتبه به مسافرت رفته بود و هربار که او از منزل بیرون رفته غالبا یك دزدی بزرگ در جایی بوقوع‌پیوسته است .

دیك نفس عمیقی گر فته پرسید: «ونظر شما درین باره چیست؟»

ـ« به عقیده من و قتی بنت‌برای بیرون ماندن شام شنبه خود ازمنزل نمی تواند توضیحی بدهد ، بایـد توقیفش کرد من نه ساول موریس ونه هاری لام را می شناسم. زیـرا آنها زمانی زندگی میکردند که‌تـا آنوقت وظایف عمده بمن واگـذار نشده بود اگر همه حرفها صحـت میداشت، او نمی توانست به‌ترتیبی که قانون پیشبینی کرده بمیرد، بهر حال من بر میگردم تا رفیق بنت را ببینم می روم و با او غالبا یك مقدار حرفها را مطرح میکنم .

جان بنت صبح وقت در باغچـه منزلش کار میکرد که الك پیدا شد وفورا در مورد مسایل مهم با اووارد صحبت گردید: درمنزل لارد فارمیلی سرقت بزرگی بین شام روز شنبه وصبح روز یکشنبه رخ داده اسـت غالبا بین ۱۲تا۳ شب این دستبـرد صورت گرفته است سیف را با مواد منفجره‌باز کرده ویك سند مهم را بسرقت برده اند ، از شما می‌پرسم: می‌توانید ثابت کنید که روز شنبه ویك شنبه را در کجا بودید».

بنت مستقیما به چشمهای ما مور پولیس دیده جواب داد:« من از شهر می‌آیم ودر ساعت دو بایك‌پولیس در دورکین حرف زده ام درنیمه شب‌در کینگس بریج بودم و در آنجا بازهم بایك پو لیس حرف زده ام، آن مرد در دور کینك مثل من یك عکـا س شوقی است . ..

الك باخود اندیشیده پیشنهادکرد: موتر من اینجا ایستاده می توانیـد بامن بیایید وآندونـفر را کـــه بهمرایشان حرف زده اید بمن نشان دهید؟ بنت‌فورآبا پیشنهادالك موافقت کرد وباعث تعجب او گردید. آنهادر دور کینگ آن پولیس را موقع پیدا کردند که میخواست و ظیفه را ترك بگوید واو اینطور تصدیق کرد :

آری ، آقای انسپکتر، من دقیقاً بخاطر می آورم که‌با این‌آقا صحبت کرده ام . مادر بارهٔ تصاویرحیوانات باهم حرف زدیم .

سنسو بین پلاستیك اوربر لمیتد عیدسعید

فطررا بحضور بشاغلی محمدداودرئیس

دولت ، اعضای کمیته‌مرکزی ، ارد وی

فدا کار افغان‌و کافه‌ملت‌نجیب افغان‌تبریك

گفته تر قیات مز ید کشورعزیزرا درپرتو

ر هبری‌قایدبزرگ‌وبانی جمهوریت‌از

بار گاه ایزدی تمنا مینمایند .

بقیه صفحه ۳۷

حادثه درنیمه‌شب

مانند گذشته اوبسته رازیر بغلش حمل میکرد. لی درحالیکه متعجب معلوم میشد با خود گفت :

ـ دربین آن بسته چه است .؟

ـ شاید سامان وآلاتی است‌که برای بکار انداختن پمپ آب ازآن استفاده میکند و یـا شاید یك چیزهای ازاین قبیل .

لی شانه هایش رابالاانداخته وسوی بستر خودش براه افتید .

دراین مرتبه هنگامی که میخواست بخـواب برود افکارش متوجه‌جوزف گردید وباپرندهٔ خیالاتش سوی اوبال وپرگشود . دربارهٔ سقوط جوزف ازبالای سقف مقبرهٔ یونانی زشتی های سوی اوهجوم می آورد . ویابعبارهٔ دیگر باید گفت که او دچار کا بوس های میگردیدکه جوزف درآن هاسهم‌داشت . این اولین‌کابوسی نبودکه جوزف درآن ظاهرمیگردید . هنگامی که روزبانور افشانی آفتاب قدم گذاردنش را به خاك نشینان زمین اعلام میکرد لی هم از این کابوس هارهایی یافت وکوشید که آنها رابه بادفراموشی بسپارد وازمغـزش بـدور اندازد. کوشش میکرد خواب های غیر حقیقی اش توسط قوهٔ ضمیر آگاهش شکست خورده وبه لبه پرتگاه نیستی قرار گیرد واز آنجـا بدور دستها بلغزد

اماحالا اودرزوایای روشن ونورانی تاریکی های شب های تابستان بکلی بیدار بود و هنوزهم همان خواب های کابوس مانند را در سلول های مغزش احساس میکرد . وهرگز نمیتوانست که خود رابه زودی ممکنه از آن کابوسها رهایی بخشـد . درکنار بسترش نشست. درحالیکه میلرزیدرویش رابادستانش پوشانید . دستانش رابه شدت هرچه تمامتر روی چشمانش میفشرد تابدین ترتیب اگـر امکان داشته باشد آن تصاویر درهم وبرهـم ومغشوش راازمغزش فراری دهد .

بقیه صفحه ۹

واما عیدما

امر میفرمود .

دوم- قبل ازنماز عید غسل میکرد ، از خوشبویی هاییکه میسر میشد استعمال‌مینمود وزیباترین لباس خودرابرمیکرد وبدین وسیله ازفضل ونعمات الهی سپاسگذاری بعمـل می آورد .

سه ـ وقتی جانب عیدگاه درحرکت میشد تکبیر گـویان قدم برمیداشت وتاآنکـه وارد عیدگاه میگردید همچنان تکبیر برزبان داشت وهمواره میگفت: «عیدهای خویش رابانکبیـر زینت بدهید ».

چهار ـ حضرت پیامبر اسلام (ص) مردم رابه پرداخت صدقه فطرقبل ازنماز عیدامـر میفرمود وعلاوه میکردکه :«بینوایان راازاحتیاج مخصوصا درایام عید وارهانید » .

پنج- همه رابه سرور وبشاش بـودن و داشتن چهرهٔ خوش ومسرت بار ومواجه شدن بادیگران به کلمه سلام امرمیکرد چنانچـه میفرمود: «تبسم توبروی برادرت صدقـه و نیکوکاری امت »

شش ـ این پیشوای بی نظیر اسلام درروز عید همگان رابدیدار اقارب وخویشاوندان ، احترام واعزاز ایشان وانجام احسان ونیکویی درمورد آنها امرمیداد واستحکام صله رحم وپیوند خانوادگی واقارب رابیش از پیش توصیه میفرمود تابدین طریق کدورت ها از میان رخت بربسته وانسانها دریك فضـا ی محبت وخو شبینی زندگی آبرومند وسعادت باری رابه پیش ببرند .

عرض تبریک

کارکنان بانک ملی افغان عید سعید فطر را بحضور زعیم محبوب شاغلی محمد داود رئیس دولت، بهموطنان عزیز و کافه مسلمانان جهان تبریک عرض کرده آرزو دارند که ملت افغان همچو اعیاد فرخنده را در سایه نظام نوین مملکت بخیر می استقبال نمایند.

موسسه ملل متحد کانون آرمانهای جهان

بقیه صفحه ۱۱

متحد وتقررسرمنشی این موسسه سفارشهای مینماید ..

شورای امنیت ازطرف تمام اعضای ملل متحد کارمیکند وتمام اعضاء موافق اندتافیصله های آنراعملی سازند وبه خواهش موسسه قوای مسلح خودوامدادلازم رابرای حفظ صلح وامنیت بین‌المللی بدسترس آن قرار بدهند .

رای دهی :

هرعضویك رای دارد فیصله هایی که مربوط به مسایل طرز العمل نمیباشد رای مثبت ۹ عضویشمول رای موافق اعضای دایمی صورت میگیرد این قاعده موسم به .(اتفاق آراء قوای بزرگ) است‌که عموم مردم آنرا امتیاز ویتومی نامند عملا امتناع یك عضو دایمی بحیث ویتوشناخته نمیشود هر عضو خواه دایمی باشد یاغیردایمی باید ازرای دادن درفیصله مربوط به یك موضوع خاصی که در آن ذیدخل است خودداری کند . درمسایل مربوط به طرزالعمل فیصله بارای مثبت ۹ عضو میشود .

۳ـ شورای اقتصادی واجتماعی .

شورای اقتصادی واجتماعی کارهای اقتصادی واجتماعی ملل متحد وادارات مربوط آنراتدویر نموده وانسجام می بخشد وزیرهدایت مجمع عمومی کارمیکند . شورای اقتصادی واجتماعی از۲۷ عضو مرکب است‌که ازطرف مجمع عمومی براساس نوبت انتخاب میشوند و۹عضوآن هر سال برای سه سال انتخاب میگردد

وظایف :

شورای اقتصـــادی و اجتماعـــی میتواند موضوعات بین‌المللی ، اقتصادی، اجتماعی ، فرهنگی، تعلیمی وصحی رامطالعه نموده در این باره راپور هایی ترتیب وسفارشهایـی تقدیم نماید .

شورای مذکورمیتواند بمنظور پیشبرداحترام به حقوق بشر وآزادی های اساسی برای همه ورعایت آنها سفارش هایی بکند .

ـ میتواند کنفرانس های بین المللی را منعقد سازد ومسوده کنوانسیون هارا درباره مسایلی‌که‌داخل صلاحیت خود میباشد، ترتیب دهد. مسؤول انسجام کارادارات اختصاصی ملل متحد میباشد .

رای دهی :

فیصله های شورای اقتصادی واجتماعی برای اکثریت اعضای حاضر صورت میگیرد

مجالس وتشکیلات فرعی :

شورای اقتصادی واجتماعی برای اجـــرای وظایف خودهروقت‌که لازم باشدتشکیل جلسه میدهد ولی معمولا سال دوبارمجلس میکند و ازطریق کمیته هاوکمیسیون ها مسایل خاص راتحت بحث قرار میدهد .

کمیسیون های شورای مذکور قرارآتی‌است:

کمیسیون احصائیه .
کمیسیون نفوس .
کمیسیون انکشاف اجتماعی .
کمیسیون حقوق بشر .
کمیسیون وضع زنان .
کمیسیون ادویه مخدره.

همچنان چهار کمیسیون اقتصادی موجـود است که مسایل اقتصادی رقبات مربـوطه رامطالعه نموده‌تدابیری لازم راپیشنهاد میکنند.

این کمیسیون ها عبارت اند از:

کمیسیون اقتصادی برای اروپا.
کمیسیون اقتصادی برای آسیا وشرق‌دور.
کمیسیون اقتصادی برای امریکای لاتین .
کمیسیون اقتصادی برای افریقاء .

٤ـ شورای قیمومیت .

منشور ملل متحد یك نظام قیمومیت رابرای اداره نظارت‌رقباتی که تحت قیمومیت قرار داده شده اند بوجود آورده است

درمورد هررقبه یك قرارداد قیمومیت موجود

صفحه ۵۸

است‌که درآن شرایط مورد موافقه دولی که مستقیما ذیدخل اند ذکرشده وازطرف مجمع عمومی‌منظورگردیده درموردساحات سوق‌الجیشی این شرایط ازطرف‌شورای امنیت منظورگردیده است شورای قیمومیت به‌مجمع عمومی درنظارت رقبات تحت قیمومیت کمك میکند .

شورای قیمومیت مرکب است از:

۱ـ دول عضوی‌که رقبات تحت قیمومیـــت رااداره میکنند .

۲ـ اعضای دایمی شورای امنیت که کـدام رقبه راتحت قیمومیت ندارند .

۳ـ اعضای دیگرملل متحدکه برای سه‌سال ازطرف مجمع عمومی انتخاب شده باشند بـه تعداد لازم‌برای تامین مساوات‌تعداد اعضایکه رقباتی تحت قیمومیت آنهاقراردارد واعضایی که چنین رقبات تحت قیمومیت شان نیست .

وظایف :

ـ شورای قیمومیت راپورهای کشور هـای اداره کننده رقبات تحت قیمومیت رامورد‌غور قرار میدهد .

ـعرایض وشکایات افرادودسته‌هارا درداخل رقبات تحت قیمومیت وغیره آن پذیرفته‌تدقیق مینماید .

هیات های خودرابرای دیدن رقبات تحـت قیمومیت میفرستد تاشرایط رادرخود محـــل سروی کنند .

رای دهی :

هرعضو شورای قیمومیت یك رای دارد و فیصله های آن بااکثریت ساده صادرمیشود.

٥ـ محکمه بین‌المللی عدالت :

محکمه بین‌المللی عدالت‌رکن عمدهٔ قضایی ملل متحد میباشد واز ۱۵قاضی مرکب است‌که ازطرف شورای امنیت ومجمع عمومی انتخاب میشوند .

مرکزمحکمه بین المللی عدالت در هاگ (هالیند) واقع است .

محکمه مطابق اصو لنامه ای اجرای وظیفه میکندکه جزء منشور میباشد .

هرعضوملل متحد تعهد مینماید تا فیصله محکمه رادرهر قضیه مربوط به آن احترام کند.

صلاحیت محکمه درتمام قضایای که طرفین منازعه آنهارابه آن رجعت میدهند وتـــمام مسایلی شناخته شده‌که درمنشور یامعاهدات کنوانسیون های نافذ پیشبینی‌گردیده است .

برعلاوه قضاوت برمنازعات حقوقی که بـه محکمه ارجاع میشود محکمه مذکور یك‌وظیفه مهم رانیز اجرا میکند وآن دادن مشوره حقوقی به مجمع عمومی وشورای امنیت درموضوعات مربوط میباشد همچنان محکمه به‌ارگان دیگر وادارات اختصاصی که به اجازه مجمع عمومی ازآن استفاده کنند فتوا میدهد .

٦ـ دارالانشاء .

دارالانشاء وظایف اداری ملل متحد رااجراء میکند به اراکین دیگرملل متحدخدمت می‌نماید وپروگرام هاوپالیسی های ایشان را اداره میکنند درراس دارالانشاء سرمنشی ملل متحد قراردارد که ازطرف مجمع عمومی به پیشنهاد مجلس امنیت مقرر میگردد .

سرمنشی هرموضوعی راکه به نظر اوصلح وامنیت بین‌المللی راتهدید میکند به توجه شورای امنیت میرساند، وی به مجمع عمومی درباره کارملل متحد راپورهای سالانه تقدیم میکند ودرموضوعات خاص گزارش میدهد .

نخستین سرمنشی ملل متحد تریگویلـی اهل ناروی بودبتاریخ ۱۰اپریل ۱۹۵۳ داگ همرشولداهل سویدن جای اوراگرفت بعداز فوت بناغلی همرشولد دریك تصادم هوایی در افریقابتاریخ ۱۷سپتمبر ۱۹۶۱ اوتانت اهل برمابحیث سرمنشی ملل متحد مقرر گردیده تادوره کارمتباقی همرشولد راتکمیل نماید . درماه نومبر ۱۹۶۲ برای یك دوره پنجسالـه بحیث سر منشی تقرریافت بتاریخ ۲دسمبر ۱۹۶۶ اوتانت برای یك دوره دیگر تقرر یافت که وقت آن در۳۱ دسمبر ۱۹۷۱ تکمیل شد .

کارمندان دارالانشاء مرکب از۱۰ر۵۰۰ نفر اندکه ازآنجمله ۵ر۷۰۰ درمرکز ملل متحددر نیویارك موظف اند .

ایشان ازطرف سرمنشی مطابق مقـررات مجمع عمومی مقرر می شوند .

وظایف ومسؤولیت های دارالانشاء تماما جنبه بین المللی داردهرعضودارالانشاء دارای هرملیتی‌که باشد یك مامور بین‌المللی بـــوده به تمام دنیاخدمت میکند وازاین سبب مـورد علاقه زیادکشور خود واقع میباشد .

نظام ملل متحد

ملل متحد :

۱ـ موسسه مراقبت متارکه درفلسطیـن ازطرف ملل متحد .
۲ـ دسته‌ناظران ملل متحددرهندوپاکستان.
۳ـ قوهٔ حفظ صلح ملل متحددرقبرس .
٤ـ کمیته های عمده .
٥ـ کمیته های رهنمایی وطرزالعمل .
٦ـ ارگان فرعی مجمع عمومی.
۷ـ اداره امداد وکـــار ملل متـحد برای بناهگزینان فلسطین درشرق قمبانه .
۸ـ کنفرانس ملل متحـدبرای تجـارت و انکشاف .
۹ـ اداره تجارت وانکشاف .
۱۰ـ پروگرام انکشافی ملل متحد .
۱۱ـ صندوق وجهی انکشافی ملل متحد.
۱۲ـ موسسه انکشاف صنعتی ملل متحد .
۱۳ ـ موسسه تربیه وتحقیق ملل متحد .
۱٤ـ صندوق وجهی ملل متحد برای اطفال.
۱٥ـ کمشنرعالی ملل‌متحدبرای پناهگزینان.
۱٦ـ پروگرام مشترك ملل متحد وموسسه غذاوزراعت جهان .
۱۷ـ کمیسیون خلع سلاح .
۱۸ـ کمیته ارکان حرب .
۱۹ـ کمیسیون اقتصادی منطقوی .
۲۰ـ کمیسیون های وظیفوی .
۲۱ـ کمیته های جلسوی رهنمایـی و اضطراری .
ادارات بین الحکومتی .
۲۲ـ اداره بین المللی انرژی اتومیك .
۲۳ـ موسسه بین المللی کار .
۲٤ـ موسسه خوراکه وزارت ملل متحد .
۲٥ـ موسسه ملـل متحدبرای مسایـــل عرفانی علمی وفرهنگی .
۲٦ـ سازمان صحی جهان .
۲۷ـ صندوق وجهی بین المللی .
۲۸ـ انجمن انکشاف بین المللی .
۲۹ـ بانك بین المللی برای تعمیر مجـدد وانکشاف بانك جهانی .
۳۰ـ مؤسسه بین المللی مالی .
۳۱ـ مؤسسه بین المللی هوایی ملکی .
۳۲ـ اتحادیه پوستی بین المللی .
۳۳ـ اتحادیه بین‌المللی تیلی‌کمونیکیشنز.
۳٤ـ مؤسسه مشورتی بین الحکـــومتی کشتی رانی .
۳٥ـ مؤسسه هواشناسی جهانی .
۳٦ـ قرارداد عمومی راجع به تعرفه ها و تجارت .

پیام شاغلی محمد داود

جای خوشی است که سازما ن‌ملل متحد طور ی که آرزو ی همه‌مردما ن جهان است اکنون شکل یك موسسه عالم شمول را به‌خود گرفته و کشور هایی که بعداز سالیان درازبعضویت سازمان ملل متحد نایل شده اندا صل بین المللیت سازمان جها نی تحقق بخشیده اند . این انکشاف سا لم در نظام بین‌المللی موجب امید وار ی های فراوان مردمان جهان برای‌حصول موفقیتها ی مزید توسط سازما ن‌ملل متحد شده است .

درخاتمه یکبار دیگر مراتب‌پشتیبانی کامل دولت ومردم افغانستان را از سازمان ملل متحد اهداف وپرنسیپ های عالی آن ابراز مینمایم وازمساعدت های مفید انکشافی سازما ن جها نی‌و موسسا ت اختصاصی آن به‌افغانستان عزیز صمیمانه تقدیر نمـوده دوام و توسعه همچو مساعدتها را آرزومیکنم.

بقیه صفحه ۳

به اراده نیك رئیس

عادلانه نمی باشد بناء هدایت داده‌می شود تاتمام محبوسین ومحبو سا تی که میعاد حبس شان از ده سا ل‌بیشتر ومدت ده سال آنرا سپری نموده و همچنان آنها یکه میعاد حبس شا ن از ده سال کمتر ودو ثلث آنراسپری کرده اند در صورتیکه دارا ی اخلاق حمیده باشند به‌احترام حلول عیدسعید فطر از حبس رها وهکذا یك تعداد دختران خرد سال ومادرانیکه اطفا ل بی سر پرست دارند در صور تیکه‌در داخل محبس دارای اخلاق نیك بوده باشند به همین مناسبت از حبس‌رها گردند .

همین‌منبع‌اضافه میکند به تاسی‌از این عمل خیر اندیشانه رئیس‌دولت جمهوری در حدود سه‌هزار وسه صدو هفتادو یك نفر ازحبس رها گردیده انـد .

باین صورت تعداد مجموعی محبوسینی که از تاریخ ۲٦ سرطان باینطر ف از حبس رها شده اندبه چهار هزارو چهار صدو سیزده نفر میرسد .

(ب)

د اخترسوغات

پکښی غور خول کیږی ورپسی‌دیوی زړی بوډی بښځی له خوا دنجو نـو دبخت از مویلو معلو مولو دپاره‌یولړ خبر ی کیږ ی ،ددی دپار ه چـــه ذکر شوی خبری چاپوری اړه لری‌نو یوه پیغله چه لمونځ، اودس یی‌کړی وی په بیرطرفانه ډول خپل لاس په منگی کښی وهی اویو شی تری‌باسی کله چه هماغه «شئ» هرچا پـــوری تعلق ولری نو ټولی خبری دهغی په برخه کښی گڼل کیږی .

لنډه یی دا چه دغه شپی ورځی‌په پښتنی کهول کښی پـــه ډول ډول خوښیو او خوشالیو سره لمانځلـه کیږی په داسی حال کی چه دسږ نی اختر په مناسبت ټولو افغانانو او محترمو لوستونکو ته مبارکی وایو، په هیواد کښی دجمهوری نظام تـر سیوری لاندی دوطنوالو زیاتی‌خوښی او خوشالی غواړو .

(تربلی گنې پوری خدای پامان)

عرض تبریک

کارکنان سپین زر شرکت به مناسبت

حلول عید سعید فطر تبریکات صمیمانه

خود را بحضور مشاغلی محمد اؤد

رئیس دولت، اعضای کمیته مرکزی،

اعضای کابینه، اردوی فداکار افغانستان

وکافه ملت نجیب افغان تبریک

گفته و ترقیات مزید افغانستان عزیز را

از خداوند متعال در پرتو نظام نوین

جمهوریت تمنا مینمایند

سرنوشت

در شماره های گذشته خواندید:

«واندا» دختر یست که‌در شرکت عطـــرفروشی یك وکیل دعوی بنام(ژیو) کارمیکند. یکی از همصنفی های دوره شاگرد ی اش‌است میرود ،وتصادفا درآنجا یك همصنفـی سابق دیگرش راکه «موریس» نام دارد وراکه‌یك‌بچه دلپسند است نیز ملاقات‌میکند. (موریس) و«واندا» متقا بلتا به یکد یگـرابراز دوستی نموده وبعد از چندی باهم ازدواج میکنند . یك روز «واندا» مـیگویـدکه انتظار طفلی‌را دارد و دیگر نمیتواندکار کند. اما «موریس»بخاطر معیشت خـــو دوهمسرش در پهلوی درس، بعداز چا شـت کارمیکند چندروز بعدطفل تولد میشود . اما(ایرین) عمینکه میشنود «مو ریس» بعد از چاشت کار میکند، متاثر میگردد . واینـــك بقیه داستان :

من پیش صاحب همان شرکت عطرفروشی که سابق در آن کار میکردم رفته بودم ... او موافقه کرد که دوباره در آنجا بکار شروع کنم.
خوب چه؟
۱۶۵

۱۶۶
نه مهیدی! من دوباره مثل سابق به کار خود شروع می کنم.
مهیدم. تو پیشه سابق خود را از سر میگیری.

«مهیدی» تو خوب قضاوت نمیکنی.
چرا؟ من حقیقت را گفتم.

کمی فکر کن. تو میتوانی کمتر کار کنی و به درس خود بیشتر بکوشی.
برای کی؟ چرا؟ فکر می کنی که آسان است زندگی علمی را به اختیار خود از سر گرفت؟...
۱۶۸

۱۶۹
میدانم من قطعاً گپ هایت را نمی فهمم، از چند ماه به اینطرف است که زندگی ما کاملاً شکل دیگر بخود گرفته فکر می کنم با کمک آدم بی روح زندگی می کنم.

«واندا» سعی میکند که خود را مهربان و با فهم نشان دهد.
«مهیدی» لذت خواهش میکنم که دیگر نوشیدن را بس کن و بگو آنچه که واقع شده گناه من است.
۱۷۰
بله، اما این تو بودی که اصرار کردی تا به کنار بحر برویم...
باقی دارد

بقیه صفحه ۱۵

هیروی فام اندرز مادر و حرفهایش

هیرو وهیروئین فلم در صحنه ای ازفلم انـدرز مـادر

ـ محیط سینما راچگونه یافتید ؟

گفت :

ـ **بدون شك درجریان فلمبرداری در هر کشوری دایرکتر وهنرپیشه هادچار خستگی وزحماتی** میشوند ، ولی هنرپیشه باید کامره **فلمبرداری**رادوست داشته‌باشد، باهمه‌مشکلاتی **که** هنرپیشه درانثنای فلمگیری باآن مواجـه میشوند بازهم من محیط فلمبرداری را جالب یافتم

پرسیدم :

ـ چرابعضی صحنه هاتاریکتر بنظـــــر میرسید ؟

نذیر پاسخ داد :

ـ مسالهلایت وایجادروشنی لازم، ضرورت اصلی فلمبرداری است، درین قسمت بازهم حرف کمبود وسایل بمیان می آید، لایت قوی دردسترس فلمبرداران قرار نداشت .

پرسیدم :

ـ هنگام بازی چه تیپی رامیخواستید بخود بگیرید، یاصریحتربگویم‌حرکات تان‌میخواستید شبیه کدام هنرپیشه خارجی باشد ؟

هیروی فلم اندرز مادر باجدیت پاسـخ میدهد :

شاغلی انجنیر خیرمحمد محمود متصـدی آواز فلم اندرزمادر

ـ میخواستم‌حرکاتم‌مطابق روحیه پرستاری باشد که درفلم من آنراباید جان می‌بخشیدم، من نخواستم ازکسی تقلیدبکنم، بنظرمن این درست نیست، من نخواستم راجیش کپنـه باشم یاکدام هنرپیشه غربی فقط خواستـم درفلم «هارون» باشم .

درمورد آواز اودرفلم سوال کردم ، نذیر پاسخ داد :

ـ طوریکه میدانید درفلم بعوض مـــن از صدای «مشعل هنریار» هنرمند سابقه دار و باارزش کشور مااستفاده شده بود. فکر میکنم اگرخود هنرمند آواز خوب داشته باشد واز صدای خودش استفاده شود، چون آوازش همراه باتمثیل ثبت میشود بااحساس ترجلوه میکند .

درمورد هیروئین فلم وقتی ازنذیر پرسیدم گفت :

ـ محبوبه جباری دخترپراستعدادی است ، اونقش خودراخیلی خوب ومؤفقانه بازی کرد. همچنان سایر هنرمندان این فلم غزال صاعد، زرغونه آرام ، وبخصوص شاغلی اسدالله آرام نقش های خودرا مؤفقانه بازی کردند .

گفتگوی من بامحمد نذیرهیروی فلم بپایان رسید ازجابلند شدم تاتنهایش بگذارم وبه دفترمجله برگردم .

شام همان روز قرار بود در دعوتـی که به افتخار هنرمندان هندی برگزار میشد . اشتراك کند درانثنای صحبت ماکارت دعوت برایش رسیده بود، دستشه رافشردم وبه دفتر مجله بازگشتم .

بقیه صفحه ۳

نمایشات هنری

اتحادشوروی بکابل آمده طی دوهفته اقامت خودبیك سلسله کنسرت هـا ونمایش های هنری می‌پردازند .

درنمایش هنرمندان آهنگ هـا ی تاجیکی ورقص شامل بودکه طرف‌توجه مدعوین قرارگرفت .

در ختم نمایش پوهاند نوین‌دسته های گل به هنرمندان اهدانمود .

همچنان دراخیر پرو گرام‌هنرمندان شوروی به‌دکتور محمد حسن شر ق معاون صدارت معرفی‌شدند.

(ب)

بقیه صفحه ۲۲

دنیای خنده‌آور

کرکتر همیشه اولرمیاید وطرح ریزی بسیار **کمی درزندگی** شده میتواند» . وی میگوید : «تقریبا همه‌کار های راکه میکنیم توسط کرکتر بماحکم میگردد. وقتی شمااول باموقعیت ها معامله‌میکنید بعدبخود فشار میاورید تا یـــك کرکتر درقالب آن موقعیت طرح نمائید آنوقت است که غیر حقیقی جلوه مینماید .»

پس ماهیروها ولحظات نیل سایمن راباخود داریم . فلیکس انگار واوسکار میدیسن در نمایشنامه «جفت عجیب» (که نمایش آن قبل درمرکز فرهنگی امریکا درکابل نیز صورت گرفت) یك جفت مردانیکه اززنان شان جدا شدند وفیصله میکنند مشترکا دریك اپارتمان زندگی کنند مانند ازدواج های شان به ناکامی مواجه میشوند .

ماادیسن در «محبس اوفنیوی دوم» دروسط سنین چهل سا لگی ویك همکار اجرائیه یك اتحادیه که دریك پروژه تابستانی نظر بیك جنبش تابستانی اخراج گردیده ودرمیابد که بابیهودگی یکنواخت روزانه سازش نمیتواند .

بقیه صفحه ٤٦

بدتر ازمرگ

منقشده تاکنون‌تحت تعقیب افراد«ام.آی.جی» است چقدر دچار شگفتی شد . این‌را یکی‌از همکاران خرد رتبه اش بوی هشدار داده‌بود معزلك چون موسسهٔ «ك»که وی دران‌کارمیکرد از قوی ترین بازو های تشکیلات امنیتی بود انجام فاسد ترین و پیچیده ترین کـارهارا بعهده میگرفت ، گاریر سون بـادرك ایـن مشخصات که‌با روحیه ماجرا جوئی او، تناسب داشت از فرط هیجان چشمانش اشك آلـود شده بود .

ژوندون

مسؤول مدیر :

حسین هدی

ددفتر تیلفون : ۲٦۸٤۹

دکور تیلفون ۳۱٦٥۱(۳۳)

پته: انصاری واټ

داشتراك بیه

په‌باندنیو هیوادو کښی ۲٤دالر

دیوی کښی بیه ۱۲ افغانی

په کابل کښی ٤٥۰ افغانی

دولتی مطبعه

ژوندون

موسسه پوست دوزی غلام‌حسن فریادی وبرادران عیدسعید فطر را بحضور زعیم محبوب شاغلی محمد داود رئیس دولت، هموطنان عزیز و کافه مسلمانان جهان تبریک گفته ترقی ، افغانستان را در سایه نظام نوین مملکت ازخداوند بزرگ تمنا دارند.

عرض تبریک

منسوبین شرکت صادرات قره قل حلول عید سعید

فطر را بحضور شاغلی محمد داود رئیس دولت و

صدراعظم واعضای کمیته مرکزی واعضای

کابینه واردوی غیور روبا شهامت افغانستان و

کافه ملت نجیب افغان تبریک گفته ترقیات مزید

کشور را از خداوند متعال در پرتو نظام نوین

جمهوریت تمنا مینمایند

عرض تبریک

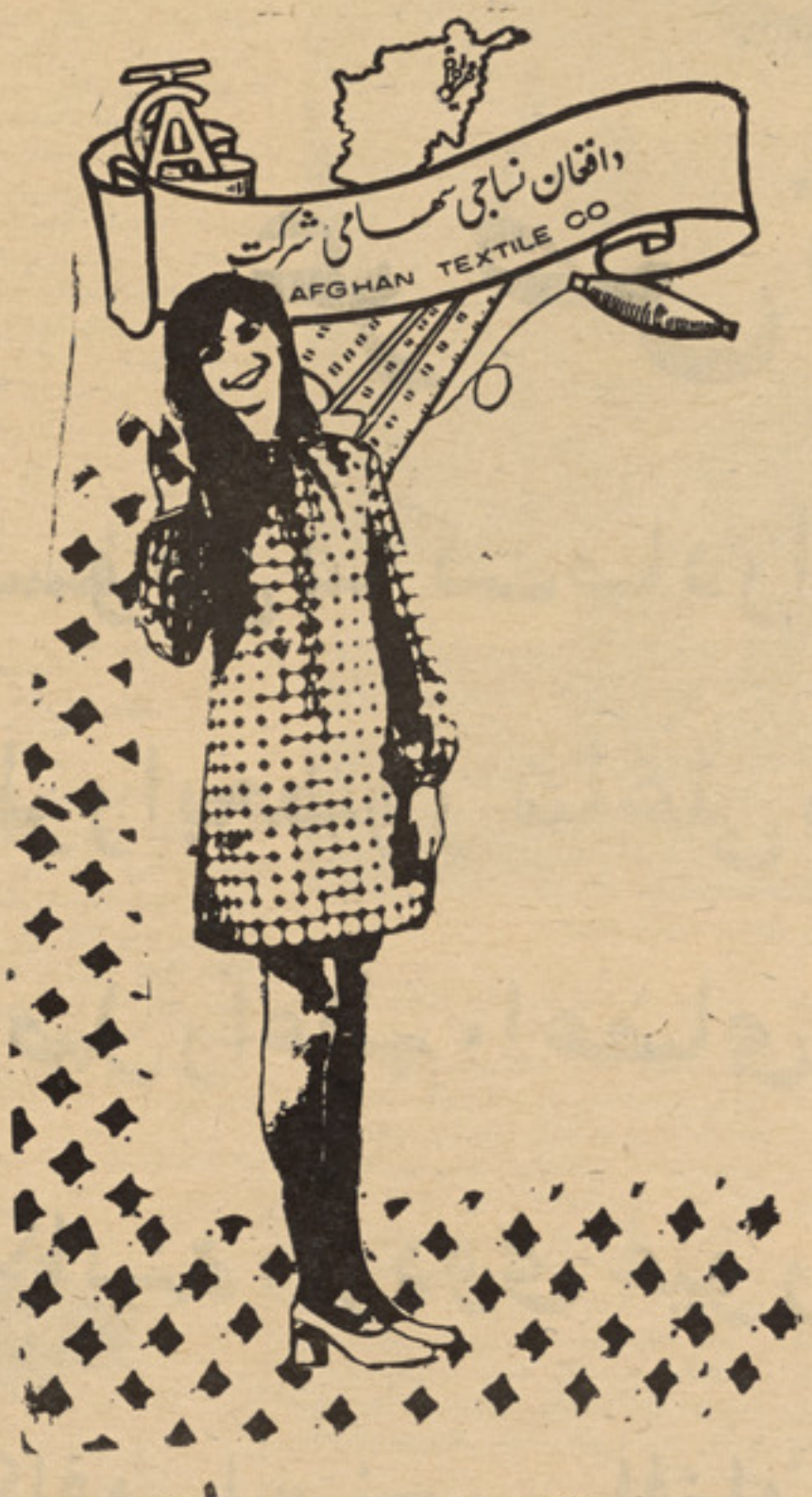

منسو بین نساجی
افغان عید سعید فطر
را به پیشگاه بانی
وموسس نظام
نوین جمهوریت
افغان وکافه
هموطنان گرامی
تبریک عرض نموده ترقی روز افزون
کشور عزیز را تحت قیادت شاغلی
محمد داود رئیس دولت وصدر اعظم
از بارگاه ایزد متعال استدعا مینمایند

عرض تبریک

رئیس، مامورین ، منسوبین وکارگران شرکت

سهامی صناعتی دباغی دری با رساخ تبریکات

خالصانه خویش را به مناسبت ایام مبارک عید

سعید فطر به حضور شاغلی رئیس دولت ومؤسس

نظام جمهوری ، اعضای محترم کمیته مرکزی

وملت نجیب افغان از صمیم قلب تقدیم میدارند

عرض تبریک

منیجر عمومی و تمام کارکنان هوتل انترکانتی نتال

عید سعید فطر را به پیشگاه بانی نظام نوین و کافه هموطنان گرامی تبریک عرض نموده ، ترقی روزافزون کشور عزیز را تحت قیادت رئیس دولت و صدراعظم و موسس جمهوریت در افغانستان شاغلی محمد داؤد از بارگاه ایزد متعال استدعا مینمایند

پیمهٔ افغان

عید سعید فطر را

بحضور سناغلی محمد داؤد

رئیس دولت و صدراعظم

و همهٔ ملت نجیب افغان

صمیمانه تبریك میگوید

تذکر: به‌علت مسافرت نویسندهٔ روزنه ای بسوی تاریکیها ، نشر این سلسله در شمارهٔ موجود میسر نشد.
«ژوندون»

کابل فلز

به پیش... درراهٔ ترقی وعظمت

صنا بـــع افغانستان

تولیدات مؤسسه صنعتی کابل فلز را بشناسید

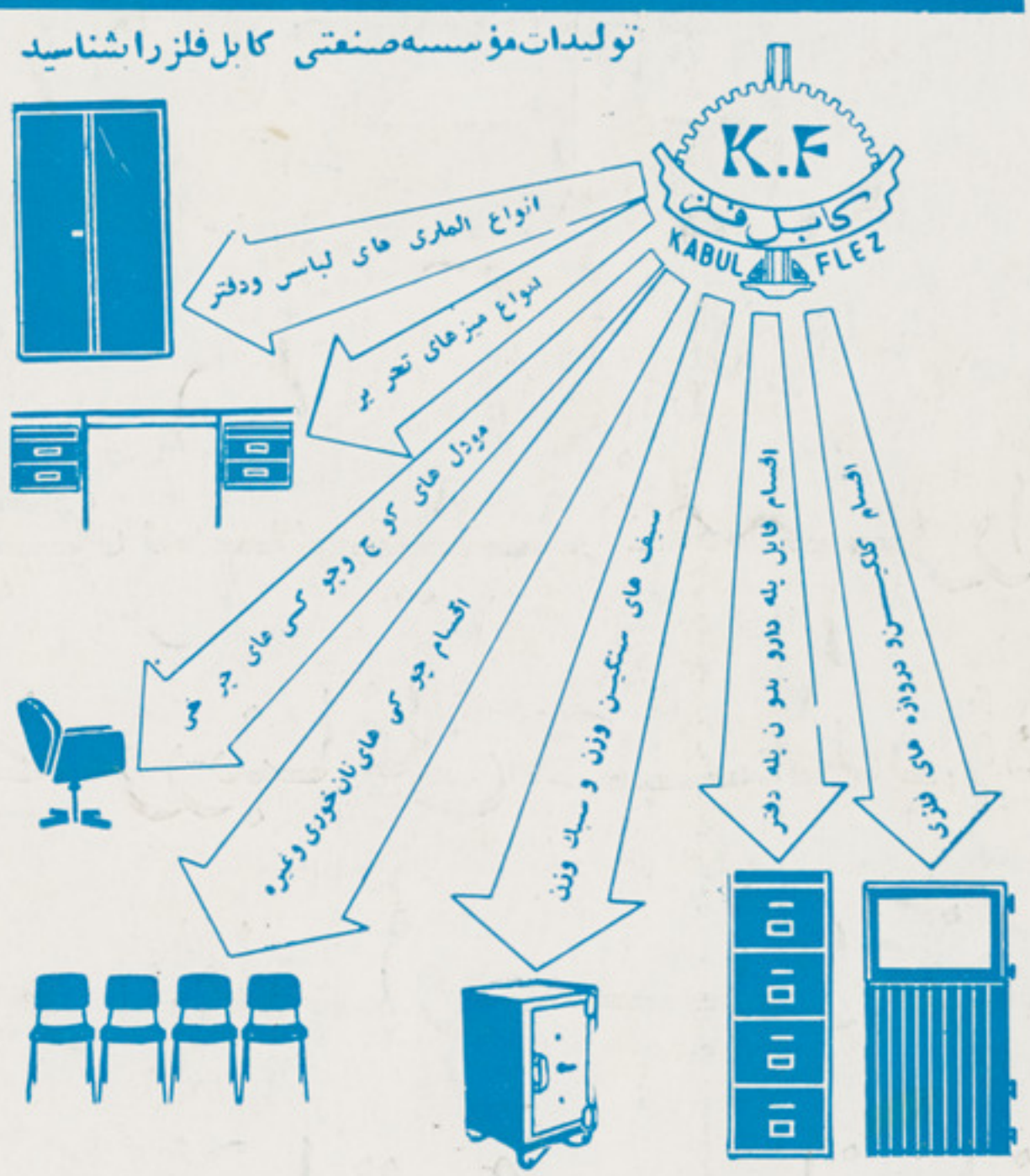

افغانستان ـ کابل ـ سرای غزنی مقابل

ایستگاه سروس تلفن ٤١٧٩٧

به کابل فلز مراجعه کنید بمفاد شماست

قیمت یك شماره مجله ۱۲ افغانی